

## با اتحاد همه نیروهای مدافع انقلاب، توطئه‌های امریکا را در هم شکنیم!

در صفحه ۲

اداره مجتمع عظیم فولاد اهورا به روش تعاونی

تجربهای در جهت ورشکستگی اقتصاد کشور

تعاونی کردن واحدهای صنعتی متمرکز و بزرگ، جز قطعه قطعه کردن صنایع سنگین و تشدید وابستگی اقتصادی نتیجه‌ای ندارد. به جای روش تعاونی، صنایع سنگین و کلیدی از جمله این مجتمع عظیم باید بطور همه جانبه در مالکیت و مدیریت دولتی قرار گیرد.

در صفحه ۶

### امام خمینی: اسلامی کردن دانشگاهها بمعنی بسته بودن دانشگاهها نیست

دستهای قانون شکن و مشکوک با توسل به اقداماتی نظیر اخراج یا به حالت تعلیق درآوردن تعدادی از دانشجویان به "اتهام" اکثریتی یا توده‌ای، در امر گشایش دانشگاهها اخلال می‌کنند.

در صفحه ۳

### غنا در آستانه تحولات نوپا

در صفحه ۱۹

### جمهوری اسلامی ایران خواهان مناسبات صلح آمیز با همسایگان خویش است

«ما می‌خواهیم این مردم، همه مسلمین  
و غیر مسلمین، همه در صلح و صفا باشند»  
امام خمینی

در صفحه ۲۳

رئیس جمهور:

### اصلاحات ارضی از فرائض ماست که حتماً باید انجام پذیرد

گره کار در آنست که زمینداران بزرگ لباس اسلام پوشیده‌اند تا که از دوستان نادان انقلاب بیشترین بهره را بگیرند و با دمیدن تفاسیر این دوستان نادان از اسلام و خط امام در بوق و کرنا، آن را همان اسلام امام خمینی جا زنند. این گره است که باید گشوده گردد.

در صفحه ۹

### علیه فراکسیون‌پرایی

در صفحه ۱۳

★ رفیق ترکمن، رجب محمد توماج و

★ رفیق علی رضا جروقی

در جبهه سوسنگرد به شهادت رسیدند



رفیق شهید رجب محمد توماج

### تاپای جان از میهن انقلابی دفاع کنیم

هر موقع احساس کنم که  
مرگم به نفع انقلاب و در جهت  
اتحاد خلقهای میهنم است،  
بدون درنگ شریک مرگ را  
گناه سر می‌گشیم.

در صفحه ۲۷

## متحد شویم!

### تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

ملیرغم انکار لوجوانه بخشی از نیروهای انقلابی این واقعیت اکنون انکار پذیر شده است که جنبه مدافعان صادق انقلاب و نیروهای که صمیمانه برای حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب مبارزه می کنند و از هیچ گونه جانبازی و فداکاری در راه تحقق اهداف والای انقلاب امتناع ندارند. طیف گسترده‌ای از صاحبان عقاید و مسلک‌های گوناگون را دربر می‌گیرد. در این جنبه هم پیروان صدیق خط امام ( اسلام انقلابی ) و هم پیروان صدیق سوسیالیسم علمی قرار دارند. از جانب دیگر این واقعیت نیز امروزه مورد تأیید همگان است که جنبه مخالفان و دشمنان انقلاب نیز صاحبان عقاید و مسلک‌های متفاوت را در خود جمع کرده است. در طیف اخیر هم مدعیان "مسلمانان" ( یا به عبارت بهتر "اسلام آمریکایی" ) چون روحانیون سرشناسی که ما کودتاچیان آمریکایی همکاری می‌کردند، "خلق مسلمانان" قرار دارند و هم مدعیان دروغین "آزادی" مانند بنی‌صدرها و رجوی‌ها و هم مدعیان "مارکسیسم" ( یا به عبارت صحیح‌تر "مارکسیسم آمریکایی" ) چون "پیکاری‌ها" "رنجبری‌ها" و ...

در عرصه جهانی نیز همین تقسیم بندی با وضوح کامل به چشم می‌خورد: از یک طرف پیروان "اسلام آمریکایی" چون صدام د

دگر پیروان اسلام انقلابی چون لیبی و سوریه و الجزایر همراه با سازمان‌ها و کشورهای ضدامپریالیست مانند سازمان آزادیبخش فلسطین و جمهوری دمکراتیک خلق یمن در کنار جامعه کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی همه‌جا به پشتیبانی از انقلاب ایران در قبال جنبه آمریتی

جنگ علیه متحاورین صدامی منع گردید. واضح است که چنین برخوردی تا چه حد می‌توانست مورد سوءاستفاده عوامل امپریالیسم آمریکا و تفاله‌های آن قرار گیرد. لیبرال‌ها، که برای هموار کردن راه سازش با امپریالیسم تلاش می‌کردند و متاسفانه برای مدت قریب

لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکایی تازه مسلمان از انحصارطلبی و قشری‌گری که به تفرقه مان نیروهای انقلابی منجر می‌گشت، خشنود بودند. بهیچوجه نبود که یورش گروه‌های انحصارطلب و قشری به گروه‌های مدافع انقلاب، رهنمودهای همراهی گروه‌های "رنجبری" و "ساواکی" و تأیید مقامات لیبرال انجام

# با اتحاد همه نیرو و ههای مدافع انقلاب، توطئه‌های امریکارا درهم شکنیم!

امپریالیسم برخاسته و همواره آمادگی خود را برای کمک بی‌دریغ به انقلاب ایران ابراز کرده‌اند. ولی از ابتدای انقلاب طرز تفکر خطرناکی در میان بخشی از نیروهای انقلابی اسلامی جامعه ما رشد کرد که می‌کوشید این واقعیت عیان را نادیده انگارد. این طرز تفکر تا آنجا دامنه گسترده که حتی پشتیبانی نیروهای انقلابی دگراندیش را از انقلاب، رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به سخره گرفت و با دشنام و اتهام بدان پاسخ داد. بر سر راه انقلابیون دگراندیش، که صادفانه آماده شرکت فعال در سازندگی کشور هستند، سنگ‌اندازی کرد و آنها را هر جا که توانست، از انجام این وظیفه میهنی محروم نمود. حتی انقلابیون دگراندیش را که به تدریج فراخوان اسام خمینی برای دفاع از انقلاب در سیح و ارتش بیست میلیونی شبنام کرده بودند، بیرون راند. کار حتی به‌جایی رسید که شهادت نیز به این دایره تنگ انحصاری وارد گشت و زیر این فشار، شرکت انقلابیون دگراندیش در

به دو سال در دستگاه دولت و حاکمیت نفوذ جدی داشتند، با همکاری مائوئیست‌های آمریکایی تازه مسلمان از این طرز تفکر خطرناک بیشترین بهره را گرفتند. هر چند خویشخانه لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکایی تازه مسلمان نتوانستند جمهوری اسلامی ایران را با امپریالیسم آمریکا و متحدان و وابستگان آن پیوند دهند. ولی متاسفانه توانستند در مناسبات جمهوری اسلامی ایران و دوستان و متحدان آن در عرصه جهانی چون جنبه پایداری، کشورهای غیر متعهد و جامعه کشورهای سوسیالیستی و به‌ویژه اتحاد شوروی تا حدود زیادی اخلال کنند. آنها با تفسیر نادرست و زینبخت از سیاست "نه شرقی، نه غربی" و تحریف محتوای واقعی این شعار، کوشیدند جمهوری اسلامی ایران را به انزوا بکشانند و به امپریالیسم آمریکا و سرسپرده‌ای چون صدام امکان دهند که ایران انقلابی را مورد حمله و آماج توطئه‌های خود قرار دهند.

در عرصه داخلی نیز عوامل امپریالیسم آمریکا و

می‌گرفت. از طرف دیگر گروهی از تفاله‌های آمریکا چون کلاهی‌ها، فخارزاده‌ها و کشمیری‌ها نیز که برای انجام مقاصد خویش درصدد نفوذ در دستگاه‌های اجرائی و دولتی بودند و به این منظور برای هرگونه تغییر چهره آمادگی داشتند، با تظاهر افراطی مذهبی و با ابراز خشم و کین آتشین نسبت به دیگر نیروهای وفادار به انقلاب، خود را در حسان‌ترین مقامات دولتی و سیاسی جا زدند و برای روزی که گروهی از عالی‌ترین مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران را به فجع‌ترین وضع به شهادت برسانند، در کمین نشستند.

اما اگر انحصار طلبان وفاداری به انقلاب و فداکاری در راه تحقق اهداف آن را بر انقلابیون دگراندیش حرام می‌دانستند، امپریالیسم آمریکا و سردمداران جنبه براندازی در ایران خصوصت نسبت به انقلاب و توطئه علیه آن به‌هیچ‌وجه "انحصارطلب" نبودند. در همان حال که تفرقه میان صفوف نیروهای انقلابی ادامه می‌یافت و

تفاله‌های آمریکا چون فخارزاده‌ها و کلاهی‌ها و کشمیری‌ها با سوءاستفاده از انحصارطلبی و قشری‌گری از نزدیکی میان وفاداران به انقلاب، صرفنظر از عقاید مسلکی و مذهبی، مانعت می‌کردند، جنبه ضدانقلاب همواره با پیوستن خائنینی که تا دیروز خود را در جنبه انقلاب جا زده بودند، گسترده‌تر می‌شد و اتحاد میان دشمنان انقلاب پیوسته مستحکم‌تر می‌گشت. فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری به‌هنگام تشکیل دولت شهید باهنر، طی رهنمودهایی به ایشان مژگر شدند:

ن نباید هیچ‌گروه و جمعیتی انقلاب را میراث انحصاری خود بدانند... اگر مدرک به‌کار گرفتن افراد، ایمان، تقوا و لیاقت باشد، هیچ‌گاه زمینه تعارض و درگیری و نصب و عزل‌های بی‌مورد پیش نخواهد آمد. به‌نظر اینجانب خط امام بهترین و اصلی‌ترین محوری است که می‌توان در تقسیم مسئولیت‌ها مدرک قرار گیرد.

این جملات که از وجود ضرورتی حاد در جامعه انقلابی ایران خبر می‌دهد و از بن‌بستی که انحصار طلبی و قشری‌گری ایجاد کرده بود، حکایت می‌کرد، چند روز بعد، هنگامی که شهید رجایی، شهید باهنر و شهید قدوسی در آتش توطئه کسانی چون کشمیری و فخارزاده سوختند، صحت خود را نشان دادند. اگر مدرک نه ایمان، تقوا و لیاقت و پیروی صحیح از خط امام، بلکه تظاهر به "مسلمان بودن"، سر فرود آوردن در قبال انحصارطلبان و قشریون و تفرقه‌جویی و تحریک علیه دیگر نیروهای وفادار به انقلاب باشد، نه فقط ریشه‌های گندیده آمریکا نخواهد خشکید، بلکه پیوسته در چهره کسانی چون کشمیری‌ها بر ریشه انقلاب تیشه خواهد زد. درست به‌همین دلیل بقیه در صفحه ۲۴

## گسترده باد همگامی و همکاری

# همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

### امام خمینی : اسلامی کردن دانشگاهها بمعنی بسته بودن دانشگاهها نیست

#### به اقدامات قانون شکنانه

#### در بازگشایی دانشگاهها رسیدگی کنید

اکنون پس از گذشت نزدیک به ۱۸ ماه از تعطیلی مراکز آموزش عالی کشور ، گام های امید آفرینی در جهت گشودن درهای دانشگاهها و مدارس عالی کشور برداشته می شود . این روند که با ثبت نام دانشجویان رشته های مهندسی ، کشاورزی و علوم پایه که بیش از ۲۵ واحد به اتمام تحصیلاتشان باقی نیست . آغاز گردیده ، در صورت تداوم می تواند به حل ناپسته معضل دانشگاهها بیانجامد و تغییر بنیادین آموزش دانشگاهی را در شرایط بازبودن دانشگاهها هر چه برابتر به پیش برد . آخرین رهنمود امام به اعضای ستاد انقلاب فرهنگی در مورد بازگشایی دانشگاهها را می توان نقطه عطفی در این مسیر دانست . ایشان در ادامه رهنمودهای خویش و در ملاقات شبه ۲۶ تصریح کردند

وقتی من می گویم دانشگاهها برای اسلامی شدن ۲۵ سال وقت لازم دارند ، بدین معناست که دانشگاهها باید باز بشود و بیست سال طول بکشد تا صد در صد اسلامی شود و این به معنای باز شدن است نه بسته بودن دانشگاهها . در مورد وزارت کشور و وزارتخانه های دیگر هم گفته می شود که باید اصلاح شوند و اصلاح شدن این دستگاهها نهبه معنای بسته شدن آنها و بسته ماندن آنهاست ، بلکه باید در حال بازگشایی اصلاح شوند ."

صراحت کلام به گونه ای است که جای هیچگونه تفسیر و تاویلی را باقی نمی گذارد . همچنین تدارک برای بازگشایی رشته های علوم انسانی مورد توجه قرار گرفته است . در مورد بسیاری از دروس این رشته ها نیز امکان آغاز کار وجود داشت ولی بودند جریاناتی که در این زمینه می گفتند تا دگرگونی اساسی ، بازگشایی عملی نیست . در این مورد نیز یکی از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی برخورد امام را این چنین بازگو می کند :

" کسانی که اظهار می کنند از قرآن می خواهند هنر را بیرون بیاورند یا علمی از علوم انسانی را بیرون بکشند ، یعنی علوم انسانی به معنی مصطلح مانند جغرافیا و تاریخ را - اینها در حقیقت توجه به هدف قرآن و انبیاء ندارند و به درستی برخوردشان معلوم نگرداند که انتظار یک مسلمان باید از قرآن چه باشد؟"

اطلاعات بکشبه ۲۷ دی ماه جدا از مسائل فوق مطالب جدی تر دیگری نیز در مورد بازگشایی دانشگاهها در مصاحبه های مسئولین و دست اندر کاران امر آموزش عالی مطرح گردیده که این همه باعث خوشحالی و امیدواری مردم نیروهای متعدد و مخصوص جوانان مبهیمان شده است . امروز دیگر جریانی که از ابتدای بسته شدن دانشگاهها به شیوه ای عنودانه و حتی کارشکنانه و مشکوک از تعطیلی دانشگاهها دفاع می کرد ، در مقابل فشار واقعیتها و رهنمودهای رهبران جمهوری اسلامی ایران ، امام خمینی و آیت الله منتظری نمی تواند از ایده بسته ماندن دانشگاهها دفاع کند .

اما ساده اندیشی است اگر تصور کنیم که این جریان بطور کلی از مواضع خویش عقب نشسته و از تمامی اقدامات خود دست برداشته است . اینها با تمام قوا از بازگشایی دانشگاهها جلوگیری می کنند ، چرا که می دانند هر قدر بازگشایی به تعویق افتد ، انقلاب صدمه بیشتری خواهد خورد . اما شیوه

اکنون که گام های نخستین برای بازگشایی دانشگاهها برداشته شده است ، مسئولین امر باید با اجرای رهنمودهای امام خمینی و با استفاده از کمک فعال همه نیروهای بازگشایی دانشگاهها را سرعت بخشند و تسلیم هیچگونه کارشکنی و قانون ستیزی مخالفین نگردند .

علمان عوصی شده است . آنها این بار با بیافه کشمیری یعنی از مواضع خیلی اسلامی حرکت خواهند کرد . بدین لحاظ نیروهای که می خواهند رهنمودهای امام را بطور جدی اجرا کنند ، باید متوجه قیافه فریکارانه و زورخانه عاملان این کارشکنی ها باشند . از آخرین حرکات آنان ، تهیه پرسشنامه هایی است که برای ثبت نام دانشجویان ۲۵ واحدی ارائه گردیده است . جالب آنکه این پرسشنامه ها بدون مهر و امضاست و اساسا روشن نیست که کدام ارگان ذیصلاحی آن را به جریان انداخته است . مجموعه سئوالات مطروحه در این پرسشنامه شایسته نامی جز

" تفتیش عقاید آشکار " نیست . دانشجویان وقتی برای ثبت نام مراجعه می کنند ، با این سئوالات مواجه می شوند - **چگونه کتاب هایی خوانده اید؟ چه گرایش سیاسی دارید؟ در مورد فلان مسئله چه فکر می کنید؟ و دهها سؤال دیگر از این دست . جالبتر آنکه تهیه کنندگان این پرسشنامه سراپا ناقص قانون اساسی در پایان اولتیماتوم هم می دهند که تا این فرمها بر نشوند از دانشجویان ثبت نام به عمل نخواهد آمد و با آنان طبق قانون (!) رفتار خواهد شد .**

خوب است بینیم قانون در این مورد چه گوید . در اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است :

" تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف دانستن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد "

و درست یا غلط سئوالات و تسبیحاتی است که تعدادی از دانشجویان پزشکی و رشته های وابسته در شهرهای مشهد ، تبریز ، سیراز ، اصفهان و تهران به " انبام " ! اکزیتی یا توده ای بودن اخراج شده و با به حالت تعلق درآمده اند . لازم است در این زمینه به اظهار نظر آقای دکتر نجفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی که در نشریه دانشگاه و انقلاب آمده است ، اشاره کنیم که گفته اند :

دانشجویانی که لااقل پس از فراغت از تحصیل در خدمت کشور حاضر باشند عمل بکنند و عنادی با نظام جمهوری اسلامی ایران نداشته باشند می توانند به تحصیل ادامه دهند ."

در مورد جنبش اقدامات ضد قانون می توان به شیوه استخدام اساتید جدید و رسمی کردن مربیان اشاره کرد که با سئوالات پرسشنامه های آنجانی موافقی ناروا و انحصار طلبانه بر سر راه خدمت آنان بیدید آورده اند . و جنبش است اخراج تعدادی از اساتید در دانشگاه هایی که شروع به کار کرده اند . به عنوان مثال اخراج تعدادی از کادر آموزشی دانشگاه سیراز که در اغلب موارد اخراج این افراد بی مورد بوده است . با این ترتیب بر ناراستی های کنونی در زمینه کمبود نیروی متخصص افزوده می شود و بر فعالیت دانشگاهها ریان های جدی وارد می گردد .

این نیز در حالی است که رهبر انقلاب بر به کار گیری اساتید متخصص که کارشان سودمند و نافع به وضع اجتماع و عمل او به هیچ وجه برخلاف نهضت نباشد ولو اینکه مسلمان نباشند تاکید کرده اند .

شاید در وهله اول جنبش حرکتی محروم نمودن تعدادی دانشجو از ادامه تحصیل و یا به کار نگرفتن عده ای استاد در دانشگاهها به نظر بیاید ولی اگر اندکی عمیق تر به مسئله نگاه کنیم ابعاد ضربه روشن تر می شود . اقداماتی از این دست در واقع به معنای پاشیدن تخم بدبینی و بی اعتمادی در میان جوانان میهن است که مطمئن نباشند آیا قادر به

ادامه تحصیل هستند یا نه؟ حتی اگر به حق ناسکی کس تخصص و خدمت به میهن را داشته باشند . ایجاد ناامیدی و یاس در استادان و صاحبان تخصص است که استاده اند و قصد خدمت دارند . اما به دلایل واهی و بی اساس نمی توانند کار بکنند و همچنین ایجاد نگرانی در میان خانواده ها در مورد آینده فرزندان است . این همه نتایج است ، محروم کردن انقلاب و جمهوری و کشور از نیروی متخصص و کارائی است که به انقلاب متعهد است و نسبت به مردم وفادار . این بزرگترین خیانت به انقلاب و مردم است .

حرکاتی این چنین در سال قانون ، آشکارا لگدکوب کردن قانون است و جایگزین کردن ضوابطی من درآوردی به جای قانون اساسی که برط آن : " آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تعمیم آموزش عالی " به صراحت تاکید شده است .

این کارشکنی که عملا برای بی اعتبار کردن جمهوری اسلامی و سختان و رهنمودهای مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی ایران است طبعاً به بی اعتمادی نسبت به آنان نیز منجر خواهد شد .

آخرین اقدام کارشکنان سنگ اندازی و ایجاد مانع در راه فعالیت و تحرک دانشگاه های ایران است که اگر تاکنون صریحا و با شعار تعطیلی دانشگاه از آن دفاع می شد ، امروزه با شعارهای دیگر و اقداماتی از این قبیل - عنوان می گردد تا بر سر بازگشایی دانشگاهها مانع ایجاد گردد .

اکنون که گام های نخست برای بازگشایی دانشگاهها برداشته شده است ، بجاست که مسئولین و دست اندرکاران امر دانشگاهها و آموزش عالی با اجرای رهنمودهای امام خمینی گام های بعدی را سریع تر به جلو بردارند و با رفع کاستی های موجود و برخورد با کارشکنی ها و فتنه سوزی ها با کمک فعال همه نیروهای دانشگاهی مومن به انقلاب و معتقد به جمهوری اسلامی ایران ، نظام آموزش عالی و پیشرفته را ، آنگونه که شایسته انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است ، بی ریزند .

به نیروی متحد مردم شاه فرار کرد

## شاه در رفت مرگ بر امریکا

هنگامی که در اوج شکوهند حماسه آفرینی های مردم، شاه با حالتی مفلوک و گریان از میهن انقلابی ما گریخت. مردم با دلاوری سرودند "بعد از شاه، نوبت آمریکاست"

شاه رفت! امام آمد! امام در میان استقبال آقیانوسی از مردم به میهن بازگشت. و در بهشت زهرا با اشاره به دولت یگانه بختیار، فریاد زد:

"من به پشتوانه این ملت، توی دهان این دولت می رنم". پس از آن مردم همچنان به پیش رفتند و با خروش تندآسای خود انقلاب را در ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رساندند!

... مردم به راه خود ادامه دادند و امام گفت:

"هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید" بازرگان تسبیح به دست در صف نمازگزاران ایستاد و گفت: "ما خواهان روابط با آمریکا هستیم" سیل مردم خروشید و در طنین "مرگ بر آمریکا" مردم، لانه شیطان بزرگ فتح شد و بازرگان و شرکا: که به هیچ

مردم ورهبر گفتند: "ما همه مردجنگیم". همه چیز در خدمت جبهه همجبر برای پیروزی، این بود پاسخ مردم ما به آمریکا. آنها فرزندان خود را با شعار مرگ بر آمریکا به جبههها فرستادند و بر روی هر آنچه به جبهه فرستادند، مرگ بر آمریکا را حک کردند.

در هر وحب از خاک انحال شده میهن رزمندگان به خون غلظید اما جنگ به زبان دشمن ادامه یافت. دشمن شکست خورده مشاوران خود را فرا خواند و آنها را دادند که باز دیگر می توان ترند شکست خورده گذشته را با رنگی دیگر به راه انداخت. باز دیگر باید از عناصر و حربیهای "مفلوک" و مساه رو که با "ارتجاع" مخالفاند، حمایت کرد.

و بنی صدر گفت که "من به نام دفاع از "آزادی" در مقابل "استبداد" تا به آخر استقامت خواهم کرد. از این سخن تمام رجاله های طرد شده و ورشکسته به شوق آمدند. "چپ" روهای قدرت طلب کف بر لب آوردند که

هائ! زمان سرنوشتی "ارتجاع" فرا رسیده است. به سرعت برق جبهه های از انواع تفاله های آمریکا شکل گرفت قلمها نوشتند و در تریبونها گفتند که "آزادی" نیست! که اصلاحات ارضی و محدود کردن ثروت غارتگران مردم کار کمونیست هاست، که دشمن اصلی نیروی است! و مردم در سنگرهای خونین جنوب و غرب و در سنگری به فراخای میهن، نظاره گر

بازی مضحکه آلود تفاله هایی بودند که با سفاقت تمام فکر می کردند همین امروز و فردا بر مردم چیره خواهند شد. و آن زمان که روز مصاف فرا رسید، مردم تندآسا فریاد برآوردند که: "مرگ بر آمریکا و مرگ بر سازشکار" و دشمن باز دیگر چون آغاز جنگ خمیلی این بار با حربه تروریسم کور از مردم انتقام کشید. جنایاتی که دنیا را تکان داد و به راستی با هیچ چیز جز شناخت از ماهیت پلید دشمن ایجاد چنین جنایاتی را نمی توان اندازه گرفت. تنها مردمی که شاه را در نهایت فلاکت و عجز بیرون کردند می توانستند در مقابل سبعت درنده خوئی دشمن، چنین استوار مقاومت کنند. پیکار متحد و قدرتمند در جبهه های افتخار آفرین جنوب و غرب ادامه یافت.

ستون فقرات تروریسمی که آمریکای جنایتکار برای همراه انداختن یک جنگ داخلی تدارک دیده بود، درهم شکسته شد. آنها که در مقابل مردم باد کاشته بودند پاسخ خود را با طوفان گرفتند و چنین بود که در سومین سال پیروزی انقلاب سرهنگ خلیان معزی، که شاه را با هواپیمای خود فرار داده بود، تاجرننگال انتقام مردم نیفتد، با عنوان برادر مجاهد، رجوی و بنی صدر را فراری داد و این طاعونکها را به پاریس برد. آنها

همانند شاه از برابر مردم حقیرانه گریختند و در پی خود بقایای پلشتی های عمل خائنانه خود را بر جای نهادند، که مردم با درد و رنج آن را نیز پاک خواهند کرد. ولی این پایان نبرد ما نیست. ما مردم هستیم و تا انقلاب هست، پیکار مردم ما به عنوان بخش ارزنده های از نبرد عادلانه خلق های جهان تداوم خواهد داشت.

مرگ بر آمریکا! حکم جبری و محتوم تاریخ است. در سالروز فرار شاه و با آموزش از سه سال نبرد بی امان با آمریکا، مردم این سخن رئیس جمهور خامنه ای را که پشتوانه در عزم خلل ناپذیر آنها دارد تکرار می کنند که:

"ما مصمم هستیم که قوی ترین و موثرترین و کوبنده ترین ضربات خودمان را بر آمریکا وارد آوریم و خواهیم آورد"

از همان روز اول که دولت ما بر سر کار آمد "همچنان خواهان روابط خوبی با آمریکا" (۱) بودیم همان روزها آقای مهندس بازرگان این تمایل را بطور علنی نیز اظهار داشت (۲) منتها به علت احساسات ضد آمریکائی مردم "عادی کردن روابط می بایست با دقت صورت گیرد" (۳) "آبروریزی و مشکل و دردسری در روند روزمره دولت جدید پیش نیاید" (۴) به همین دلیل لازم بود به خاطر "منافع مشترک" و "آبروریزی روابط خوبی در آینده" (۵) در تماس با مقامات آمریکائی "علاقه خود را به مبادله اطلاعات ابراز کنیم" (۶) از آنجا که ما از "مداخله عراقی ها در خوزستان و فعالیت فلسطینی ها و لیبی ها" (۷) به شدت نگران بودیم به این نتیجه رسیدیم که دولت آمریکا می تواند "دولت موقت را از چنین فعالیت های خرابکارانه ای آگاه کند" (۸)،

کما اینکه "متنی در مورد افغانستان" از آنها گرفته شد البته چون این "تبادل اطلاعات درست همان چیزی بود که آنها" انتظار داشتند (۹) از آن استقبال کردند، اما تاکید داشتند که "مطالب بسیار محرمانه نمی تواند به صورت نوشته عرضه شوند و به صورت شفاهی انجام می گیرند" (۱۰) آمریکائی ها از ما خواستند "از لحاظ امنیتی جریان گیرندگان این اطلاعات به بازرگان، یزدی و یک افسر ارشد اطلاعات و امیران نظام "محدود" (۱۲) شود و اگر ضرورت دیگری پیدا شده، اول شخص مورد نظر باید توسط یزدی چک شود" (۱۳) وقتی که توطئه کردستان در سال ۵۸ به اوج رسید با اینکه دولت "اطلاعات قابل اعتمادی مبنی بر اینکه آمریکا و اسرائیل با عراقی در اخلال همدست هستند" (۱۴) در دست داشت و این موضوع را با آمریکائی ها در میان گذاشتیم، آنها گفتند که "مسئله دخالت اسرائیل با عراق" در این مورد "مسخره" (۱۵) است و "آمریکا منافع

## مواضع لیبرال ها بدون شیشه پیله

از همان روز اول که دولت ما بر سر کار آمد "همچنان خواهان روابط خوبی با آمریکا" (۱) بودیم همان روزها آقای مهندس بازرگان این تمایل را بطور علنی نیز اظهار داشت (۲) منتها به علت احساسات ضد آمریکائی مردم "عادی کردن روابط می بایست با دقت صورت گیرد" (۳) "آبروریزی و مشکل و دردسری در روند روزمره دولت جدید پیش نیاید" (۴) به همین دلیل لازم بود به خاطر "منافع مشترک" و "آبروریزی روابط خوبی در آینده" (۵) در تماس با مقامات آمریکائی "علاقه خود را به مبادله اطلاعات ابراز کنیم" (۶) از آنجا که ما از "مداخله عراقی ها در

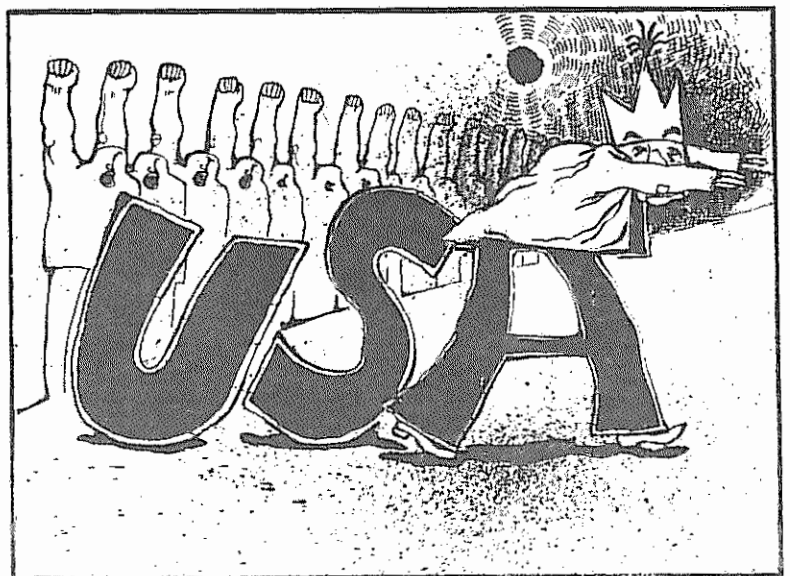
خوزستان و فعالیت فلسطینی ها و لیبی ها" (۷) به شدت نگران بودیم به این نتیجه رسیدیم که دولت آمریکا می تواند "دولت موقت را از چنین فعالیت های خرابکارانه ای آگاه کند" (۸)،

کما اینکه "متنی در مورد افغانستان" از آنها گرفته شد البته چون این "تبادل اطلاعات درست همان چیزی بود که آنها" انتظار داشتند (۹) از آن استقبال کردند، اما تاکید داشتند که "مطالب بسیار محرمانه نمی تواند به صورت نوشته عرضه شوند و به صورت شفاهی انجام می گیرند" (۱۰) آمریکائی ها از ما خواستند "از لحاظ امنیتی جریان گیرندگان این اطلاعات به بازرگان، یزدی و یک افسر ارشد اطلاعات و امیران نظام "محدود" (۱۲) شود و اگر ضرورت دیگری پیدا شده، اول شخص مورد نظر باید توسط یزدی چک شود" (۱۳) وقتی که توطئه کردستان در سال ۵۸ به اوج رسید با اینکه دولت "اطلاعات قابل اعتمادی مبنی بر اینکه آمریکا و اسرائیل با عراقی در اخلال همدست هستند" (۱۴) در دست داشت و این موضوع را با آمریکائی ها در میان گذاشتیم، آنها گفتند که "مسئله دخالت اسرائیل با عراق" در این مورد "مسخره" (۱۵) است و "آمریکا منافع

عراقی ها در این مورد "مسخره" (۱۵) است و "آمریکا منافع

عراقی ها در این مورد "مسخره" (۱۵) است و "آمریکا منافع

عراقی ها در این مورد "مسخره" (۱۵) است و "آمریکا منافع



ماده" به پیروزی بریند! مصوبات "کنگره" اقلیت در این باره می گوید:  
جامعه ایران یک جامعه سرمایه داری وابسته تحت سلطه امپریالیسم جهانیست به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و جرئی از سیستم نو استعماری است...  
انقلاب ایران یک انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته است...  
این انقلاب یک مرحله‌ی گذار به سوی سوسیالیسم محسوب می شود مضمون طبقاتی آن را دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی کارگران و اقشار متوسط و پائین خرد بورژوازی شهر و روستا تشکیل می دهد."

ایران تحقق چنین حاکمیتی از نظر اقلیت عبارت است از: " حزب انقلابی پیشرو طبقه کارگر" " جنبه واحد انقلابی" " ارتش مسلح پرولتاریا" " مصوبات "کنگره" منحین جهانی طبقه کارگر ایران را به ترتیب "حزب های سوسیالیسم و پرولتاریای کشورهای سرمایه داری" دانسته است.  
مصوبات "کنگره" اقلیت احزاب موجود در جامعه را به چهار دسته تقسیم کرده است که عبارتند از:  
احزاب وابسته به بورژوازی (بزرگ و متوسط) که باید علیه آنها مبارزه کرد که حزب رنجبران به عنوان حزبی سوسیال نونیست از آن جمله است احزابی که از منافع حرد بورژوازی مرفه دفاع می کنند. "سازمان های سوسیال رفرمیست" "ناسیونال رفرمیست" که باید منفرد شوند. دسته سوم به رسم اقلیت سازمان های انقلابی هستند که خود به چند دسته تقسیم می شوند اول انقلابی ترین گرایش که متعلق به جریان های (طیف خط ۲) است که اقلیت خود از آن جمله است. دوم جریان های موسوم به خط ۳ که گرچه به خاطر اعتقاد به سوسیال امپریالیسم در وحدت حزبی اقلیت نمی گنجد، ولی از آنجا که به رسم اقلیت امپریالیسم آمریکا را دامن اصلی می دانند، و شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را

رفتن در گنداب، استوار ایستاد، اعتراف می کند که در طی این مدت فاقد هدف و نقشه معین بوده و تنها از تمایلات ماجراجویانه و سکناریستی خود پیروی می کرده است.  
واقعاً چه کسانی مسئول جان دهها و صدها جوان ساده اندیش، کم تجربه و گمراه شده ای است که در نتیجه دنباله روی از جنس "رهبرانی حان خود را اردست دادند و با تمام توان و انرژی آنها در کمال ناآگاهی در خدمت اهداف امپریالیسم و عمال

انقلابی طبقه کارگر ایران توسط اقلیت و گروه های هم سنخ آن در بستوی خانه های تجمعی و همه اینها نیست جز تداعی کننده تمام عیار طوفان در فتنان!  
در گزارش رهبری اقلیت بیامون وضعیت نسکلاتی و نقاط ضعف و قوت حرکت نسکلات در یک سال و نیم گذشته، "کنگره" پس از ارزیابی مثبت! از حرکت "سازمان" در زمینه کار توده ای بخصوص در کردستان و تاکید بر دستاوردهای غوریک مسائل مربوط به استراتژی و تاکتیک تحلیل و ارزیابی وضعیت کنونی، وظایف و تاکتیک های سازمان نقائص و انگالالت را اینگونه جمع بندی نموده است:  
\* " فقدان هدف و نقشه معین برای مداخله انقلابی در مبارزه طبقاتی دنباله روی از جریان خود بخودی امور".  
\* " گسترش بی رويه تشکیلات".  
\* " کم بها دادن به مبارزه ایدئولوژیک درونی و بیرونی در جهت دستیابی به یک تئوری انقلابی فقدان رابطهای زنده بین رهبری و بدنه تشکیلات".  
\* " کم توجهی به امر آموزش و تربیت کادراها و عدم استفاده درست از انرژی و استعداد های تشکیلات".  
\* "کنگره" همچنین انتصاب از سازمان را به خاطر آنکه اهداف انتصاب به درستی درک نشد، زودرس ارزیابی کرد، جمع بندی فوق روح سرگشتگی و بیرئان روزگاری یک دسته آنارشیست ورشکسته را نشان می دهد. این رهبری غیر مسئول و آنارشیست اقلیت است که پس از یک سال و نیم هیاهو و طعن و لعن به رهبری سازمان ما به خاطر اینکه در مقابل تمایل دسته ای کوچک جهت فرو

اروز علیرغم برخی دگرگونی هایی که در دیدگاه های باره ای از مسئولین سابق اقلیت روی داده که باعث اخراج آنها از اقلیت گردیده است، مناسفانه مصوبات به اصطلاح "کنگره" جسی وضعیت فلاکت باری را به نمایش گذاشته است که جز تلاش و معظوظ گام به گام این گروه به دامن مائوئیسم و صد انقلاب تصور دیگری از آن نمی توان داشت.  
سریه اقلیت بیامون چگونگی برگزاری "کنگره" نوشته است.

غری نندن در تحلیل های ذهنی و من درآوردی و دفاع از مواضع گنبدیده سه مائوئیستی و ماجراجویانه. الزاماً نتیجه ای جز نعی عملی دستاورد عظیم ضعد کارگر و نقش تعیین کننده آن در تحول انقلابی دوران ما، دتمسی یا گردان های پیشاهنگ طبقه کارگر در عرصه بین المللی و خصومت و تقابل با واقعیت درخشانی چون انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، خواهد داشت که نتیجه نهایی آن فرارگرمس اقلیت و تمام گروه های جب رو در همان سنگری است که نیروهای مرتجع وابسته به امپریالیسم در آن قرار دارند. آنها امروز دست در دست یکدیگر به حجاب هدف واحدی شلیک می کنند. برای گمراهانی که در صفحه اول نشریه خود شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را و طبقه مرم خود اعلام می کنند، نمی توان سرنوشتی جز این تصور نمود.  
ما در مقاله ای به مناسبت سالگشت انشعاب اقلیت در نشریه کار شماره ۱۱۶ با مروری مختصر بر مواضع به غایت انحرافی اقلیت در یک سال گذشته، ضمن فراخواندن آنها به صفوف انقلاب با تاکید بر شناخت از رهبری این گروه گفته بودیم:  
" با شناخت نسبتاً روشنی که از ترکیب و سمت گیری طبقاتی رهبران اقلیت در دست داریم، ساده انگارانه است هر گاه تصور کنیم که این جریان قادر خواهد شد فی الجمله به سرعت خود را از قید دیوارهایی که بین خود و اردوی انقلاب کشیده است رها سازد."

نخستین کنگره سازمان حریک های فدائی خلق ایران که در تاریخ حیات سازمان نقطه عطفی محسوب می گردد با حضور همه اعضا و بخشی از کاندیداهای عضویت که عهده دار مسئولیت هائی در تشکیلات بودند برگزار شد."  
نخسین مسئله ای که در این حر حلت توجه می کند آن است که ما حتی از نظر شکل نه با یک کنگره واقعی که اعضای حزب و سازمان های آن نمایندگان خود را انتخاب و به کنگره می فرستند، بلکه با تجمع تمامی اعضا! یک نسبکه تروریستی و زبرزمینی در یک خانه نسبی مواجه هستیم که به واسطه یک توهم، آن را "کنگره" نامیده اند! و این همان دسته ای است که هرچه بیشتر از طبقه کارگر و سایر توده ها جدا می شود شعارهای ذهنی خود را با هایبوی رعد آساری فریاد می زند، شعارهایی در وصف طبقه کارگر و ضرورت تأمین هژمونی آن. جنبه واحد انقلابی تشکیل ارتش مسلح پرولتاریا که جوخه های رزمی اقلیت می بایست هسته اصلی آن باشند، و شعارهایی در ضرورت پایان بخشیدن به تفرقه و پراکندگی در جنبش کمونیستی و تدوین تئوری

فراسیون اقلیت که در ۱۳ خرداد ۵۹ با انتشار نشریه جداگانه و سروصدای زیاد از سازمان انشعاب کرد سرانجام نخستین "کنگره" خود را برگزار نمود و خبر آن نیز در نشریه شماره ۱۴۵ اقلیت درج شد.  
آنچه در توضیح نحوه برگزاری و مصوبات این به اصطلاح کنگره در نشریه "اقلیت" آمده است، بیانگر سقوط روزامون و آن وضعیت رفت باری است که اقلیت و تمام گروه های "جب" رو بدان گرفتار شده اند.  
غری نندن در تحلیل های ذهنی و من درآوردی و دفاع از مواضع گنبدیده سه مائوئیستی و ماجراجویانه. الزاماً نتیجه ای جز نعی عملی دستاورد عظیم ضعد کارگر و نقش تعیین کننده آن در تحول انقلابی دوران ما، دتمسی یا گردان های پیشاهنگ طبقه کارگر در عرصه بین المللی و خصومت و تقابل با واقعیت درخشانی چون انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، خواهد داشت که نتیجه نهایی آن فرارگرمس اقلیت و تمام گروه های جب رو در همان سنگری است که نیروهای مرتجع وابسته به امپریالیسم در آن قرار دارند. آنها امروز دست در دست یکدیگر به حجاب هدف واحدی شلیک می کنند. برای گمراهانی که در صفحه اول نشریه خود شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را و طبقه مرم خود اعلام می کنند، نمی توان سرنوشتی جز این تصور نمود.  
ما در مقاله ای به مناسبت سالگشت انشعاب اقلیت در نشریه کار شماره ۱۱۶ با مروری مختصر بر مواضع به غایت انحرافی اقلیت در یک سال گذشته، ضمن فراخواندن آنها به صفوف انقلاب با تاکید بر شناخت از رهبری این گروه گفته بودیم:  
" با شناخت نسبتاً روشنی که از ترکیب و سمت گیری طبقاتی رهبران اقلیت در دست داریم، ساده انگارانه است هر گاه تصور کنیم که این جریان قادر خواهد شد فی الجمله به سرعت خود را از قید دیوارهایی که بین خود و اردوی انقلاب کشیده است رها سازد."

## "کنگره" فلاکت

### درباره برگزاری نخستین "کنگره" اقلیت!



## اداره مجتمع عظیم فولاد اهواز به روش تعاونی بحرینهای در جهت ورشکستگی اقتصاد کشور

تعاونی کردن واحدهای صنعتی متمرکز و بزرگ، جز قطعه قطعه کردن صنایع سنگین و تشدید وابستگی اقتصادی نتیجهای ندارد. به جای روش تعاونی، صنایع سنگین و کلیدی از جمله این مجتمع عظیم باید بطور هم جانب در مالکیت و مدیریت دولتی قرار گیرد.

سراجام دولت جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت پروژه عظیم مجتمع فولاد اهواز را. همانند کارگاههای صنایع دستی به صورت "تعاونی" اداره کند و بحران نگران کنندهای را که در اثر اخلاصگریهای مداوم و مکرر لیبرالها و ندانم کاریهای مسئولین کنونی گریبانگیر مجتمع فولاد شده است، بر عزم خود "حل" نماید. غافل از آنکه تکمیل این پروژه که از جمله معطمترین و متمرکزترین پروژههای صنعتی کشور است با اداره یک مرغداری یا یک کارگاه سبه با تکنی تفاوت کفی دارد. تجربههای که اکنون در خوزستان و در مجتمع فولاد اهواز در کار در هم شکست اقتصاد کشور است، مناسبتی نادرست و ترفیخواهانه ۴۲ م.دی و قانون اساسی است.

در این اصول قانون اساسی جنبه مردمی انقلاب، نفرت و انزجار تودههای محروم و استثمار شونده جامعه ما از نظام غارتگر سرمایه داری وابسته به امپریالیسم انعکاس یافته است. تا کیداتی که در این اصول بر بخش دولتی و گسترش بخش تعاونی در اقتصاد کشور صورت گرفته است، در مخالفت با راه رشد سرمایه دارانه اقتصاد که بهره کشی هرچه بیشتر کارگران و زحمتکشان را به بهای فقر و خانه خرابیشان به بیار می آورد، متوجه تامین راه رشدی در اقتصاد است که عدالت اجتماعی را برای تودههای دهها میلیونی زحمتکشان شهر و روستایه امقان آورد.

طرفداران سرمایه داری که متحدان امپریالیسم اند پس از شکستی که با تصویب این اصول مردمی نصیبشان شد، اولاً می کوشند مانع اجرای این اصول شوند و ثانیاً همه توان خود را به کار می گیرند که در صورت اجرای این اصول تا آنجا که می توانند آنرا از محتوای مردمی تهی سازند و به نقیض خود مبدل کنند. آنها در این راه، از ناآگاهی و تنگ نظری پاره ای از مسئولین و پیروان خط امام بیشترین بهره را می گیرند. اگر تشکیل تعاونی هایی

( بخوان انحصارهایی ) قبل تعاونی فروسندگان آهن که با حمایت آسای عسکراولادی و سرکا از جانب تجار و واردکنندگان بزرگ آهن برای بازار آهن و به حیب زدن سودهای میلیاردی تاسیس گردید یک نمونه از مسخ قانون اساسی در زمینه تعاونی است. تجربه تعاونی کردن مجتمع فولاد اهواز، نمونه ظاهراً اصلاح تری از مسخ قانون است که در عمل بجای تامین استقلال اقتصادی کشور و سامان یافتن کارگران و زحمتکشان، ورشکستگی اقتصادی کشور را تدارک می بیند و بیکاری و گرسنگی فزاینده تری را برای کارگران و زحمتکشان به ارمغان می آورد. به خصوص اگر درک کنیم که مساله فولاد اهواز تنها مساله یک واحد صنعتی بزرگ نیست بلکه مساله سرنوشت صنایع سنگین و کلیدی کشور در میان است.

پروژه مجتمع فولاد اهواز، پروژه ایست با ۲۱ میلیارد تومان بودجه و حدود ۱۲ هزار کارگر و کارمندی و پیمانی، که تاکنون ۵۵/۵ درصد کارهای راه اندازی آن به انجام رسیده است. ظرفیت تولیدی این مجتمع پس از اتمام پروژه، تولید ۱/۶ میلیون تن فولاد با روشهای جدید تولید ( روش احیای مستقیم ) است. محصول شمش این مجتمع در کارخانجات نورد، لوله سازی، ماشین سازی، تراکتورسازی و غیره به محصولاتی چون انواع ماشین ها پمپ ها، تیرهای آهن، مله گردها، مفتول ورق، لوله های آحدار و ساده در نمره های مختلف، بروفیل، سیم خاردار، الکتروود ... می تواند تبدیل شده و در کلیه پروژه های صنعتی و ساختمانی مورد استفاده قرار گیرد.

### توطئه لیبرالها برای تشدید وابستگی

در گذشته کارهای اجرایی نظارت و مهندسی مشاور مجتمع فولاد اهواز با چند شرکت بزرگ امپریالیستی بود. پس از انقلاب که این کارشناسان خارجی ایران را ترک کردند و ارسال نقشه ها و مدارک فنی قطع شد، ادامه کار و تکمیل پروژه با مشکلات جدی روبرو گردید. و اما کارگران و کارمندان انقلابی و متعهد با توجه به وابستگی شدید این مجتمع، مصرا نه خواستار تغییرات مشخصی در کیفیت کار، چه از جنبه فنی و چه از نظر مناسبات موجود (وابستگی) بودند. به نحوی که اولاً - فولاد اهواز به مثابه صنعت مادر تکمیل گردد. ثانیاً - وابستگی به انحصارات را تخفیف داده و بشدریج از بین برد. براین مبنا، تأکید داشتند که تکمیل این پروژه در درجه اول بایستی به کمک کشورهای دوست انقلاب ایران انجام شود و در مرحله بعد، چنانچه استفاده از کمکهای فنی کشورهای دوست ( بدلیل وابستگی شدید این طرح ها ) میسر نبود، از طریق تجدید نظر اساسی در قرارداد با کشورهای صاحب طرح، پروژه مزبور تکمیل گردد. اما از اواسط زمستان ۵۹ مسئولین لیبرال مجتمع فولاد که دیگر چندان امیدیه به ترمیم مناسبات گذشته نداشتند کم کم رزمه های تعطیل موقت آنرا سردادند و مشخص تر از همه آنکه احمدزاده (سرپرست سابق شرکت ملی فولاد) استدلال می کرد که: دلیل قطع مجتمع، تنلی کارگران و کار نکردن آنانست. نصف کارگران مجتمع مازاد بر احتیاج می باشند. ما این کارگران را باز خرید می کنیم، چرا که

تمام هزینه های مربوط به باز خرید کارگران مازاد، معادل حقوق ۵ ماه تمام کارگران می باشد. در عوض پس از آن، هزینه های مربوط به کارگران و مشکلات آن از دوش دولت برداشته می شود! هر چند توطئه لیبرالی تعطیل مجتمع به نتیجه نرسید ولی پس از چندی مساله "تعاونی کردن کارهای باقی مانده" پروژه از طرف سرپرست وقت مجتمع و وزیر فعلی معادن و فلزات ( موسویانی ) طرح می شود و بلافاصله این طرح مورد تأیید و حمایت احمدزاده قرار می گیرد. لیبرالها خوب می دانستند که تعاونی کردن صنایع پیچرفتهای نظیر فولاد یعنی چه. لیبرالها، مسئولین ناآگاه خطا صام را در اجرای این طرح و قطعه قطعه کردن این صنعت متمرکز، تشویق کردند. به عبارت دیگر، وقتی آنها دیگر آمیدی به تجدید قرارداد های غارتگرانه امپریالیستی و ترمیم مناسبات آسیب دیده وابستگی نداشتند، برای تعطیل پروژه و حداقل، اغلال در روند راه اندازی و تکمیل آن، هیچ محملی موثرتر از "تعاونی" کردن آن نمی توانستند پیدا کنند. لیبرالها در عین حال در پشت این تأیید و حمایت مودیانه، این انتظار و امید رانیز داشته اند که ورشکستگی طرح "تعاونی" راه را برای عقد قرارداد های مطلوب شان، باز نماید. و مسئولین دولت جمهوری اسلامی پس از ناکامی "تعاونی ها" ناگزیر شدند به همان "راه حل" سابق روی آورند.

### "تعاونی" تولید فولاد یعنی چه؟

در طرح تعاونی های مجتمع

فولاد آمده است که کارکنان هر رشته تخصصی نظیر برق، ابزار دقیق، مونتاژ، مکانیک، مواد نسوز، ... می توانند در گروه های چند نفره، یک تعاونی تشکیل دهند و پس از ثبت آن در سازمان گسترش تعاونی ها، اجرای قسمتهای از پروژه را که در زمینه فعالیت خود ثبت نموده اند، به عهده گیرند. در این طرح همچنین آمده است که دولت ابزار، وسایل و مواد اولیه و بطور کلی خدمات را در اختیار تعاونی ها خواهد گذاشت و خسارات ناشی از دیرکرد خدمات و اجرای پروژه و یا ارسال ابزار و وسایل، متوجه "تعاونی" خواهد بود. به علاوه، تعاونی ها پس از انجام کار، سود حاصله را ( پس از کسر حقوق و بدیهی های خود ) به طور مساوی بین اعضا تقسیم می کنند! حقوق ها هم بر حسب مدرک و تجربه کار داده می شود. بدین ترتیب، بزم مسئولین دولتی، اولاً - وابستگی این صنعت به تدریج از بین می رود ( البته همزمان با از بین رفتن خود صنعت )، ثانیاً - در هزینه پرسنلی دولت صرفه جویی صورت می گیرد، چون به این ترتیب ابتدا ۶ هزار کارگر و کارمند رسمی ( علاوه بر ۴ هزار پیمانی ) رسماً "اخراج" می شوند و دولت دیگر تعهدی ( از نظر حقوق کار و تامین اجتماعی ) در قبال آنها ندارد و آنها دیگر نه به عنوان کارگر رسمی بلکه به صورت افرادی که به اعتبار مهارت های فنی شان به کمک دولت تعاونی های تولید ایجاد (!) می کنند شغل می شوند. به این ترتیب از گسترش بوروکراسی نیز جلوگیری می شود! و اما انگیزه های دیگری که تاکنون به عنوان اساسی ترین بقیه در صفحه ۷

پرو توان باد جنبش طبقه کارگر

پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



از صفحه ۶  
دلایل توجیه این طرح از طرف مسئولین مجتمع ارائه شده است عبارتند از:  
۱- از آنجا که در تعاونی‌ها کار به گروه‌هایی سپرده می‌شود که هرچه زودتر آنرا تکمیل کنند، سود سرمایه‌شان زودتر برگشت داده می‌شود و خواهند کرد که با شدت و شور و علاقه بیشتری کار را به انجام رسانند.

۲- سیستم روزمزدی به سیستم کارمزدی تبدیل گشته و گروه‌ها، کار بیشتری انجام خواهند داد.  
۳- تشکیل این تعاونی‌ها به استعدادها امکان‌خلاقیت و رشد خواهد داد. چراکه افراد برای خودشان (!؟) کار می‌کنند. مضافاً اینکه این گروه‌های تعاونی پس از پایان کار می‌توانند در اجرای پروژه‌ها و طرح‌های دیگر شرکت نموده و به‌این ترتیب دولت مجبور نیست اینهمه کارگر و ببال کردن خود داشته باشد (!) و به این ترتیب از حجم برکراسی کاسته می‌گردد. با اندکی تعمق و با مشاهده حقایق که هم اکنون در این مجتمع عظیم صنعتی جاری است می‌توان به خیالی بودن این طرح و به زیانبار بودن آن برای اقتصاد کشور پی برد. صنایع بزرگ و پیچیده‌ای نظیر مجتمع فولاد اهواز، ذوب آهن اصفهان، صنایع نفت و پتروشیمی، کشت و صنعت‌های مکانیزه بزرگ، ... دارای آنچنان تکنولوژی مدرن و پیشرفته‌ای هستند که چه در مراحل اجرای پروژه‌های آنها و چه در مرحله تولید، مستلزم عالی‌ترین اشکال سازماندهی کار و تکنیک می‌باشند.

این تعاونی‌ها بجای سازمان‌های متمرکز تولید نیروی کار را به صورت گروه‌های چند نفری سازمان می‌دهند که اگر هرچه زودتر کار را تمام کنند، سرمایه و سودشان زودتر برگشت داده می‌شود، نتیجه بهم ریختن و از هم گسستن مجموعه ارگانیک نیروها و تخصص‌هاست عدم انطباق محتوای کار بسیار سازمان یافته با شکل اجرای بدوی آن (تعاونی) روند کار را به سرعت مختل نموده و به صورت سدی در مقابل پیشرفت کار درخواهد آمد و هرچه تکنولوژی پیشرفته‌تری ضروری

باشد که در این مجتمع با عالی‌ترین سطح تکنولوژیک بهره‌برداری اقتصادی ممکن است. این تضاد سریعتر عمل خواهد کرد و اختلال شدید در تولید و اجرای کار را به دنبال خواهد داشت که سرانجام آن، تعطیل مجتمع عظیم فولاد اهواز، بیکاری ۱۲ هزار کارگر و کارمندان مجتمع و زیان جبران‌ناپذیر به اقتصاد کشور است.

اگر آنچنانکه مسئولین شرکت ملی فولاد اظهار می‌دارند، تعاونی کم‌کم بدل به الگویی شود که در صنایع دیگر بدون در نظر گرفتن بزرگی و کوچکی آنها، نیز به کار گرفته شود، در روند خود منشاء ضربات اساسی و حیران‌ناپذیری به اقتصاد و تولید صنعتی و گسترش و استقلال آن خواهد شد.

از طرف دیگر در سیستم متمرکز با وجود مرکزیتی برای هدایت و هماهنگی کار و تولید، انتقال تکنولوژی حائز اهمیت اساسی است. حال آنکه با پراکنده کردن این نیروها و تخصص‌ها و جمع کردن آنها در گروه‌های منفرد چند نفره، زمینه‌های اشتغال تحارب تکنیکی به حداقل می‌رسد. این امر در عمل تأثیرات مخربش را در رشد نیروی کار و ارتقای آن و کسب آخرین دستاوردهای علمی و فنی در صنعت، بجای می‌گذارد و به نوبه خود برنامه ریزی متمرکز و دراز مدت را نیز ناممکن‌تر می‌کند. چراکه، تعداد این گروه‌ها از یک طرف و حاکم بودن منافع گروهی به جای منافع عمومی، کیفیت کار را به شدت تنزل داده و امکان کنترل و هدایت آنها را در چارچوب برنامه ریزی متمرکز دولتی بسیار ضعیف و کم‌اثر می‌سازد.

یک بررسی علمی از فاجعه مجتمع فولاد نشان می‌دهد که چگونه طراحان این فاجعه علیه نیت حسنه‌شان راه می‌سپارند رقابت میان گروه‌های تعاونی بر اساس منافع گروهی به تقابل با منافع عمومی کشیده خواهد شد. همکاری بین این گروه‌ها را تضعیف می‌کند و خصوصیات تنگ‌نظرانه و منفعت‌جویانه شخصی و گروهی را (در بابا بردن سود، پایان سریع کار و ... ) دامن می‌زند و مفایر و نقیض جلب علاقه کارگران به افزایش کیفیت

مدنها موقف بوده‌اند، ضروری است که کارهای احام شده با مقطع توقف، بار دیگر با زور می‌شوند. بخصوص با توجه به روس جدید تولید فولاد این مجتمع، احام این بازرسی اهمیت بیشتری می‌یابد چرا که سرمایه‌داران اسبابات معمول در اجرای یک پروژه، دلیل آرمانی بودن و با جدید بودن این پروژه، در موارد زیادی تعییراتی در طرح‌ها بوجود آمده است، آیا می‌توان بدون توجه به اس‌اسکالات (که بعضاً راه‌اندازی را در مرحله تولید غیرممکن می‌سازد) پروژه را ادامه داد؟ آیا روش و ملاکی برای خمین این هزینه‌ها جهت سپردن این گروه‌های تعاری وجود دارد؟

در صنایع بزرگ، کنترل و هماهنگی کمت و کیفیت کار و ابرار کار، از مسائل پراهمیت و حساس است، که فقط از طریق پیوند ارگانیک کار احرابی و نظارت حاصل می‌شود. این کنترل بایستی از سوی دولت انجام گیرد. در تعاونی این پیوند وجود ندارد. نتیجتاً مرکز کنترل پروژه، ابزار و اهرم‌های لازم را جهت نظارت در اختیار ندارد.

### چاره کار چیست؟

امروز، برنامه ریزی اقتصادی دولتی (با اولویت قراردادن صنایع سنگین) به یکی از مرمزترین وظایف انقلابی بدل گشته است. اولین قدم اساسی دولتی کردن مجتمع‌های نظیر مجتمع عظیم فولاد است. ما اعتقاد داریم که صنایع کلیدی از جمله این مجمع بطور همه جانبه باید در اختیار و مدیریت دولتی قرار گیرد. در این رابطه بایستی ارتباط ارگانیک میان بخش‌های مختلف اقتصادی برای تکمیل شکل‌های تولیدی مورد توجه خاص قرار گیرد. فی‌المثل در رزم گذشته اگر صایعی چون فولاد بدون توجه به برنامه ریزی زوی صنایع ماقبل آن مثل گسترش شبکه برق، معادن منابع گاز، ... که مواد اولیه و ضرور آن محسوب می‌گردند، ساخته می‌شد و یا اگر برای مصرف تولیدات

این صنعت، چاره‌اساسی در نظر گرفتند عیب‌ها و برای نمونه برای ۱/۶ میلیون تن فولاد مجتمع در جهت کسرتن اصولی کارخانجات وارد، ماشین‌سازی، صنایع رهنه‌گری و بطور کلی صنایع ماعد مجتمع، اقدام نمی‌گردید. اکنون دیگر شرط استقلال اقتصادی را می‌بایست بر احاد و گسترش جنبش شکل‌هایی از صنایع سنگین دانست و برنامه‌ریزی لازم انجام داد و اجرا نمود. از طرف دیگر تنها با احاد جنبش منابع اشتغال وسیعی است که می‌توان در جهت رفیع بیکاری آشکار و پنهان، حرکت نمود. لازمه حسن حرکتی، تربیت کادری‌های فنی لازم، مدیران با تجربه و به خدمت گرفتن آنان می‌باشد و بالاخره شرط تدوام حرکت چرخهای اقتصادی و افزایش تولید، در انجام تصدیقات لازم برای هماهنگ کردن امکانات فنی داخل کشور، استفاده صحیح از این امکانات و همکاری با مراکز صنعتی و دانشگاهی و توجه اساسی به نقش موثرتر و روز افزون کارگران و تشکلهای صنعتی‌شان در روند تولید و اجرای پروژه، و به ویژه برخورداری از همکاری‌های فنی وسیع کشورهای سوسیالیستی است. با توجه به خطوط ترسیم شده، فوق، فولاد اهواز اقدامات زیر باید صورت گیرد:

۱- روس کردن وضعیت قراردادهای تکمیل نشده از طریق تحدید نظر اساسی در موارد قراردادهای و برخورداری لازم از کشورهای دوست و راس آنها ممالک سوسیالیست که زمینه‌های وسیعی از همکاری‌های فنی را دارا هستند. نمونه ذوب آهن اصفهان که از جمله معدود واحدهای فعال کشور بعد از انقلاب است، بایستی سرمشق خوبی برای صنایع ما باشد. در مواردی که به دلیل انحصاری بودن تکنولوژی و طرح‌ها، این تکنولوژی در اختیار کشورهای دوست نیست از طریق مناقصه‌های بین‌المللی، وضعیت این قراردادهای (یا کورس هرچه بیشتر در جهت تأمین منافع



### برخورداری از تأمین اجتماعی، حقی است همگانی (اصل ۲۹ قانون اساسی)

## نعل در تودین و اجرای قانون تأمین اجتماعی نادیده گرفتن حقوق مردم است

اکنون نزدیک سه سال است که کارگران و زحمتکشان محروم جامعه ما، اجرای اصل ۲۹ قانون اساسی را که بهداشت و درمان رایگان، حقوق بازنشستگی، مستمری از کارافتادگی، حقوق بازماندگان، کمک هزینه زایمان، تأمین در ایام بیکاری، حمایت از بی سرپرستان و در راه ماندگان و بطور کلی ایجاد نظام دولتی تأمین اجتماعی را نوبت می دهد خواستارند. اما مسئولین دولت جمهوری اسلامی به ویژه مقامات سازمان تأمین اجتماعی در پاسخگویی به این نیاز مبرم انقلاب نعل روا می دارند. در این مدت قانون تأمین اجتماعی رژیم مزدور شاه، چون قانون کار و بسیاری قوانین دیگر به قوت خود باقی مانده و کماکان اجرا می گردد. قانونی که ما در گذشته در مورد مختصات آن بارها گفته ایم که "دامنه شمول آن بسیار محدود است و میلیونها زحمتکش جامعه ما خارج از پوشش حمایتی آن هستند." این قانون بدون توجه به منافع تولیدکنندگان خرید تودین ه است، مزایای مندرج در آن محدود بوده و حقوق صدها هزار معلول، سالمند و... را نادیده می گیرد." کارگران و دیگر زحمتکشان و در رأس آنها، تشکلهایشان در تودین و نظارت بر اجرای آن مشارکتی نداشته و ندارند. و...

سازمان تأمین اجتماعی عملاً در این مدت بجز صدور تعدادی بخشنامه برای بزرگ کردن جبهه کربه این قانون طاغوتی کاری نکرده است. مسئولین سازمان تأمین اجتماعی، بارها از طریق رسانه های گروهی اعلام کرده اند که پیش نویس قانون تأمین اجتماعی در دست تهیه است. مدیرعامل این سازمان در اوائل سال جاری گفت: "۷۰ تا ۷۵ درصد مسائل این قانون بررسی و در کمیسیون مربوطه به تصویب رسیده است." و افزود: "کمیسیون تهیه قانون جدید تأمین اجتماعی هفته های دو روز با چندین ساعت صرف وقت، سرگرم تهیه این لایحه می باشد" (اطلاعات ۳۰ اردیبهشت ۶۰) و پس از گذشت چندماه در مصاحبه ای دیگر می گوید: "تاکنون تودین ۸۰٪ از قانون جدید تأمین اجتماعی به پایان رسیده است و امید می رود ۲۰٪ بقیه نیز به زودی خاتمه یابد." (اطلاعات ۲۵ آذر ۶۰) به عبارت دیگر ۷ ماه کار و تلاش "جدی" صرف تودین ۵۰٪ کار شده است! بدین ترتیب باید انتظار داشت که ۲۰٪ باقیمانده کار نیز ظرف دو سه سال آینده بتدریج و "سر فرصت" آماده تصویب

گردد! توجیه "منطقی" این تاخیر نیز "شرعی بودن یا نبودن حق بیمه عنوان شده است. آیا چنین عذری برای کارگران و زحمتکشان محروم و مستضعف ما پذیرفتنی است؟ هنوز هم گوش های سنگین و "مصلحت شنوی" برخی مقامات، زنگ این هشدار تاریخی امام را نشنیده است که: "امروز دیگر دست همه باز است... هیچ عذری برای ما نیست. امروز اگر چنانچه یک خرابی در مملکت واقع بشود و دنبال اصلاحش نرویم، عذری نداریم" راستی که امروز دیگر تاخیر و مسامحه در پاسخگویی به نیازهای مردم مستضعفانی که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده اند جایز نیست. امروز کارگران از مسئولان سازمان تأمین اجتماعی (سازمانی که بخش اعظم بودجه اش حاصل دسترنج خود کارگران است) می خواهند که هرچه زودتر با بهره گیری از مشارکت فعال تشکلهای آنها (شوراها و سندیکاها) پیش نویس قانون تأمین اجتماعی نوین را (که مبتنی بر اصل ۲۹ قانون اساسی باشد) آماده کرده و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه نمایند. دیگر تاخیر و درنگ جایز نیست، کارگران و زحمتکشان در انتظارند!

## تدوین قانون کار

### نخستین گام اساسی در جهت حل مشکلات کارگری

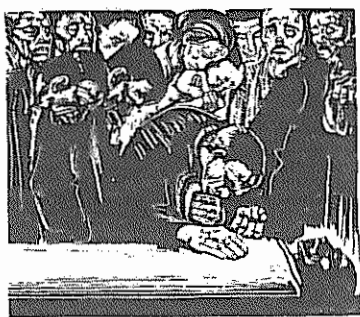
میان کارگر و کارفرما را تنظیم کند، یک قانون کار مترقی است که باید با مشارکت نمایندگان کارگران تدوین و اجرا گردد و در پرتو آن حق ایجاد هیئت های حل اختلاف (بین تشکلهای کارگری و کارفرمایان) با صراحت تمام مورد تأکید قرار گیرد. چنانچه در قانون کار جدید حق ایجاد هیئت های حل اختلاف بین کارگران و کارفرمایان به عنوان دادگاه های رسیدگی به مسائل ماهه اختلاف کارگران و کارفرمایان (البته به پشتوانه مراجع قضائی و احکام قانونی) تصریح شود، موجبات افزایش ابتکار عمل تشکلهای کارگری را در حفظ و دفاع از حقوق صنفی و دستاوردهای انقلابی شان بیش از پیش فراهم آورده و بخش قابل توجهی از وظایف انقلابی مراجع قضائیه (در چهارچوب قانون کار) به همت تشکلهای صنفی کارگران (از طریق هیئت های حل اختلاف) انجام خواهد شد. فراهم کردن شرایط لازم جهت مشارکت تشکلهای صنفی کارگران (شورا و سندیکا) در تدوین قانون کار و تأمین اجتماعی جدید اولین گام جدی و اساسی است که وزارت کار و مسئولین جمهوری اسلامی باید جهت پاسخگویی به مشکلات ناشی از روابط فیما بین کارگران و کارفرمایان بردارند.

\* از سوی دادستانی انقلاب مستقر در وزارت کار، چندین کارفرمای متخلف مجازات شدند. (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ دیماه) خبر فوق هفته گذشته طی اطلاعیه ای توسط روابط عمومی وزارت کار اعلام شد. اطلاعیه وزارت کار حاکی از آن است که ۳۵ کارفرمای کوره پزخانه (که هر یک از آنان صاحب چند کوره است) به خاطر زیر پا گذاشتن قوانین و مقررات کار، از طرف دادستانی انقلاب مستقر در وزارت کار جریمه و مجازات شدند. یکی از این کارفرمایان به جریمه نقدی، یک سال حبس، پرداخت کلیه دیون مالیاتی، عوارض و حق بیمه کارگران و همچنین پرداخت جرائم مربوط به بکارگیری اتباع بیگانه بدون پروانه که غیرقانونی است، محکوم شد. این کارفرما با تعهد انجام موارد فوق تا پایان سال جاری، آزاد شد. بقیه کارفرمایان نیز با تعهد کتبی آزاد شدند. کارفرمایان که مورد تأکید ما و همه نیروهای انقلابی است در شرایطی که قانون کار آریامهری همچنان بر محیط کار حکمفرماست و حتی بسیاری از کارگران و به ویژه کارگران کوره پزخانه ها هنوز از بسیاری حقوق اولیه صنفی محرومند بخودی خود کافی نیست. آنچه می تواند و باید مناسبات

### مرگ جانگداز ۱۰ کارگر معدن

سحرگاه روز سه شنبه ۲۲ دی ماه، اتوبوسی که کارگران مس سرچشمه را به سر کار می برد، با یک کامیون در جاده رفسنجان تصادف کرد و ده تن از کارگران جابجا کشته شدند. حادثه ناگوار مرگ کارگران مس سرچشمه - احمد فتحی، محمد قاسمی زاده غلامرضا جوکار حسین عرب کوهپنجه، رضاباقری نسب، رحمت الله سیاهکوهی و سه تن دیگر، همه کارگران معدن مس سرچشمه را ماتم زده و سوگوار کرد.

"کار" یسار این رزمندگان شریف سگر تولید را همانند همه مبارزان جبهه های کار و پیکار ضد امپریالیستی گرامی می دارد و این ضایعه جانگداز را به کارگران مس سرچشمه و به ویژه خانواده های سوگوار آسان صمیمانه تسلیت می گوید.





# رئیس جمهور اصلاحات ارضی از فرائض ماست که حتماً باید انجام پذیرد

با گذشت نزدیک به ۳ سال از انقلاب هنوز تکلیف مالکیت بزرگ زمین های زراعی و تعیین سرنوشت ۱/۵ میلیون خانوار دهقان بی زمین و کم زمین مشخص نشده است هر بار که لایحه اصلاحات ارضی به مرحله نهایی خود جهت تصویب و اجرای آن می رسد زمینداران بزرگ و فئودالها و عوامل گوناگون آنها همه با یک انگیزه اما با ظواهر گوناگون و با انواع وسائل و طرق به اعمال فشار و حراکت برای جلوگیری از تحقق این خواست میلیونها دهقان رحمتکش دست زنند.

کار کارشناسی ها در سر و سامان دادن به وضعیت فلاکت بار میلیونها دهقان زحمتکش ایرانی به آخرا رسیده است که لایحه پیشنهادی وزارت کشاورزی از مجلس محدداً به دولت بازگشت داده شد. این کار به دنبال ارائه طرح ۱۶ تاییه مجلس که با انگیزه های گوناگون ولی در عمل به نفع بزرگ مالکین تنظیم شده بود صورت گرفت و مقرر گردید که کمیسیون کشاورزی مجلس با در نظر گرفتن نظرات ارائه شده و مسائل " شرعی " بار دیگر لایحه ای متناسب با " شرایط موجود " به مجلس تقدیم نماید. قابل تذکرات که لایحه پیشنهادی وزارت کشاورزی تقریباً همان صوبه شورای انقلاب بود که از سوی آیت الله منتظری ، آیت الله مشکینی و آیت الله شهید دکتر بهشتی بارها مورد تأیید قرار گرفته بود.

تاخیر زبان یار و انقلاب شکن در کار اصلاحات ارضی در شرایطی صورت می گیرد که انجام اقدامات بنیادین اقتصادی به سود مردم محروم و زحمتکش از سوی امام خمینی و آیت الله منتظری و از جانب اغلب مسئولان طراز اول جمهوری بارها مورد تأکید قرار گرفته است. از حمله رئیس جمهور در بیست و یکم دی ماه جاری خطاب به اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی خراسان گفت:

" شما برادران در بساط زمین و اصلاحات ارضی توجه داشته باشید که این از فرائض قطعی ماست و از جمله کارهایی است که حتماً باید انجام بگیرد و

اگر انجام نشود محققاً یکی از پایه های انقلاب و جمهوری اسلامی ناقص است

علیرغم این تاکدات و علیرغم آنکه رئیس جمهور به درستی حاضر نشان ساخته است که:

" اگر بخواهیم در برابر توطئه های داخلی و خارجی قدرت مقاومت خود را بالا ببریم ناگزیر باید ضمن نگهداشتن اکثریت مردم در صحنه ، آنها را همچنان معتقد ، مومن و وفادار به انقلاب کنیم و وفاداری به انقلاب در صورتی است که مردم از انقلاب یک چیزی ببینند "

مردم شاهد تاخیرهای ناموجه و انقلاب شکن در انجام اقدامات بنیادین بود محرومان و از حمله شاهد تاخیر در تصویب و اجرای اصلاحات ارضی هستند چه کسانی با جنبش تاخیرهایی موافقت ؟ سخن رئیس جمهور برای شناخت این کسان ملاک های روشن به دست می دهد ، همه کسانی که خواهان درهم شکستن مقاومت مردم در برابر توطئه های امریکای حناپنکارند بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران در مقاومت حماسه آفرین ما در راه کسب استقلال آزادی و عدالت اجتماعی پایای غارتگری ها و بهره کشی های بی حسابان را می بینند . کسب مقاومت مردم به معنی بازگشت این غارتگران به حکومت است ، از اینرو برای درهم شکستن مقاومت مردم ، به هر تلاش و کوششی دست می زنند . تاکنیکها و ترفندهای آنان برای درهم شکستن مقاومت انقلاب همه عرصه ها را در بر می گیرد . از حکم تحمیلی تا محاصره اقتصادی از احتکار ارزاق مردم تا ترور ریس کور و لحام گسیخته از مسخ قوانین و قانون شکنی تا دامن زدن به تفرقه و پراکندگی .

در این میان پیچیدگی آن است که زمینداران بزرگ لباس اسلام پوشیده اند. آنها در مقابل خط مردمی امام خمینی که طرفدار کویختنیان ، مستضعفین ،

پایر هه ها و جنوب شهری ها است اسلام دیگری را علم کرده اند که طرفدار خوانین فئودالها ، نحر عمده و کلان سرمایه دارانی است که سالانه میلیاردها از غارت خلق به حیب می برند و همه سروی جنبی خود را بکار گرفته اند که مقاومت مردم را درهم بشکنند .

آنها از دوستان نادان انقلاب نیز بیشترین بهره را می گیرند . تفاسیر مستکبر پندانه این دوستان نادان را از اسلام و خط امام در بوق و کرنا می دهند ، آن را اسلام واقعی و در شرایط کنونی اسلام اصنام خمینی ها می زنند و از آن حربه ای می سازند برای تفرقه و پراکندگی در صفوف مردم . مخالفت این " دوستان نادان "

که به قول آیت الله منتظری از " دشمنان داننا " خطرناک ترند ، با انجام هر اقدام بنیادین به سود محرومان ، این همه آسباب امریکای حناپنکار می ریزد و به بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران فرصت می دهد که توطئه علیه انقلاب مردم را با فراغ خاطر به انجام رسانند .

رئیس جمهور حاضنه ای در مصاحبه روزنامه اطلاعات شنبه پنجم دی ماه در پاسخ خبرنگار که درباره تاخیر در اصلاحات ارضی پرسیده بود مشخصاً از مخالفین یاد کرد و گفت:

" شما بلا لحظه کنید که ما در مورد ارضی کشاورزی بند " ج " را داشتیم و الان هم داریم خوب زمین بند " ج " درجایی که مورد توافق و قبول چند نفر از فقها بود ، مورد بی اعتنائی و عدم قبول چند نفر دیگر از فقها قرار گرفت "

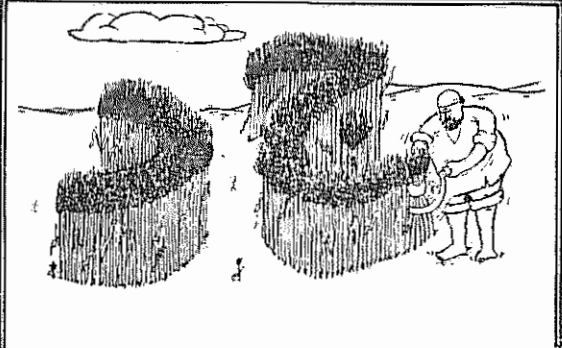
چهارشنبه نهم دی ماه می گوید:  
" قبل از اینکه کندی را در اجرا مطرح کنیم ، قاعدتاً باید کندی را در تصویب بعضی از لویح بنیادی و اساسی مورد توجه قرار دهیم . . . البته ممکن است این کندی که گفتید در راسته با وزارت کشاورزی اگر بخواهیم در نظر بگیریم وجود داشته باشد و آن هم بد این علت است که حرکاتی ما می خواهیم انجام دهیم عملاً " با تغییر دولت و متاسفانه دولتها مواجهه شدیم و منجمله همین مسئله مشخص وضع مالکیت زمین و یا اصلاحات ارضی اسلامی بود که در زمان برادر شهیدمان رجایی داشت به یک نتیجه و جمع بندی مشخص می رسید و بعد از اینکه ایشان رئیس جمهور شدند و دولت برادر شهیدمان

باجنر روی کار آمد ایشان هم مصمصانه دنبال قضیه را گرفتند اما خوب با شهادت این دو برادر باز هم به تعویق افتاد . . .

آشکاراً ملاحظه می شود که در عمل کارکنی " دوستان نادان " به دنبال همان هدفی است که کمسری ها و صادق ها و امیران نظام ها عمیب می کنند . بارداشتن جمهوری اسلامی از پاسخ به مطالبات مردم محروم و مستضعف که صاحبان و نگهبانان راستین انقلابند . بررا " اگر بخواهیم در برابر توطئه های داخلی و خارجی قدرت مقاومت خود را بالا ببریم " ناگزیر باید مردم را در صحنه نگاه داریم و برای این کار باید مردم را همچنان معتقد ، مومن و وفادار به انقلاب کنیم و وفاداری به انقلاب در صورتی است که مردم از انقلاب یک چیزی ببینند

## تعیین بی موقع قیمت محصولات بجای حمایت از دهقانان زحمتکش به سود واسطه ها است

میان دو آب  
نداست یک برنامه جامع و همه جانبه و انجام اقدامات بی موقع از طرف دولت در جهت خرید محصولات کشاورزی . گاهی موجب زیانهای جدی به کشاورزان می گردد . از حمله اخیر " باغداران جز " صورت گرفته دولت اعلام نمود: محصول سبزه باغداران از قرار سبزه درجه یک کیلویی ۸۵ ریال و سبزه باران رده در نظر گرفتن میزان افتت به قیمت مناسب خریداری خواهد شد . بحیب می زنند . کشاورزان این تصمیم زمانی اعلام می گویند دولت می توانست که اکثر این کار را قبل از فروختن سبزه های خود را بساز باغات انجام دهد تا قیمت های یائین به علاوه بر حمایت از واسطه ها فروخته اند . این باغداران جزء عملاً دست تصمیم دیر هنگام دولت ، واسطه ها را سر نطع نماید . تاسف فراوانی در پیس امید است مسئولین با تدوس باغداران بوجود آورده برنامه ای اصولی در این زمینه است . زیرا خرید سبزه در سالهای آتی از برور جس توسط دولت در شرایطی اشکالاتی جلوگیری نمایند .



این صحن را هرگاه در کنار گفته وزیر کشاورزی بگذاریم ملاحظه خواهیم کرد که مخالفت این " فقها " که معلوم نیست چرا مردم نباید رک و پوست کنده بدانند که اینان کیستند ، چگونه با اقدام دشمنان آشکار انقلاب و جمهوری هم سو و هم جهت است . وزیر کشاورزی در مصاحبه خود با برنامه اطلاعات

### آزمیانه گزارش‌ها و اعلامیه‌ها

## اعلامیه کمیته ایالتی آذربایجان در مورد خطر حمله نظامی آمریکا

کمیته ایالتی آذربایجان سازمان ما اخیراً در رابطه با توطئه‌های تحریک‌آمیز و تجاوزکارانه آمریکا اعلامیه‌های داده‌اند که در زیر بخشی از متن این اعلامیه آمده است:

اطلاعات و شواهد موجود بطور بسیار حادی حاکی از آن است که دولت حنایتکار آمریکا طرح عملیات اشغال برق‌آسای نواحی نفت‌خیز جنوب آسرا را که در زمان کارتر تهیه شده بود، اکنون تکمیل کرده است. باره‌ای از اقدامات که در رابطه با این طرح تاکنون انجام یافته است:

- ۱- مانور نظامی اخیر آمریکا و تقویت نیروهای " تجاوز سریع " در منطقه خلیج فارس و دریای آن.
- ۲- مذاکره، سران نظامی - سیاسی آمریکا با سران نظامی - سیاسی ترکیه، پاکستان، عربستان و دادن کمک‌های مالی و نظامی از جانب آمریکا جهت آماده کردن آنها برای تهاجم نظامی به ایران.

۳- دولت ترکیه و پاکستان هزاران نفر از نیروهای سلطنت‌طلب را به هزینه خود و دولت آمریکا و سرمایه‌داران فراری ایران، نگهداری و آموزش نظامی می‌دهند.

۴- خوانین مرتجع در آذربایجان عربی، کردستان، کرمانشاهان و سیستان و بلوچستان با دولت‌های ترکیه، پاکستان و عراق نزدیکترین روابط را برقرار کرده‌اند.

ناگفته پیداست در چنین شرایطی نمی‌توان و نباید لحظه‌ای را برای تهیه و تدارک تمام مقدمات ضرور جهت مقابله با تهاجم نظامی جدید آمریکا به هدر داد.

مسئولیت سنگینی بردوش دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر مسئولین، نهاده شده است. بیروزی یا شکست در این نبرد بستگی به این ندارد که مسئولین و دولت چگونه از تمام امکانات روز مرزی و برون مرزی جهت مقابله با تهاجم استفاده نمایند.

## اعلامیه مشترک هواداران فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) و حزب توده ایران در از میر ترکیه

هواداران سازمان فدائیان خلق ( اکثریت ) و هواداران حزب توده ایران در از میر ترکیه با انتشار اعلامیه مشترکی سالگرد روز دانشجو را گرامی داشتند و خواهان بازگشایی هرچه سریعتر دانشگاهها و مدارس عالی شدند. در قسمتی از این اعلامیه مشترک جنس آمده است:

... در این مرحله حساس که شرط تعمیق و ادامه انقلاب، وحدت و اتحاد تمامی نیروهای انقلاب است تعطیل بودن دانشگاهها و محروم نمودن دانشجویان و دانشگهیان فعال و مومن به انقلاب از خدمت به جمهوری اسلامی و توده‌های مردم، جز وحدت شکنی و ایجاد تفرقه و بازداشتن نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی، معنایی ندارد. ما ضمن بزرگداشت شهدای دانشگاهی خواهان بازگشایی دانشگاهها هستیم و تاکید می‌نمائیم که دگرگونی بنیادی در نظام دانشگاهها و مدارس عالی نه با تعطیلی دانشگاهها و مدارس عالی بلکه با فعالیت شریخش و انقلابی مراکز آموزش عالی تحقق می‌پذیرد ...

### کمیته ایالتی فارس اعمال

## جنایتکارانه تروریستی را محکوم کرد

سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) - کمیته ایالتی فارس در اطلاعیه‌ای خطاب به مردم مبارز فارس، اعمال تروریستی و از جمله ترور جنایتکارانه آیت‌الله دستغیب را محکوم کرد و خواهان گسترش اقدامات امنیتی برای حفظ جان مقامات جمهوری اسلامی گردید.

اطلاعیه در آخر " ضمن تسلیت به امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، خانواده شهید دستغیب، ارگانها و نهادهای انقلابی و همه مردم مبارز فارس " از کلیه اعضا و هواداران سازمان در فارس " خواسته بود که در تشییع جنازه آیت‌الله شهید دستغیب شرکت نمایند.

## در نامه‌ای خطاب به سازمان بازرسی کل کشور معلمین متعهد به انقلاب خواهان بازگشت به کار شدند

معلمین متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی استان با احترام که از کار اخراج یا بازخرد یا بازنشسته و آماده به خدمت شده‌اند در نامه‌ای که خطاب به مسئولان سازمان بازرسی کل کشور نوشته‌اند خواهان بازگشت به کار شده‌اند. این معلمین ضمن اعلام آمادگی کامل جهت پیشبرد اهداف انقلاب و جمهوری اسلامی نوشته‌اند:

" ... ما معلمین متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی که مدت یک سال و چند ماه است به دلایل واهی از کار برکنار شده‌ایم علیرغم اینکه در طی این مدت بارها و بارها توسط نامه و یا تماس با مسئولین ضمن برسرمدن اینگونه تصفیه‌های ناجبا و تاکید بر پاکسازی آموزش و پرورش از ساواکی‌ها، رستاخیزی‌ها و عناصر خائن به انقلاب و جمهوری اسلامی همواره بر این عقیده بوده‌ایم که محروم بودن آموزش و پرورش از عناصر صادق و فعال و مومن به انقلاب و جمهوری نمی‌تواند منطبق بر آرمانها و اهداف انقلاب و خواست نیروهای خط‌امام و همانا استقرار قانون اساسی و تثبیت قانون در جامعه باشد.

از همان ابتدا که احکام متناقض و غیرقانونی را دریافت داشتیم همواره کوشیدیم خط و مرز خود را با عناصر آشوبگر و غیرمنطقی که مسئله پاکسازی را بهانه‌ای فرار داده بودند جدا نمائیم اما متأسفانه با آنکه مدت‌ها از تصویب لایحه قانونی بازرسی در مجلس شورای اسلامی می‌گذرد هنوز هم ما معلمین متعهد به انقلاب بلا تکلیف بوده و جواب روشن و درستی از مسئولین دریافت نداشتیم علاوه بر آن نزدیک به چند ماه است که برخلاف بخشنامه و دستور صریح شهید رجایی مبنی بر پرداخت حقوق به معلمین پاکسازی شده تا بررسی وضعیت آنها در هیئت‌های تجدیدنظر و انطباق شرایط آنها پالایچه بازرسی، و همچنین نامه‌ای که در این رابطه از شهید باهنر دریافت داشتیم هیچگونه حقوقی دریافت نداشته و مصائب و مشکلات اقتصادی را با توجه به وضعیت جامعه از قبیل گرانی و ... تحمل نموده‌ایم. هرچند که قرار است به اخراجی‌ها حقوق بدهند اما هنوز این مسئله در عمل پیاده نشده در ضمن بازخیردها نیز مدت ۶ ماه است که از لحاظ حقوقی بلا تکلیف مانده‌اند.

به همین لحاظ با توجه به پیام اخیر امام خمینی به شورای عالی قضایی و وظیفه‌ای که آن شورا به عهده سازمان بازرسی کل کشور قرار داده است، خواهان رسیدگی به احکام متناقض صادر شده و بازگشت به کار در جهت پیشبرد اهداف انقلاب و جمهوری اسلامی و همچنین دریافت حقوق تا تعیین تکلیف نهایی بر اساس بخشنامه شهید رجایی می‌باشیم.

با تقدیم احترام  
معلمین متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی  
استان باختران ( کرمانشاهان سابق )  
( اخراجی - بازخیردها - بازنشسته -  
آماده به خدمت و ... )



صحنه‌ای از تظاهرات نیم‌میلیون نفری آمستردام که در مخالفت با تصمیم ناتو مبنی بر استقرار ۵۲۸ موشک سیار برد هسته‌ای در پنج کشور اروپا از جمله هلند برگزار شد. عکس فوق شرکت رفقای هوادار سازمان در هلند را در این نمایش عظیم صلح نشان می‌دهد.

## اعلامیه کمیته ایالتی کردستان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت ۲ بهمن (۲۰ی ربه ندان)

و مردمی حزب دموکرات کردستان ایران هستند. تصمیمات به اصطلاح کنگره پنجم باند قاسملو که اخیراً برقرار شده است، درست در نقطه عقاب مصوبات کنگره چهارم حزب دموکرات کردستان قرار گرفته و سیاستهای خائنانه قاسملو را سندیت بخشیده است. براساس تصمیمات این کنگره، باند قاسملو سرکونی جمهوری اسلامی را رسماً "در دستور خود قرار داده و به منظور تقویت بیشتر نیروهای ضد انقلابی به شورای به اصطلاح مقاومت ملی بنی صدر فراری که با اندر جوی خیانت پیشه نیز جزو آن است، پیوسته است. قاسملو همچنین عناصری را که گمان می‌رفت در کنگره اخیر با سیاستهای خائنانه‌اش مخالفت کنند کاملاً تصفیه کرده و مسئولیت‌های مهم را به عناصری شونیست و فاسد و گذار نموده است. و بدین ترتیب می‌بینیم که باند قاسملو همچنان یکی از حلقه‌های اصلی توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی در منطقه است.

هموطنان مبارز!

مردم شرافتمند کردستان!

انقلاب بزرگ ما همچنان از هرسو مورد تهدید است، امپریالیسم حنایتکار آمریکا، ارتجاع منطقه و ضدانقلاب داخلی نقشه‌های وسیع و هماهنگی را برای شکست انقلاب در سمری پروراندند. اگر جنبش آذربایجان و کردستان در سال ۲۵ مورد حمله ضدانقلاب شاهنشاهی قرار گرفت است، امروز نیز نظیر همین توطئه البته به شکل دیگری در منطقه در شرف تکوین است. ضدانقلاب شکست خورده مزدوران زیادی را در داخل خاک ترکیه آموزش داده و مسلح نموده و قصد حمله به خاک میهن و تجزیه بخشهایی از آن را دارد. این تهاجم ضدانقلابی نیز همانند حمله شاه معدوم در آذرماه سال ۲۵ به آذربایجان و کردستان، هدف آشکار تثبیت مجدد سلطه امپریالیسم جهانی بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میهنمان را دنبال می‌کند. امپریالیسم آمریکا بدین جهت این منطقه را برای تهاجم ضدانقلابی خود انتخاب کرده است که از یکطرف سیاستهای اشتباه آمیز و برخورد های غیر مسئولانه جمهوری اسلامی با مساله ملی حلقه انقلاب را در این منطقه بسیار ضعیف کرده است و از طرف دیگر دارای پشت جبهه ایست که بوسیله رژیمهای ارتجاعی عراق و ترکیه به خوبی می‌تواند تامین شود. کمیته مرکزی سازمان ما جندی پیش طی یک اعلامیه هشدار دهنده از این توطئه امپریالیستی پرده برداشت.

عقیم گذاردن این نقشه خطرناک امپریالیستی در این منطقه به میزان زیادی به برخوردهای سالم و واقع بینانه رهبران جمهوری اسلامی با مساله کردستان و تجدیدنظر جدی در مواضع جمهوری پیرامون این مساله بستگی دارد. حال که حزب دموکرات کردستان (پیرو کنگره چهارم) و دیگر نیروها و شخصیت‌های وفادار به انقلاب منطقه آماده هرگونه همکاری با نیروهای جمهوری اسلامی جهت حل مساله کردستان و عقب راندن ضدانقلاب هستند و در عمل وفاداری خود را به انقلاب به اثبات رسانیده‌اند، دیگر تعلل جایز نیست. مسئولان جمهوری در منطقه دیگر باید از حوادثی نظیر شهادت رحمان کریمی عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان (پیرو کنگره چهارم) بدست ضدانقلاب درس گرفته باشند و دست دوستی این نیروها را که مدتهاست بسوی آنها دراز شده است، بفشارند. تنها در این صورت است که می‌توان با توطئه اشغال بخشهایی از کردستان و آذربایجان به وسیله ضدانقلاب که بطور حادی در دستور کار امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه قرار دارد، مقابله کرد.

کمیته ایالتی کردستان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن تجلیل از خاطره تابناک شهید قاضی محمد و یارانش، سی و ششمین سالگرد جنبش ملی و دموکراتیک خلق کرد را به مردم کردستان و به حزب دموکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) تنهیت می‌گوید و بار دیگر از مسئولان جمهوری اسلامی می‌خواهد که با درکی عمیق به واقعیت‌های موجود در کردستان نگرسته و به کمک نیروهای وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی در منطقه در جهت تحقق خواستهای عادلانه مردم کردستان براساس رهنمودهای امام خمینی به خصوص پیام ۲۶ آبان ایشان و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بکوشند.

کمیته ایالتی کردستان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سیام دی‌ماه ۱۳۶۰

هموطنان مبارز!  
مردم شرافتمند کردستان!

در تاریخ خنقها روزهای درخشان و بیاد ماندنی بسیار است، روزهایی که نقطه عطف و تحول تاریخ مبارزات مردم است. دوم بهمن ۱۳۲۴ در تاریخ کردستان از این روزهای بیاد ماندنی است. در این روز تاریخی در یک گروهی با شکوه با شرکت هزاران تن از مردم شهرها و روستاهای کردستان و با حضور شهید عالیقدر خلق کرد، قاضی محمد در شهر مهاباد طی قطعنامه‌ای خودمختاری کردستان در چهارچوب استقلال و تمامیت ارضی ایران اعلام گردید و این در شرایطی بود که در داخل کشور جبهه نیروهای ترقیخواه توانی تازه یافته و در عرصه جهانی، فاشیسم هیتلری و میلیتاریسم ژاپن به همت نیروهای صلح طلب و آزادیخواه به عقب رانده شده و جنگ جهانی دوم با شکست فاشیسم پایان یافته بود، بخوا AT شده، سوسیالیسم از مرز یک کشور گذشته و در عرصه پهناوری از اروپا و آسیا ظفر مندانه گام برمی‌داشت.

حاکمیت خودمختار کردستان با وجود حیات کوتاهش که بیش از یازده ماه طول نکشید، منشاء اصلاحات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قابل توجهی گردید. این جنبش مردمی در ایران مورد پشتیبانی نیروهای انقلابی و مترقی قرار داشت و در خارج از ایران بر جبهه انقلاب جهانی متکی بود و درست به جهت همین ماهیت ترقیخواهانه بود که مورد بورژوازی ددمنشانه رژیم شاه قرار گرفت. ارتش شاهنشاهی در آذرماه ۱۳۲۵ شهر مهاباد را مورد حمله قرار داد، مردم را به خاک و خون کشید و رهبران خلق کرد، قاضی محمد و یارانش را در میدان "جوارچرا"ی مهاباد به دار آویخت و بدینسان شاه، عامل دست‌نشانده امپریالیسم با سرکوب نهضت ۲ بهمن و فرجهای رهبران این نهضت جلو رشد و شکوفایی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی کردستان را، گرفت و سلطه ستمگانه نظام ستم شاهی خود را بر این بخش از میهنمان نیز تحکیم گردانید.

امروز سی و پنج سال از آن تاریخ می‌گذرد. در طی این مدت تحولات شگرفی در عرصه ملی و بین‌المللی پدید آمده است، در سطح جهانی کشورهای بازمه بیشتری از زیر سلطه امپریالیستها خارج شده‌اند و در میهن خودمان انقلاب بزرگ ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و مردمی ما برای امپریالیستها و ارتجاع منطقه به منزله زلزله مهیبی بود که کاخ ستمگری و چپاول آنها را به لرزه درآورد.

مردم کردستان نیز با آرمان والای قاضی محمد و دیگر شهدای جنبش ۲ بهمن و با سنت‌های ترقیخواهانه و مردمی حزب دموکرات کردستان ایران که همانا عبارت بود از همراهی و همگامی با جنبش سراسری، دستیابی به خودمختاری اداری و فرهنگی در چهارچوب ایران و قرار دادن کردستان در بزرگراه ترقی و پیشرفت اجتماعی، در انقلاب شرکت کرده و نقش شایسته خود را ایفا نمودند. ماهیت ملی و دموکراتیک این حرکت محصول ستم مضاعفی بود که در طول بیش از نیم قرن بر خلق کرد وارد آمده است. حزب دموکرات کردستان ایران به عنوان پرچمدار جنبش ملی خلق در طول حیات خود همواره خواستهای تاریخی مردم کردستان و منافع مشترک آن با مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران را در برنامه‌های خود متبلور گردانیده است. کنگره چهارم حزب که بعد از انقلاب و در زمستان ۵۸ برگزار گردید، نقطه عطفی بود که به حق تمامی آنچه را که حقوق واقعی خلق کرد بود و در پیوند ناگسستنی با انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما قرار داشت و راه برافتخار قاضی محمد و یارانش بود، در برمی‌گرفت کنگره چهارم که دفاع از انقلاب بزرگ بهمن ۵۷ و پشتیبانی بیدریغ از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی را در سرلوحه خود قرار داد، خاری شد در چشم باند منحرف، خیانتکار و ضد انقلابی قاسملو سنگری شد برای نیروهای راستین حزب دموکرات ایران، تاراه قاضی، سم و آرم‌های جنبش ۲ بهمن را ادامه دهند.

باند قاسملو که به دروغ خود را حزب دموکرات کردستان می‌نماید، به حزب دموکرات کردستان، به مصوبات کنگره چهارم، به خلق کرد و به انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما خیانت کرده است. این باند خیانت پیشه امروز محور تشکل همه نیروهای ضد انقلابی در کردستان است باند قاسملو در برگیرنده "نیروهایی است که عموماً "دارای سابقه دیرینه ضدیت با جنبش انقلابی کردستان ایران و ضدیت با سنت‌های ترقیخواهانه

## کمیته های ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### اقدام نفاق افکنانه و توطئه گرانه کشتگر - هلیل رودی را محکوم می کنند

همانگونه که در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان اعلام شده است، علی کشتگر و هلیل رودی برای موفق جلوه دادن اقدامات توطئه گرانه علیه سازمان به این دروغ متوسل شده اند که گویا کمیته های ایالتی سازمان، نمایندگانی انتخاب کرده و آنها را برای شرکت در این توطئه به تهران فرستاده اند. آنها با متوسل شدن به این دروغ عاجزانه و مضحک خواستند عنوان "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" را به سود خود جعل کنند. در حالیکه همین توطئه گرانه کمیته مرکزی را از اهداف و نقشه های خود مطلع ساخته اند و نه هیچیک از کمیته های ایالتی سازمان را. کمیته های ایالتی همصدا با کمیته مرکزی سازمان در سراسر ایران این شیوه توطئه گرانه و ماهیت ضدانقلابی عمل این عناصر را محکوم می کنند.

### کمیته ایالتی مازندران

اخیرا اقدام توطئه گرانه و وحدت شکنانه ای توسط علی کشتگر (فرخنده جهرمی) و دکتر منوچهر هلیل رودی علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) صورت گرفته است، که نمی تواند نگرانی، خشم و انزجار همه نیروهای انقلابی مدافع وحدت، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به ویژه پیروان سوسیالیسم علمی را برنیا نگیزد. آنها در شرایطی که گرایشات انشعاب طلبانه، توطئه گرانه و فراکسیونیستی در سازمان ما، بیش از هر زمان دیگری طرد و به دور انداخته شده است، با توسل به توطئه، دروغ و اقدامات سازمان شکنانه و بدون اطلاع کمیته مرکزی سازمان، دست به ایجاد فراکسیون و انتشار جزوه های تحت عنوان "با انحلال طلبی مبارزه کنیم..." با نام سازمان زده اند. و به درستی نیز به خاطر این شیوه ضدکمیونیستی، از همان آغاز مورد مخالفت جدی اعضا، هواداران سازمان قرار گرفتند.

آنها در شرایطی دست به این اقدام وحدت شکنانه زده اند که اتحاد و نزدیکی همه نیروهای انقلابی بیش از پیش به امری ضروری، حیاتی و مبرم تبدیل گشته است. و در عین حال، بیش از پیش نطفه های امیدبخش گرایش به وحدت همه نیروها، و به ویژه در میان پیروان راستین خط مردمی اصم خمینی و مسئولین واقع بین حکومت درحال شکوفایی و بالندگی است. و همزمان با آن، امپریالیسم امریکا و دیگر رژیم های ارتجاعی منطقه، توطئه تازه ای را برای سرنگونی قهرآمیز جمهوری اسلامی ایران، تدارک می بینند.

شاید توجه بسیار است که امروزه این ویژگی در انقلاب ایران، در حال آشکار شدن است که کلیه مخالفین حزب توده ایران و سازمان ما، در کنار کلیه مخالفین رنگارنگ خط ضد امپریالیستی و مردمی اصم خمینی قرار گرفته و یک جبهه را تشکیل می دهند. تصادفی نیست که از این اقدام توطئه گرانه علیه سازمان ما، از حزب امریکایی رنجبران و تروتسکیست ها رهبران خائن گروهکها... گرفته تا محافل دست راستی و مخالف سمت گیری، مردمی جمهوری اسلامی ایران مثل "انجمن حجتیه" و احزاب نویسان آن متحد استقبال کرده و یا خواهند کرد.

رفقای ارجمند کمیته مرکزی!

ما، کلیه اعضا، و هواداران سازمان در ایالت مازندران ضمن محکوم کردن بی تزلزل اقدام کشتگر - هلیل رودی و سایرین، ضمن آنکه چون گذشته به حضور رزمجویانه و وحدت طلبانه خود در میان توده های محروم میهن انقلابی ادامه می دهیم، خواهیم کوشید که: "صبرانه سمت آینده و عواقب این نوع حرکات وحدت ستیزانه را برای دوستانی که به علل مختلف، ممکن است در دام این انحرافات گرفتار شوند، توضیح دهیم. می کوشیم به هر اندازه که می توانیم با آنها به بحث و گفتگوهای رفیقانه بنشینیم و دلایل نادرستی افکار و اقداماتی را که کشتگر - هلیل رودی و سایرین در پیش گرفته اند، برای آنها توضیح دهیم."

رفقا!

ما پشتیبانی قاطع خود را بار دیگر از عزم واحد و تزلزل ناپذیر کمیته مرکزی در پیمودن راه وحدت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران و از دفاع قاطع و تزلزل ناپذیر شما از دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی - مردمی ایران اعلام می داریم و خود را در آن شریک می دانیم

برقراری اتحاد بزرگ همه نیروهای مبارز راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

کمیته ایالتی مازندران - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
دوم دی ماه ۱۳۶۰

### ترکمن صحرا

اخیرا تعدادی از افراد سازمان با اقداماتسی توطئه گرانه و وحدت شکنانه سنگر رزم سازمان فدائیان خلق اکثریت را ترک کرده و با برافراشتن برحمت به اصطلاح، وحدت اصولی" به مخالفت با وحدت جنبش کمیونیستی و وحدت جنبش عملا" موجود طبقه کارگر ایران دست زده اند. همزمانی اقدام افراد فوق با تهاجم گسترده امپریالیسم جهانی و در راس آن امریکای جنایتکار علیه جنبش های آزادی بخش و انقلابات پیرومند جهان برای جبران شکست های بی دربی خود در نقاط مختلف گیتی از جمله منطقه و ایران خود به تنهایی حاکی از عدم درک آنها به این مساله مهم و حیاتی است، که انقلاب ما بیش از هر وقت دیگر نیاز به اقدام و عمل مشترک و یکپارچه همه آحاد خلق در جبهه های به گسترندگی توده های میلیونی دارد که در مقابل ترندهای رنگارنگ دشمنان انقلاب به مقابله ای قاطع برخیزند.

انشعابگران این امر بسیار بدیهی را درک نکرده اند که وحدت جنبش کمیونیستی میهن مان خود ستون جبهه گسترده متحد خلق برای رویارویی با دشمن عداست.

کادرها، اعضا، و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت - ترکمن صحرا ضمن محکوم کردن نلایش های سازمان شکنانه کچ اندیشان و رهگم گردگان باردیگر پشتیبانی و حمایت بیدریغ خود را از کوشش های پیگیر کمیته مرکزی سازمان در تحقق امر وحدت همه نیروهای هوادار سوسیالیسم علمی اعلام می دارد.

ما دست در دست هم همراه کاروان عظیم پرولتاریا، همیشه خلق استوار و تزلزل ناپذیر به پیش می رویم تا قلعه های پیروزی نهایی را فتح کنیم.

فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ترکمن صحرا  
سوم دی ماه ۱۳۶۰

### سازمان دانش آموزان پیشگام ایران

"در شرایطی که انقلاب ما یکی از بغرنج ترین مراحل رشد خود را می پیماید، در شرایطی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا تلاشهای خود را برای سرنگونی قهرآمیز جمهوری اسلامی لحظه به لحظه تشدید می کند... برعهده نیروهای آگاه و انقلابی است که با برگرداندن همه قلمها و قدمها، با برگرداندن همه منت ها و سلسله ها به سوی جبهه متحد ضد انقلاب به سرکردگی امپریالیسم امریکا صفوف خود را فشرده تر سازند... در چنین شرایطی نیاز اساسی انقلاب وحدت و اتحاد همه نیروهای مدافع آماج های انقلاب است."

از اعلامیه کمیته مرکزی سازمان درباره توطئه گرانه با انتشار اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره اقدام توطئه گرانه و نفاق افکنانه کشتگر - هلیل رودی، انقلابیون میهنمان، از یک توطئه تدارک شده در یکی از رزمنده ترین سازمانهای انقلابی ایران باخبر شدند.

گروه توطئه گر انشعابی تلاش داشت تا سازمان را از راهی که می رود، راهی که به سود انقلاب و درجهت منافع مردم زحمتکش ماست بازدارد و به انزوا کشاند. اما هنگامیکه در این مسیر موفق نشد راه توطئه را برگزید و همانگونه که دیدیم این راه نیز خیلی زود با شکستی قابل پیش بینی روبرو گردید.

سازمان دانش آموزان پیشگام ایران "همراه با اکثریت قاطع اعضا و هواداران سازمان فدائیان وظیفه خود می داند که با هر اقدام وحدت شکن و دشمن شادکن با قاطعیت تمام مخالفت نماید و علیه هر نوع تفرقه و نفاق که خواست امپریالیسم است مبارزه نماید.

ما افتخار می کنیم که در صفوفی متحد و یکپارچه با رهنمودهای انقلابی رهبری سازمان رزم پیرومند خویش را در مقابل دشمنان انقلاب ایران به پیش بریم.

سازمان دانش آموزان پیشگام ایران

# علیه فراکسیون

\* این نوع اشخاص در حکم بازمانده‌های دوره‌ها و صورت‌بندی‌های تاریخی دیروز هستند که در آن جنبش وسیع کارگری روسیه هنوز در خواب بود و هر گروه ناچیز "میدان عمل وسیعی" داشت برای اینکه خود را به عنوان جریان، گروه، فراکسیون و خلاصه "دولتی" معرفی کند و از اتحاد با دیگران دم بزند"

"لنین - ۱۹۱۴"

از انواع اپورتونیست‌ها فاصله بگیرند و موضع خود را به‌دقت تعیین کنند. به‌خاطر انجام این وظیفه بود که "ایسکرا" نوشت:

"قبل از آنکه متحد شویم و برای اینکه متحد شویم باید ابتدا از اختلاف نظرها را با وضوح و قطعیت تعیین کنیم. این تعیین مرز در وحله اول بایستی با "اگوتونیست‌ها" که مانع اصلی بنای حزب بودند، صورت می‌گرفت." (۲)

این یک ارزیابی کاملاً منطقی است. بین مارکسیسم انقلابی و اپورتونیسم می‌باید خط مرز قطعی و روشن ترسیم می‌شد. این خط و مرزها فقط می‌توانست در جریان گسترش مبارزه انقلابی مارکسیست‌های اصیل، مارکسیست‌های لنینی، علیه اپورتونیست‌ها ترسیم گردد. از درون مبارزه علیه اگوتونیسم، تفاوت‌های

۲۵-۸۰ سال از آن زمان به پیش آمده است. این پیروزی‌ها و پیشرفت‌ها، عمر این اغتشاشات فکری را در جنبش کمونیستی بسیار کوتاه ساخته است. امروز بسیاری از مسائلی که در سال‌های آغاز قرن هنوز به‌دقت برای جنبش ما حل شده‌بود، حل‌نشده‌اند به‌علاوه ما سال‌های پس از یک انقلاب عظیم مسدود امپریالیستی و مردمی را پشت سر می‌گذاریم. مبارزه طبقاتی آشکار و شرکت‌میلپوسی توده‌ها در مبارزه سیاسی جای زیادی برای دوام توهمات فاشلین انقلابی و دور ماندن آنها از فهم مسایل باقی نمی‌گذارد. بسیار زودتر از آنچه معمولاً پیش‌بینی می‌شود، دوغ از دوشاب سوا می‌شود. کوران مبارزه انقلابی و سطح آگاهی نیروهای جنبش کمونیستی فرصت زیادی برای منحرفین باقی نمی‌گذارد. آنها یا

یکی از بیماری‌های بسیار ریشه‌داری که سازمان ما تا امروز با آن بطور جدی دست و پنجه نرم کرده است، مسئله فراکسیون‌بندی است. از این نظر ضروری است که یک بار بطور عمیق‌تر آموزش‌های مارکسیسم - لنینیسم در این باره مرور شود.

چرا فراکسیون‌بندی از جانب احزاب کمونیستی و کارگری جهان به‌عنوان یکی از نمودهای رسوخ ایده‌های غیرپرولتری در حزب پرولتری شناخته می‌شود؟ آیا حزب کمونیست می‌تواند خود را از قید این بیماری نجات دهد؟ چه باید کرد که این بیماری درمان شود و به حزب کمونیست آسیب نرزد؟ اینها مسائلی است که بررسی آنها برای پیشروان طبقه کارگر در مبین ما ضرورت حتمی دارد!

اخیراً بخشی از اعضا و فعالین سازمان، به‌رهبری کشتگر و هلیل رودی که همکاری و همفکری خود را علیه رهبری سازمان از مدت‌ها پیش با نوشتن مقاله در نشریه درونی "بمبش" آغاز کرده بودند، و از همان زمان بطور رسمی به‌دست‌بندی علیه رهبری سازمان و برای تلاشی تشکیلات مشغول بودند، به شکل کودتاگرانه، با صدور بیانیه‌ای در سطح جنبش و با مصادره بخشی از تدارکات و اموال سازمان از سازمان جدا شدند.

شکل گیری این پدیده در سازمان همه پیروان صدیق سوسیالیسم علمی را بران می‌دارد که یک‌بار دیگر موضوعات مربوط به فراکسیون‌بندی و انشعاب را مطالعه کنند و بحرهای موثرتری برای زدودن همه زنگارهای فراکسیون‌بندی، انشعاب‌گرانه و کودتایی در ذهن خود مجرب شوند.

تجربه همه احزاب طبقه کارگر نشان داده است که تا زمانی که افشار و طبقات غیر پرولتری در جامعه وجود دارند، خطر رسوخ اندیشه آنان در صفوف پرولتاریا نیز بطور جدی مطرح است. مبارزه ما علیه جریان‌هایی که می‌گویند نام سازمان را از آن خود سازند، نفع است و نه به این زودی‌ها تمام خواهد شد. ما اکنون با یکی از قدیمی‌ترین و شناخته شده‌ترین تلاشی‌های خرده‌پروژوانی علیه وحدت و پاکیزگی نهضت کمونیستی ایران مواجهیم.

به انحراف رفتن کشتگر و همفکرانش در همان مسیر و تقریباً با همان شیوه‌ای بوده است. که اغلب احزاب کارگری و کمونیستی جهان در پروسه تکاملی خود با نمونه‌هایی از آن مواجه بوده‌اند. بدین لحاظ اکنون

■ شکل‌گیری فراکسیون در حزب طبقه کارگر نشانه آن است که نبرد گرایش پرولتری و غیرپرولتری در حزب در حدی گسترش و تعمیق یافته است که مدافعین گرایش‌های معین در حزب از حل مسائل مورد اختلاف نومید شده و مشاهده می‌کنند که راهی که حزب می‌رود، منافع خاص آنان را تأمین نمی‌کند و آینده مطلوبی برای ایشان به ارمغان نمی‌آورد. لذا به حادترین شیوه برای تعیین تکلیف متویل می‌شوند.

حزب پیشرو انقلابی، حزب تاریخ ساز با حزبی آشکار شد که دنبالفری توده‌ها بود و هدف نهایی (سوسیالیسم) را به‌فراموشی می‌سپرد و کارگران را در چارچوب نظام سرمایه‌داری اسیر می‌کرد.

دوره بعدی مبارزه در راه دست‌یابی به یک حزب واقعا انقلابی طبقه کارگر، در کنگره دوم حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه (۱۹۰۳) عمدتاً حول مسایل سازمانی جریان یافت. در این کنگره حزب به دو جناح ( بلشویک و منشویک: اکثریت و اقلیت) با نقطه نظرهای متفاوت پیرامون اصول سازمانی حزب تقسیم شد. جناح‌هایی که هر یک پیرامون مهم‌ترین مسایل مربوط به حیات حزبی و منشی و برنامه آن به‌تدریج برای خود دارای نقطه‌نظرهای سیاسی - اجتماعی جداگانه‌ای شدند.

موفق می‌شوند سریعاً خود را اصلاح کنند (که همه ما موفقم کیم کنیم که چنین کنند) و یا به سقوط و انحطاط آشکار کشیده خواهند شد. ما مطمئنیم که اغتشاشی و تشتت فکری و سازمانی در جنبش کمونیستی و کارگری ایران با سرعتی بیشتر از آنچه تصور می‌شود به‌سود وحدت فکری و سازمانی همه کمونیست‌های راستین پیش می‌رود.

### اشارات تاریخی

سال ۱۹۰۳ در جنبش کارگری جهانی یک نقطه عطف تاریخی است. این سال، سال تولد "بلشویسم" به مثابه یک جریان اندیشه سیاسی و حزب سیاسی (۳) است. بااین همه از ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۴ دو جناح نهضت سوسیال‌دمکراسی روسیه در درون یک حزب واحد متشکل بوده‌اند بدین معنا که افراد حزبی در کمیته‌ها، حوزها و سازمان‌های مشترکی عضویت داشتند. منشی روی هر مسئله تاکتیکی بلشویک‌ها و منشویک‌ها هر یک نظرات رهبری خود مدافعه می‌کردند.

با پیدایش بلشویسم در روسیه اولین گام‌های اساسی در راه تاسیس احزاب واقعا انقلابی طبقه کارگر برداشته شد. پروسه شکل‌گیری بلشویسم مرزبندی قطعی میان مارکسیسم انقلابی و رفرمیسم در تمامی زمینه‌ها است. بلشویسم سنگ‌بنای اصلی احزاب طراز نوین طبقه کارگر را بنا نهاد. این احزاب برخلاف احزاب رفرمیست به فرجام رسانیدن انقلاب سوسیالیستی، استقرار دیکتاتوری طبقه کارگر به منظور ساختن سوسیالیسم را هدف نهایی خود اعلام کرده و در راه آن بی‌کار می‌کنند. احزاب رفرمیست (منشویک‌ها و شرکای اروپائی آنها) اساس برنامه و تاکتیک خود را برانجام اصلاحات جزئی در چارچوب نظام سرمایه‌داری قرار می‌دادند. (۴)

لنین همواره تأکید داشته است که بدون یک‌تئوری انقلابی جنبش انقلابی نیز نمی‌تواند وجود داشته باشد. این تئوری انقلابی طی دوره پیکار علیه ناردونیسم، اگوتونیسم، سوسیال رولوسیونیسم و در دوره بعد علیه منشویسم و تروتسکیسم و دیگر گرایشات انحرافی درون‌نهضت کارگری روسیه، نشو و نما یافته است.

زمانی بود که "جنبش سوسیال - دمکراسی روسیه دوران تزلزل و تشتت خود را می‌گذرانید." (۱) یک حزب واحد سراسری که بتواند همه کارگران آگاه را در یک سازمان واحد با برنامه، اساسنامه و تاکتیک واحد گرد آورد هنوز وجود نداشت و تا رسیدن به آن یک دنیا کار وجود داشت. این بسیار طبیعی بود که مبارزه در راه دست‌یابی به تئوری واقعا انقلابی و تأمین وحدت فکری و سازمانی پشاهنگ طبقه کارگر برپایه آن نمی‌توانست بدون تشدید مبارزه علیه علل تاریخی - طبقاتی تشتت موجود به فرجام رسد.

کوشش مستمر لنین و همه طرفداران لنین در آستانه قرن بیستم آن بوده است که جنبش انقلابی کارگری را از طریق بسط خلاق مارکسیسم، با طرد انحرافات که رهبران انترناسیونال ۲ ناشر آن بودند، پاکیزه نگاه‌دارند و جوهر انقلابی آن را احیاء و طبقه کارگر را در یک سازمان واحد انقلابی متحد گردانند و راه نفوذ پرروازی را در جنبش کارگری مسدود و راه پیروزی نهایی و تاریخی طبقه کارگر را بکشایند.

در همین رابطه تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی می‌نویسد:

"در جنبش سوسیال دمکراسی روسیه گروه‌های مختلفی وجود داشتند که هر یک از آنان راه پیشنه‌ای خود را یگانه راه صحیح می‌دانستند. روشنگران خرده‌به‌زوا که برایشان مقاصد سوسیالیستی پرولتاریا ماهیتا بیگانه بود، نیز در این جنبش شرکت داشتند.

بایستی همه نیروهای انقلابی مارکسیستی متحد می‌شدند، اما برای این امر مارکسیست‌ها بایستی

در اساسنامه‌های تمام احزاب کمونیست بلااستثناء فراکسیون‌بندی محکوم شناخته شده و اقدامات جدی علیه افرادی که به دست‌بندی روی می‌آورند توصیه شده است. بیپه‌وده نیست که در اسناد جلسات مشاوره احزاب برادر به شدیدترین صورت ممکن علیه فراکسیون‌بندی موضع‌گیری شده است.

رفقای ما از توصفات منتخب آثار لنین، فصول مربوط به سال‌های ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۴ - به‌ویژه مسائل مربوط به فراکسیون‌بندی، انحلال طلبی و مسئله وحدت - را با دقت و آرسی می‌کنند زیرا در بین ما عده‌ای پیدا شدند که پس از چندی فعالیت فراکسیونی، با یک حرکت کودتایی به اصطلاح خواسته‌اند سازمان را منحل و خود را به عنوان "سازمان" معرفی کنند. آنها به‌عینه دست به‌کارهایی زده‌اند که در سال‌های آغاز قرن حاضر انحلال طلبان و تروتسکیست‌ها و در دو دهه اخیر ماوتوسیست‌ها به آن دست زده‌اند. به‌راستی که گوئی تاریخ از نو تکرار می‌شود. منتها کارکشتگر و هلیل رودی این بار کاریکاتور بسیار ضعیفی از آب درآمده است. کاریکاتوری که همان اشتباهات همان انحرافات سابق را به شیوه‌ای مضحک و اغراق‌شده به نمایش می‌گذارد تاریخ نشان می‌دهد که این گوش‌ها با سرعتی بسیار بیشتر به ورشکستگی کامل کشیده می‌شوند. این قانون و ضرورت عصر ما و انقلاب ماست. نهضت کمونیستی

در آستانه جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴ مرزبندی بین سوسیال دمکراسی انقلابی با اپورتونیسم با موضع‌گیری نسبت به جنگ تکمیل گردید. بلشویک‌ها وفاداری خود را به اصول همبستگی بین‌المللی کارگران حفظ کردند و کارگران را از شرکت در جنگ برحذر داشتند. در حالی که احزاب منشویکی ( رفرمیست‌ها) به موضع شوونیستی روی آوردند و در مسئله جنگ جانب دولت‌های امپریالیستی کشور خود را گرفتند.

بدین ترتیب جدائی قطعی بین احزابی که داعیه سوسیال دموکراسی داشتند در تمام زمینهها تکوین یافت احزاب اروپائی عمدتا به احزابی سوسیال شوونیست و سوسیال رفرمیست تنزل یافتند و در این میان جنبش حزب بلشویک روسیه برهبری لنین بود که نهنتها به اساسیترین آموزشهای مارکس درباره انقلاب پرولتری و دیکتاتوری پرولتاریا و همچنین به انترناسیونالیسم پرولتری وفادار ماند، بلکه اندیشههای او را بسط و گسترش داد و آن را - که از این تاریخ مارکسیسم - لنینیسم نامیده می شود - راهنمای عمل آن دسته از مبارزان انقلابی ساخت که در راه نجات بشریت از یوغ امپریالیسم و سرمایه داری و همه نظامات طبقاتی پیکار می کنند.

با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ که تحت رهبری حزب بلشویک صورت گرفت، عصر نوینی در تاریخ جهان آغاز می شود. بلشویسم از این پس به یک نهضت جهانی بدل می شود. در سال ۱۹۱۹ اولین بین الملل احزاب وفادار به بلشویسم به نام احزاب بین الملل سوم به هم تنن تاسیس می شود. این احزاب اساسیترین آموزشهای لنینی را که صحت آن در تجربه اکتبر نیز به اثبات رسیده بود، در ساختمان حزب خود و برنامه آن می پذیرند. این احزاب، احزاب کمونیست، احزاب طراز نوین پرولتری نامیده می شوند. تئوری راهنمای عمل این احزاب همانا مارکسیسم - لنینیسم است. دستاورد گرانقدر مبارزه آنها، امروز اردوی جهانی سوسیالیسم و مجموعه جنبش جهانی کمونیستی است. اردویی که سمت اصلی تحول تاریخی دنیای ما را تعیین می کند و جنبشی که امروز به "پرنفوذترین نیروی سیاسی دوران ما" (۵) بدل گشته است.

### آیا انشعاب در جنبش معاصر کمونیستی و کارگری دارای علل عینی و اجتناب ناپذیر است؟

پاسخ به این مسئله که آیا انشعاب در احزاب کارگری ناشی از چه چیز است و اینکه آیا در عصر ما انشعاب در جنبش کمونیستی دارای "علل عینی" است یا نه، از مهم ترین مسائلی است که امروز باید یک بار دیگر عمیقا مورد توجه مطالعه نیروهای مدافع سوسیالیسم علمی در میهن ما قرار گیرد. ضرورت این مطالعه از آنجا ناشی می شود که تاثیر تمایلات سکتاریستی و تفرقه جویانه خرده بورژوازی، تمایلاتی که منطق انشعاب را خیلی بهتر از دیالکتیک وحدت جذب می کند، در جنبش ما همنسوز نیرومند است و عدم پیشبرد یک مبارزه پیگیر علیه این تمایلات در آینده نیز همچنان می تواند به جنبش کارگری ایران لطمات جدی وارد سازد. لنین در تحلیل علل عینی انشعاب در جنبش کارگری در عصر امپریالیسم، در آثار خود صریحا به تحولاتی اشاره می کند که ناشی از تکامل سرمایه داری و پیدائی امپریالیسم است. لنین همزمان با تکمیل تزه های خود درباره ماهیت و عملکرد امپریالیسم توضیح می دهد که با پیدائی امپریالیسم، بخش کوچکی از غارت میلیاردها ثروت ملل محروم که به کشورهای امپریالیستی سرازیر می شود، نصیب لایه های از کارگران که انگلس آنها را قبلا "اشرافیت کارگری" نامیده بود، می گردد. این امتیاز زمینه عینی جدائی این لایه را از توده عظیم کارگران فراهم می آورد. پیدائی "اشرافیت کارگری" یا "اقلیت صاحب امتیاز کارگری" (که عملا از غارتگری امپریالیسم منتفع می گردد) زمینه عینی رشد تمایلات سازشکارانه و اپورتونیستی در جنبش کارگری در عصر امپریالیسم است. پیدائی اپورتونیسم و ریزیونیم (رفرمیسم) در جنبش کارگری اروپا و پیدائی امپریالیسم، با یکدیگر مربوطند. لنین در همین رابطه می گوید:

اپورتونیست ها بطور عینی بخشی از خرده بورژوازی و لایه های از طبقه کارگر می باشند که از محل سودهای سرشار امپریالیستی رشوه گرفته و به صورت سگهای نگهبان سرمایه داران و بائیان فساد در نهضت کارگری درآمده اند. (۶)

لنین در ادامه همین مطلب اضافه می کند:

ما از این موضوع نتیجه گرفتیم که انشعاب از سوسیال شوونیست ها اجتناب ناپذیر است. . . اکنون تشکیل "احزاب کارگری بورژوا" در تمام کشورهای امپریالیستی اجتناب ناپذیر و حتی از ویژگی های این کشورها می باشد. (۷)

از نظر مارکسیسم، علت سدهائی بلشویسم و جدائی آن از موجود، سپس تاسیس انترناسیونال ۳ (که امروز در وجود جنبش کمونیستی جهانی جلوه گری

می کند) و جدائی قطعی آن از احزاب انترناسیونال ۲ (که سوسیال دموکراسی اروپائی آن را نمایندگی می کند) از شکل گیری و وجود یک عامل عینی تاریخی - طبقاتی به صورت جدائی وضعیت عینی و وسیع ترین توده های کارگری، از اشرافیت کارگری ناشی می شود. این جدائی، این انشعاب یک پدیده بین المللی و ناشی از ضرورت های تاریخی است. این انشعاب در جنبش کارگری از گمراهی بخشی از کارگران به علت بفرنجی های شرایط خاص و یا نیک و بد تصمیمات این و آن ناشی نمی شود. این جدائی "اجتناب ناپذیر و حتی از ویژگی های کشورهای سرمایه داری در عصر امپریالیسم است".

لنین همان زمان در عین حال خاطر نشان می ساخت که این جدائی موقت است و "۵۰ سال زودتر یا دیرتر" با "پیروزی سوسیال دموکراسی در سطح جهانی که مطلقا اجتناب ناپذیر است" (۸) این جدائی "موقت" از میان خواهد رفت و طبقه کارگر وحدت خود را باز خواهد یافت

آیا در عصر ما، عصر گذار جهانی از سرمایه داری به سوسیالیسم، عصر فروپاشی سیستم جهانی امپریالیستی و رهائی قطعی خلق ها از یوغ امپریالیسم بازهم انشعاب در جنبش کارگری امری اجتناب ناپذیر است؟ مائوئیسم

تاثیر تمایلاتی که منطق انشعاب را خیلی بهتر از دیالکتیک وحدت جذب می کند، در جنبش ما هنوز نیرومند است و عدم پیشبرد یک مبارزه پیگیر علیه این تمایلات در آینده نیز همچنان می تواند به جنبش کارگری ایران لطمات جدی وارد سازد.

در دهه ۶۰ تمام نیروی تخریبی خود را به کار گرفت تا خلاف مسیر تاریخ حرکت کند. رهبران چین سعی زیادی به کار بردند که این موضوع را "تئوریزه" کنند که گویا شکاف در سوسیالیسم واقعا موجود و در نهضت بین المللی کارگری و کمونیستی به علت تضادهای درونی آن اجتناب ناپذیر گردیده است. این نظریات از پایه نادرست و بوج است. نهنتها هیچ علت عینی و گریزناپذیر نهضت کمونیستی و کارگری جهان را به سوی انشعاب سوق نمی دهد، بلکه برعکس همانگونه که پیدائی و رشد امپریالیسم عامل عمده ای در شکاف جنبش طبقه کارگر بود، امروز در عصر ما، همراه با فروپاشی امپریالیسم زمینه عینی و مادی انشعاب هرچه بیشتر از بین می رود. اسناد جلسات مشاوره احزاب

مائوئیسم در دهه ۶۰ تمامی نیروی تخریبی خود را بکار گرفت تا انشعاب را "تئوریزه" کند از نظر سردمداران چین، شکاف در سوسیالیسم واقعا موجود و در نهضت بین المللی کارگری و کمونیستی به علت رشد تضادهای درونی آن اجتناب ناپذیر بود. واقعیت عصر ما، پوچی و تبه گاری این "تئوری" را از همان آغاز برملا کرد.

برادر بر این مسئله تاکید ویژه دارند. در این اسناد روی "وقوع قشر بندی در صفوف سوسیال دموکراسی" و "تشدید بحران نظریات رفرمیستی" تاکید شده است. وقایعی که اخیرا در احزاب سوسیالیست اروپا رخ داده است و انشعاباتی که در آنها به وقوع می پیوندد و اتخاذ سیاست صلح جویانه و تقویت جدائی سیاسی و ایدئولوژیک نیروهای بیشتری از سوسیال دموکراسی اروپائی از سیاست امپریالیسم، نشانه های عینی درستی و صحت پیش بینی های دایمان لنین و صحت خط مشی جنبش کمونیستی جهانی است.

امروز وحدت منافع طبقه کارگر بین المللی به مثابه یک عامل نیرومند عینی و تکامل خلق، انسجام درونی و پیروزی های عظیم، درخشان و تاریخی مارکسیسم -

لنینیسم در جهان معاصر در حل مسایل زندگی صدها میلیون از مردم گیتی به مثابه یک عامل نیرومند ذهنی، وحدت مستحکم طبقه کارگر بین المللی را میسر ساخته و آن را به یک واقعیت عینی و بازگشت ناپذیر مبدل ساخته است. جهت عمومی تحول جنبش کارگری و کمونیستی جهانی بی هیچ تردید رو به وحدت و استحکام و انسجام بیشتر حول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است. این یک ضرورت تاریخی است که مگررا در تجربه عملی مبارزه طبقه کارگر بین المللی تجلی می یابد.

مائوئیست ها، تزوتنکیست ها، سوسیال رفرمیست ها و بطور کلی همه جریان های اپورتونیستی و ریزیونستی قادر به درک این ضرورت و این روند نیستند. آنها از "بحران کمونیسم و از غلبه و تداوم تشتت فکری و سازمانی کمونیسم واقعی" در مقیاس بین المللی سخن می گویند. آنها می گویند سطح تکامل جنبش کارگری و آزموذگی آن را در عرصه جهانی در حد تکامل تئوری و تجربه آن قبل از تولد جهانی بلشویسم، در حد تکامل تئوری و تجربه آن در آستانه قرن بیستم جلوه گر سازند. آنها بدین وسیله می کوشند برای ستیز خود با کمونیسم، با جنبش کمونیستی و کارگری "محمل های تئوریک" بتراشند. میخائیل سولوف در پاسخ تلاش های انشعاب گرانه مائوئیسم می گوید:

"امروز چه کسی می تواند راجع به اجتناب ناپذیر بودن تجزیه و انشعاب صحبت کند؟ فقط کسانی که خودشان با مارکسیسم - لنینیسم و با اصول انترناسیونالیسم پرولتری مبارزه کرده اند. برعکس همه کسانی که امر طبقه کارگر بین المللی را گرمی می دارند، هیچ گونه علل عینی برای تجزیه نهضت معاصر کمونیستی نمی بینند. نهضت جهانی کمونیسم خط مشی سیاسی آزموذهای دارد که بر مبنای تجارب طولانی به دست آمده است" (۹)

### منشاء و ماهیت فرا کمونیسم و انشعاب در احزاب کارگری و کمونیستی

آیا آنچه گفته شد به آن معناست که دیگر در احزاب کمونیستی و کارگری پدیده های فرا کمونیستی و انشعابی رخ نمی دهد؟ واقعیت به این مسئله پاسخ منفی می دهد ما، به ویژه در کشورهایی که جنبش کمونیستی سابقه ای طولانی ندارد، به ویژه در احزاب جدید التاسیس مارکسیستی هنوز هم عملا شاهد شکل گیری چنین پدیده هایی هستیم؟ حال پرسیدنی است اگر براساسی انشعاب در عصر ما در جنبش کمونیستی و کارگری جهانی فاقد علل عینی است، پس وقوع این پدیده ها به چه علت است؟

مائوئیسم در دهه ۶۰ تمامی نیروی تخریبی خود را بکار گرفت تا انشعاب را "تئوریزه" کند از نظر سردمداران چین، شکاف در سوسیالیسم واقعا موجود و در نهضت بین المللی کارگری و کمونیستی به علت رشد تضادهای درونی آن اجتناب ناپذیر بود. واقعیت عصر ما، پوچی و تبه گاری این "تئوری" را از همان آغاز برملا کرد.

لنین در مقالات متعدد از جمله در مارکسیسم و ریزیونیم (۱۹۰۸) و اختلافات درون جنبش کارگری (۱۹۱۰) که مطالعه این دو را به خوانندگان توصیه می کنیم) منشاء و پیدائی این اختلافات را توضیح می دهد. او در مقاله اخیر می گوید:

"اگر این جنبش با یک آرمان خیالی سنجیده نشود، بلکه به صورت جنبش عملی عادی مردم در نظر گرفته شود، در این صورت واضح خواهد شد که این جنبش با پذیرش تعداد بیشتری از "نازوردان" جدید و بخش های جدیدی از کارگران ناگزیر است با نوساناتی در زمینه نظریه و تاکتیک به صورت تکرار

نهضت اصل کمونیستی جدا کنند. ماهیت همه گروه‌های فراکسیونی در گردان‌های پیشرو طبقه کارگر و ماهیت تمام تلاش‌های فراکسیونی برای ایجاد یک دسته‌بندی جداگانه بین گروهی از احزاب کمونیستی در برابر اکثریت احزاب کمونیستی و کارگری دارای ماهیتی بورژوازی و خرده‌بورژوازی بوده است.

بسیههه نیست که در اساسنامه‌های تمام احزاب کمونیست بلااستثناء فراکسیونیم محکوم شناخته شده و اقدامات جدی علیه افرادی که به دسته‌بندی روی می‌آورند توصیه شده است. بسیهههه نیست که در اسناد جلسات مشاوره احزاب برادر به شدیدترین صورت ممکن علیه فراکسیونیم موضع گیری شده است.

نمایندگان احزاب برادر در جلسه مشاوره ۱۹۵۷ به صراحت اعلام می‌کنند:

"تجربه جنبش بین‌المللی کمونیستی می‌آموزد که ضامن حل موفقیت آمیز وظایف انقلاب سوسیالیستی ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم آن است که احزاب کمونیست و کارگری از وحدت مارکسیستی-لنینیستی باقطعی دفاع کنند و اجازه ندهند که فراکسیون‌ها و دسته‌بندی‌هایی که وحدت حزب را برهم می‌زنند به وجود آید" (۱۲)

اخلال در وحدت حزبی زیر پوشش " مبارزه با

پیشرفت این مبارزه، مدافعین نظرات مخالف را از یکدیگر دور می‌کند و تضادهای فکری و سیاسی را در میان آنان آشکار می‌سازد. منافع طبقاتی همواره نامه‌ها را تیز می‌کند. تداوم اختلافات پیرامون حال و آینده حزب بخصوص زمانی که موضوع آن به مسئله تعیین اساس مناسبات و مبانی سیاست نسبت به جریان‌های عملا موجود سیاسی در عرصه ملی و بین‌المللی ( و به‌ویژه در عرصه ملی) مربوط شود، فصلت طبقاتی خود را بیش از پیش آشکار می‌سازد. تداوم اختلافات درون حزب جبهه‌گیری‌های آشکارا متمایزی را نسبت به مهم‌ترین مسائل مبارزه طبقاتی پدید می‌آورد. جبهه‌گیری‌هایی که - در صورت تداوم و نتیجتا عمیق - می‌تواند به دسته‌بندی (فراکسیون) منتهی گردد، وحدت حزبی نقض شود و سانترالیسم - دگرآنگیک که قانون اساسی حزب است - نقض گردد، یعنی گروهی در حزب پیدا شوند که به علت عدم موافقت با طبقه‌ای حاضر نباشند در انتخاب مسئولین حزبی و ارگان‌های رهبری شرکت جویند و از تصمیمات ارگان‌های بالاتر حزبی تبعیت نکنند و از اجرای این تصمیمات شانه خالی کنند، و بطور جداگانه برای خود در حساب سانترالیسم جداگانه به وجود آورند و دستورات فراکسیونی خود را به جای دستورات حزبی برای اجرا به

مارکسیست‌ها از واقعیت وجود فراکسیون‌ها و وقوع انشعاب‌ها در احزاب کارگری و کمونیستی به نفی و محکومیت انشعاب طلبی و فراکسیونیم می‌رسند، اما کسانی که با مارکسیسم متاثره گردانند همواره کوشیده‌اند و می‌کوشند تا راهی برای تئوریزه کردن اصولیت فراکسیونیم و انشعاب " در برخی حالات خاص " بیابند. برآستی که هر واقعیتی، حقیقت نیست.

انحراف " پیشبرد مشی سازمان شکنانه (پهصورت اجرای تصمیمات حزبی، برقراری روابط گروهی، ساختن تشکیلات در درون تشکیلات، عدم طرح نظرات در جلسات حزبی و طرح آنها در خارج از ارگان‌ها در روابط محفلی و گروهی و ۰۰) زیر پوشش " مبارزه ایدئولوژیک برای تصحیح تصمیمات حزبی " یا به بهانه " فقدان دگرآسی جنبی و بطور کلی دست زدن به فعالیت فراکسیونی با هر نیتی که باشد در عمل یک تاکتیک غیر پرولتری است. ماهیت کار کسانی که برای پیشبرد نظرات خود به فعالیت سری در میان اعضای منززل حزب روی می‌آورند و سازمان شکنی می‌کنند غیر کمونیستی و ضد کمونیستی است. فراکسیونیت‌ها در تمام احزاب کمونیستی مفاسر تجسم عینی و آشکار نیروهای غیر پرولتری در صفوف پرولتاریا هستند. فراکسیونیت‌ها و انشعابگران در احزاب کارگری و کمونیستی حاملین آشکار اندیشه‌های خرده‌بورژوازی و بورژوازی در حزبند. آنها هنگامی که بر راه ضد حزبی خود اصرار می‌ورزند ضرورتا به موضع آنتی کمونیسم آشکار کشیده می‌شوند. پایان کار اغلب فراکسیونیت‌ها و انشعابگران از حزب طبقه کارگر آغوش امپریالیسم و بورژوازی است. تاریخ احزاب طراز نوبین کارگری این تجربه تلخ را بارها و بارها شاهد بوده است

پیروان خود در حزب ابلاغ‌کنند، یعنی کسانی در حزب پیدا شوند که مدعی باشند جناحی از حزب هستند که مسائل و نقطه‌نظرهای هر یک از آنها، نه از طریق بحث‌های رفیقانه‌ای که در جلسات حزبی گسترش می‌یابد، بلکه باید از طریق "مذاکرات" بین فراکسیون آنها و رهبری حزب " مورد معامله قرار گیرد، در تعیین سیاست و مشی حزب نسبت به سمایل مختلف، نه نظر اکثریت اعضای ارگان‌های رهبری، بلکه نظری که مورد توافق آنها نیز هست، به عنوان مواضع حزب شناخته شود. لنین در تعریف فراکسیونیم می‌گوید:

"فراکسیونیم یعنی وحدت اسمی ( درگردار همه از یک حزب هستند) و پراگندگی واقعی ( در گردار تمام گروهها) مستقلند و با یکدیگر مانند دول خودمختار وارد مذاکره و سازش می‌شوند" (۱۱)

وقوع چنین پدیده‌هایی در حزب عموما نشانه یک صفت‌بندی طبقاتی در حزب است. این پدیده غالبا نشانه آن است که اولاد در حزب نمایندگان گروه‌های اجتماعی مختلفی گرد آمده‌اند ثانیاً تناسب قوا به حدی است که تسخیر حزب توسط این یا آن جریان معین به یک مسئله جدی بدل گردیده است.

شکل‌گیری فراکسیون در حزب طبقه کارگر نشانه آن است که نبرد گرایش پرولتری و غیر پرولتری در حزب در حدی گسترش و تعیین یافته است که مدافعین گرایش‌های معینی در حزب از حل مسائل مورد اختلاف نومید شده و مشاهده می‌کنند که راهی که حزب می‌رود منافع خاص آنان را تأمین نمی‌کند و آینده مطلوبی برای ایشان به آرمان نمی‌آورد. لذا به حادترین شیوه برای تعیین تکلیف متوسل می‌شوند.

توضیح این پدیده ضروری است که جاذبه مارکسیسم-لنینیسم و پیروزی‌های عظیم طبقه کارگر در عصر ما موجب می‌شود که مدافعین گرایش‌های غیر پرولتری لباس مارکسیسم را عاریت کنند، خود را نماینده برحق پرولتاریا معرفی کنند و دیگری را به انحراف از اصول و اپورتونیسم متهم سازند. مارکسیست‌ها در برخورد با پدیده‌های فراکسیونی درون حزب ادعاهای گروه‌های فراکسیونی را ملاک قضاوت خود درباره ماهیت آنها قرار نمی‌دهند. بهترین ملاک قضاوت برای تعیین ماهیت طبقاتی گروه‌های فراکسیونی، حاصل و نتیجه عملی حرکت آنهاست. مطالعه وضعیت عینی، مطالعه تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی در تمام کشورها، تجربه عملی تمام احزاب برادر نشان داده است که فراکسیون سازی درون حزبی، و کوشش در جهت تشکیل فراکسیونی از احزاب برادر برابریه احزاب مطلقا کار کسانی است که از پیشرفت مقاصد غیر پرولتری خود نومید شده و در عمل می‌خواهند راه خود را از راه

احتجاجات بی پایه

وقتی ما این حرف‌ها را می‌زنیم کوه‌نظران و کسانی که منافع تنگ گروهی خود را بر منافع طبقه کارگر همه زحمتکاران مقدم می‌دارند، بر ما ابراد می‌گیرند که در اینگونه اظهارنظرها درباره فراکسیونیم و انشعاب، واقعیت‌های موجود نادیده گرفته شده است. آنها می‌کوشند این انحراف را تئوریزه کنند که گویا مشی اصولی آن است که هرگاه بخشی از اعضای حزب بر این اعتقاد شدند که بخش دیگر حزب از راهی که آنها "پرولتری" می‌دانند عدول کرده و "منحرف" شده است حق دارند علیه آنها فراکسیون درست کنند و اگر "تناسب قوا" اجازه داد بدون رعایت مقررات حزب خودسرانه اخراج کنند. و در غیر این صورت راه انشعاب در پیش گیرند. آنها بدین وسیله می‌خواهند گردان‌های نهضت کمونیستی جهانی بپذیرند که هر عده از اعضای حزب، هر زمان که شی و تصمیمات حزبی را موافق رای خود نیافتند حق داشته باشند علیه دیگران دسته‌بندی درست کنند و در گام بعدی از حزب جدا شوند. حقیقت این است که هیچ دکانداری



اشتباهات قدیمی و بازگشت موقت به دیدگاه‌ها و روش‌های منسوخ و نظایر آن همواره باشد... مارکسیسم فقط در جاهانی به‌سپه‌ترین و کامل‌ترین و پایدارترین صورت توسط طبقه کارگر و ایدئولوژیک‌های آن جذب می‌شود که صنعت بزرگ و پیشترین رشد را داشته باشد. روابط اقتصادی عقب مانده و یا روابطی که رشد کندگی دارند، پیوسته به ظهور هوادارانی از جنبش کارگری می‌انجامد که فقط جنبه‌های خاصی از مارکسیسم - فقط قسمت‌های خاصی از این جهان‌بینی جدید و یا فقط شعارها و خواست‌های خاصی (فردی) از آن را جذب کرده و قادر نیستند از سنت‌ها و جهان‌بینی بورژوازی بطور اعم و جهان‌بینی بورژوازی - دگرآنگیک بطور اخص قاطعانه بگسلند (۱۰)

تجربه جنبش‌ها و همه‌کشورهایی که اوضاعی شبیهههه ما دارند، همه و همه نشانه صحت این ارزیابی است. تا زمانی که نظام‌های طبقاتی وجود داشته باشند، تا زمانی که تغییر در مناسبات تولید و تکامل ساختمان سوسیالیسم طبقات اجتماعی متخاصم را از میان برداشته باشد به‌ویژه در جاهانی که تاثیر خرده‌بورژوازی در جنبش انقلابی زیاد است، و جنبش مستقل کارگری نیرومند نیست و سابقه زیادی ندارد، حزب کمونیست نمی‌تواند از خطر نفوذ یلاوقفه افکار و تمایلات سایر طبقات اجتماعی بر کنار ماند. کسانی که به تازگی به صفوف پرولتاریا رانده می‌شوند و یا عناصر غیر کارگری که تحت تاثیر جاذبه‌های مارکسیسم و پیروزی‌های عظیم سوسیالیسم راه پیوستن به احزاب کارگری را انتخاب می‌کنند، منشاء اصلی دخول و نفوذ اندیشه‌های غیر پرولتری در حزب پرولتری هستند.

بسیهههه نیست که احزاب کارآزموده طبقه کارگر همواره می‌کوشند در تدوین سیاست عضوگیری توازن میان عناصر کارگری و غیر کارگری حزب را به سود عناصر کارگری حفظ کنند و عناصر کم تجربه و جوان را به‌طور عمده پس از طی دوره‌های آموزشی و تجربی در سازمان جوانان به عضویت حزب بپذیرند. ( شایان توجه است که از ۱۷ میلیون عضو حزب کمونیست اتحاد شوروی تنها حدود ۵۵۰۰۰ دارای سنی کمتر از ۲۵ سال هستند و پس از یک دوره کوشش مستمر اکنون کارگران حزب ۴۳/۴ درصد را دارا هستند که روز به روز رو به افزایش است. این امر وحدت ایدئولوژیک حزب را در راستای منافع تمام خلق شوروی به نحو موثری تحکیم می‌بخشد. مطالعه وضعیت حزب کمونیست چین در سال‌های رشد ارتداد ماوئیستی کاملا درخور توجه است. از کل اعضا حزب کمونیست چین در سال ۱۹۴۹ تنها ۴٪ کارگر و بقیه روشنفکر و دهقان بودند.)

در محیط‌هایی که جنبش انقلابی خرده‌بورژوازی نیرومند است حزب مارکسیستی عملا با خطر نفوذ ایده‌ها و اندیشه‌های خرده‌بورژوازی که عموما به نام پرولتاریا نیز عرضه می‌شوند مواجه می‌گردد. بدین لحاظ امر مبارزه در راه حفظ و پاکیزگی ایدئولوژیک و سیاسی حزب همواره به‌صورت یک امر غفلت‌ناپذیر و بسیار جدی مورد توجه قرار می‌گیرد. البته در شرایطی که تجربه حزب مارکسیستی ناچیز باشد و رهبران آن نیز از میان کسانی برخاسته باشند که خود نیز به تازگی به جنبش پیوسته‌اند و هنوز تنها با جنبه‌های خاصی از آموزش مارکسیسم آشنا باشند، این خطرات بازمه تشدید می‌شود. در این صورت حزب به‌ناگزیر با نوسان در تکتیک، با تکرار اشتباهاتی که در نهضت کمونیستی سابقا همان را عینا تجربه کرده است، با انواع و اقسام تزلزلات خرده‌بورژوازی تجربه شده مواجه خواهد شد. در این صورت این امکان بطور جدی وجود دارد که در لحظات بحرانی همراه با گسترش وحدت و تعمیق مبارزه طبقاتی در نقاط عطف تحول اوضاع سیاسی به‌ویژه وقتی که در اثر این تحولات جنبش انقلابی به عقب‌نشینی تن می‌دهد، وحدت فکری و سازمانی حزب به‌شدت به مخاطره افتد و یا حتی در هم شکسته شود و تشتت فکری و سازمانی بر سازمان حزبی غلبه کند.

تاریخ تکوین و تکامل یکایک احزاب کارگری و کمونیستی دنیا کمابیش با ظهور و رشد اختلافات معین در زمینه برنامه، تاکتیک و سیاست حزب در برخورد با مهم‌ترین مسائل حال و گذشته و آینده جنبش مواجه بوده است.

منشاء اصلی این اختلافات همانا نفوذ جریان‌های فکری غیر پرولتری در حزب کمونیست است. مبارزه در راه تصحیح سیاست حزب، تغییر آن به این یا آن صورت خاص کوشش برای پیشبرد این یا آن شکل خاص از مبارزه در تحلیل نهائی مبارزه‌ای است علیه این یا آن گرایش طبقاتی معین پرولتری و با غیر پرولتری.

حاضر نیست بگوید: "ماست من ترش است" گروه‌های فراکسیونی که تشکیل می‌شوند همه و همه ابتدا رهبری حزب را به انحراف از اصول مارکسیسم - لنینیسم متهم می‌کنند. جاذبه مارکسیسم - لنینیسم دشمنان حزب را می‌دارد که حزب را به انحراف از مارکسیسم - لنینیسم متهم کنند. حتی یک مورد هم مشاهده شده است که کسی در درون سازمان‌های مارکسیستی - لنینیستی فراکسیون سازی کند و مدعی نباشد که رهبری از مارکسیسم - لنینیسم عدول کرده است. در اسانامه هیچ یک از احزاب برادر نیز این موضوع جزو حقوق اعضا شناخته نشده است که حق فراکسیون سازی برای اعضای به رسمیت شناخته می‌شود که مخالف نظر و مشی حزب هستند و آن را انحرافی می‌شناسند. واقعیت وجودی فراکسیون، این واقعیت که گروه‌هایی فراکسیونی از احزاب کفونیست انشعاب کرده‌اند، به معنای

جهت عمومی تحول جنبش کارگری و کمونیستی جهانی بی‌هیچ تردید رو به وحدت و استحکام و انسجام بیشتر حول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری است. این یک ضرورت تاریخی است که مکرراً در تجربه عملی مبارزه طبقه کارگر بین المللی تجلی می‌یابد.

حقانیت فراکسیونیسم و انشعاب طلبی نیست، همه چیزهایی که واقعیت دارند، حقانیت ندارند. خیلی چیزها هستند که واقعی هستند. رخ می‌دهند، اما یک سر سوزن هم حقانیت ندارند. اگر هر چیز که واقعی بود حقیقی نیز بود، آنگاه مبارزه و تلاش برای تغییر جهان دیگر معنائی نداشت. مارکسیست‌ها از وجود فراکسیون‌ها و وقوع انشعابات در احزاب کارگری و کمونیستی - به نفع و محکومیت انشعاب طلبی و فراکسیونیسم می‌رسند و کسانی که با مارکسیسم متارکه کرده‌اند از وجود فراکسیون‌ها و انشعابات به این نتیجه می‌رسند که راهی برای تثبیت بورژوازی در اصلیت فراکسیونیسم و انشعاب در برخی حالات خاص" بیابند بر ما ایراد می‌گیرند که گویا ما با این حرف‌ها اصلاً امکان غلبه موضع گیری غیر انقلابی و بطور کلی غلبه اپورتونیسم و روپزیونیسم را بر احزاب طراز نوین طبقه کارگر نمی‌کنیم. البته کسی که چشمی برای دیدن داشته باشد هرگز چنین ادعایی نخواهد کرد. مشاهده اینکه عمال بورژوازی ممکن است رهبری حزب را تسخیر کنند، احتیاج به میکروسکوپ ندارد. نمونه چسبن آشکارترین نمونه‌هاست. چنین پدیده‌هایی کاملاً احتمال دارد که رخ دهد. " وجود نفوذ بورژوازی منبع داخلی روپزیونیسم و تسلیم طلبی در برابر امپریالیسم منبع خارجی آن است" (۱۳) منتهی دو نکته را باید حتماً در اینجا مورد توجه قرار داد. اولاً همانگونه که در ابتدای بحث تاکید کردیم جهت اصلی عمومی و کاملاً مسلط در بین بیش از ۹۴ حزب کارگری و کمونیستی جهان مشخصاً به سوی تحکیم وحدت استوار تحول اندیشه‌های خلق مارکسیسم - لنینیسم و احترام و پایبندی بیشتر به انترناسیونالیسم پرولتاری است. وحدت جنبش کمونیستی در جهان معاصر، در چشم انداز عمومی خود به همت مبارزه بیگانه و خستگی ناپذیر میلیونها مبارز آگاه و مجرب روز بیش از پیش تحکیم می‌یابد. غنای روز افزون مارکسیسم - لنینیسم که در پرتو این همبستگی به دست می‌آید، خود به تحکیم این همبستگی در عرصه ملی و بین المللی بسیاری می‌رساند. لکن در این یا آن حزب معین بر اثر عوامل متعدد از جمله اعمال نفوذ بورژوازی و فشار امپریالیسم ممکن است روپزیونیسم و اپورتونیسم غلبه کند. در آن دسته از کشورهای سوسیالیستی که پیشرفت سوسیالیسم تخصص طبقاتی را از میان برداشته است، از جمله در اتحاد شوروی، زمینه بازگشت حزب و دولت شوروی از راه طبقه کارگر منتفی گردیده است. سوسیالیسم در اردوگاه سوسیالیستی به روندی بی‌بازگشت بدل گردیده است. هر چند که بورژوازی و امپریالیسم هنوز هم از تلاش برای شکست سوسیالیسم در این یا آن کشور خاص باز نمی‌ایستد. ( نمونه نلسن ) پروری قطعی و بازگشت ناپذیر مارکسیسم - لنینیسم در احزاب برادر روند قانونی و قطعی و گریزناپذیر تحول عمومی جنبش کمونیستی معاصر است. هر چند که ممکن است این روند عمومی در اینجا و آنجا با اختلالات، عقب نشینی‌های موقت و حتی شکست‌های کوچک و بزرگ همراه باشد. فرق اساسی کمونیست‌ها با مائوئیست‌ها در

این مورد خاص آن است که کمونیست‌ها ابتدا روند عمومی را می‌بینند و بر این بستر و دقیقاً بر این بستر اسبده بخش به از میان برداشتن اختلالات، عقب نشینی‌ها و شکست‌ها و بطور کلی همه مشکلات کمر می‌بندند و این است رار احساس قدرت آنها، ایمان آنها و خوش بینی آنها به غلبه بر این مشکلات. مائوئیست‌ها خلاف این را می‌بینند. چشم آنها برای دیدن این چشم انداز شوک همد کمونیسم گور است. چشم آنها فقط ضعف‌ها، کمبودها، بیماری‌ها و کژی‌ها را می‌بینند. این ویژگی مائوئیست‌هاست. در ذاتی از وجود این اختلالات، عقب نشینی‌ها و شکست مارکسیسم - لنینیسم در حزب طبقه کارگر، حزبی که میراث دار مبارزات انقلابی طبقه کارگر کشور است، هرگز نمی‌توان راهی برای " تثبیت کردن " انشعاب و گوشش به منظور ایجاد دودستگی فراکسیونی در آن احزاب خاص جستجو کرد. کمونیست‌ها که به صحت نظرات خود ایمان دارند با طرح شعار عانه نظرات خود در ارگان‌هایی که عضوان هستند از طریق طرح پیشنهادات و انتقادات خود در جلسات و کنفرانس‌های حزبی نقطه نظرات نادرست را مورد انتقاد قرار می‌دهند. کمونیست‌های واقعی یقین دارند که دیرتر یا زودتر امروز یا فردا واقعیت زندگی که مدافعین وجدان علمی مدافع آن هستند، و اندیشه درست بر حزب مسلط خواهد شد. تنها کسانی به دستمندی و فراکسیون سازی در درون سازمان دست می‌زنند که به پیروزی نظرات خود در حزب یقین ندارند. هیچ یک از احزاب برادر از زمان لتین تا امروز در مواردی که رهبری این یا آن حزب مواضع نادرستی را در مسایل مختلف اتخاذ کرده است مخالفین آن مواضع را محار نشمرده‌اند که علیه حزب از طریق عملیات فراکسیونی و تزویج دروشتی و فساد در مناسبات تشکیلاتی اقدام کنند. تنها مائوئیست‌ها، تروتسکیست‌ها و نظائرشان هستند که در صفوف احزاب برادر دست به خرابکاری می‌زنند و از طریق تشویق فعالیت فراکسیونی در احزاب مختلف می‌کوشند در صفوف آنها شگاف ایجاد کنند و به اصطلاح " بخش انقلابی " حزب را جدا سازند. کمونیست‌های واقعی با این روش‌های توطئه گرانه عمیقاً بیگانه‌اند و نسبت به آن ابراز انزجار می‌کنند. بر ما ایراد می‌گیرند که ما راهی جز راهی را که لتین در مسیر دست یابی به حزب طراز نوین طبقه کارگر پیمود به کمونیست‌ها توصیه می‌کنیم، لئینی‌ها قبل از اینکه با دیگران متحد شوند و برای اینکه با دیگران متحد شوند اول خط و مرزهای بین نظرات خود و آنها را مشخص ساختند. آنها برای اینکه چنین کنند چاره‌ای نداشتند جز آن که جداگانه علیه اپورتونیست‌ها وارد مبارزات آشکار شوند. مگر لتین فراکسیون بشویک را تشکیل نداد؟ مگر وقتی لتین دید کمینه مرکزی حزب را به راه کج می‌زند، کمینه مرکزی را نمی‌تکرده؟ ما جواب این سخنان را جداگانه داده‌ام. اکنون نیز از نو تکرار می‌کنیم که مبارزه لتین و لئینی‌ها و بطور کلی بشویشی نهضتی بوده است برای جدا کردن مارکسیسم انقلابی از فرمیسم در تمامی اجاد سیاسی، تشکیلاتی و ایدئولوژیک آن. رسالت بشوئیسم آن بود که همه احزاب مارکسیست - لنینیست را در شط خروشانیه بنام کمونیسم جهانی در یک تن واحد متحد کند. احزاب طراز نوین کارگری، احزابی که مارکسیسم - لنینیسم را می‌پذیرند، درست با تکیه بر همین - پیروزی‌های تئوریک و عملی طبقه کارگر بین المللی است که فراکسیونیسم در جنبش کمونیستی را نمی‌کنند و آن را نه در جهت وحدت بلکه ضد وحدت ارزیابی می‌کنند. کسانی که بر ما ایراد می‌گیرند که گویا ما راه لتین را مخدوش می‌کنیم و در این زمینه به فعالیت لئینی‌ها در فاصله ۱۹۵۳ تا ۱۹۱۲ اشاره می‌کنند، نمی‌خواهند توجه داشته باشند که در ۱۹۲۵ حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنگره دهم خود در برخورد با فعالیت تخریبی تروتسکی بوخارین و دیگران که هنوز هم به فعالیت فراکسیونی خود ادامه دادند، اولین قطعه‌امه را در جهت محکوم کردن و ممنوع کردن هر نوع فعالیت فراکسیونی در حزب صادر کرده است. قطعاً ما‌ای که توسط شخص لتین نوشته شده و بعدها تا امروز مورد استاد و راهنمای عمل تمام احزاب طراز نوین کارگری قرار گرفته است. تجهیز جنبش انقلابی طبقه کارگر به مارکسیسم - لنینیسم، یعنی روشن شدن خط و مرز میان اندیشه پرولتاریا و ایده‌ها و اندیشه‌های سایر طبقات در بیکار طبقاتی اساسی‌ترین دلیل نفی فراکسیونیسم از جانب کمونیست‌هاست. کمونیست‌ها فراکسیونیسم را نفی و محکوم می‌کنند و آن را یکی از بارزترین مظاهر نفوذ اندیشه بورژوازی در محیط

پرولتاری می‌شناسند. به ما خرده می‌گیرند که چون می‌گوئیم اختلاف نظر میان کمونیست‌ها، اختلاف نظرهایی که در یک حزب یا میان احزاب کمونیست در جریان گسترش بیکار طبقاتی مستمراً پدید می‌آیند همگی قابل حل هستند، در واقع ریشه تمام اختلافات در جنبش کمونیستی را " معرفتی دانسته و منکر وجود نفوذ اندیشه بورژوازی و بطور کلی امکان نفوذ بورژوازی در حزب شده‌ام، آنها با این احتجاجات می‌خواهند اینطور نتیجه بگیرند که چون تضاد میان کارگران و سرمایه داران " آشتی ناپذیر است و از آنجا که اختلاف نظرها در درون حزب کمونیست جنبه طبقاتی دارد، پس این اختلافات آشتی ناپذیرند. لذا چه بخواهیم، چه نخواهیم، شکل گیری دسته بندی‌ها در احزاب طراز نوین کارگری در دلتا در معرض نفوذ اندیشه‌های غیر کارگری قرار دارند امری حتمی و گریزناپذیر است. آنها با این استدلال‌ها می‌خواهند از وجود اختلاف نظر میان کمونیست‌ها به ترسید " ضرورت" دستمندی در احزاب کمونیست برسند و امروز دیگر همه کسانی که اندک آشنائی با منش کشتگرها داشته باشند، خوب می‌فهمند که چرا و چگونه این احتجاجات بی پایه به عنوان ابزار ضرور برای کشیدن کوره‌های به کار گرفته می‌شود که در جابه‌جای آن تالوهای " عمود دستجات فراکسیونی آزاد" نصب شده‌است. کدام کارگر می‌تواند قبول کند که به سود اوست که از ترس نفوذ دشمنان پرولتاریا در حزب که به قصد شقه کردن، شکست خوردن و منهدم کردن حزب کمونیست انجام می‌شود، فوراً دست به کار خود و خود او در این کار پیشقدم گردد و با تشکیل فراکسیون حزب را شقه شقه کند. خیر، هر کارگر عاقلی می‌فهمد و درک می‌کند. یکی از مهم ترین کارها برای مقابله با نفوذ دشمنان در حزب همانا مقابله بسیار جدی با فراکسیون و فراکسیونیسم است. زیرا این مبارزه راه نفس اندیشه غیر کارگری را در حزب می‌بندد. اندیشه بورژوازی عمیقاً با فراکسیونیسم گره خورده است و نمی‌تواند گره نخورد. فراکسیون محیط طبیعی و بسیار مطبوع رشد اندیشه بورژوازی است. درست به همین دلیل است که دشمنان حزب به مجرد اینکه جای پایشان را در حزب محکم کنند، قبل از همه انضباط حزب را زیر پا می‌نهند، اسانامه آن را نقض می‌کنند و به دستمندی روی می‌آورند. لئونید برژنف در کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی می‌گوید: حزب ما بر آن است که اختلاف عقیده در میان کمونیست‌ها حل شدنی است. مگر این که این اختلاف، اختلاف بنیادین در بین انقلابیون و رفرمیست‌ها و یا بین مارکسیسم خلاق و سکتاریانیسم دکماتیک و یا آوانتوریسم ماورای چپ باشد. طبیعی است که در این مورد امروز نیز چون زمان لتین سازش امان پذیر نیست (گف زند حضار). ولی وقتی کمونیست‌ها در راه هدف انقلابی مشترکی پیگار می‌کنند، ما معتقدیم بحث رفیقانه و صبورانه درباره نظرات و مواضع گوناگون بهترین راه رسیدن به این هدف مشترک است" (۱۴) اعضای اخراجی سازمان: معینی و کشتگر و نظائر ایشان مدام اینطور تبلیغ می‌کنند که گویا اختلاف نظر میان کمونیست‌هایی که در راه آرمان مشترک پیگار می‌کنند (چون این اختلاف نظر جنبه طبقاتی دارد) همیشه قابل حل نیست لذا دستمندی‌های تبیی و " فرعی" در حزب کمونیست یا در نهضت جهانی کمونیستی اصولی و ضروری است. کمونیست‌ها معتقدند که اختلاف نظر میان آنها کاملاً قابل حل است و اگر کسانی پیدا شدند که اختلاف نظر میان خودشان و کمونیست‌ها را غیر قابل حل دانستند، ما آنگاه خود را کاملاً مجاز خواهیم شرد که آنها را جزو " رفرمیست‌ها، سکتاریست‌های دکماتیک، آوانتوریست‌های ماورای چپ" و از این قبیل به حساب آوریم در این صورت بسیار طبیعی خواهد بود که آنها به جای " بحث رفیقانه و صبورانه در چهارچوب ضوابط حزبی که بهترین راه برای حل اختلاف نظرهایی است که مستمراً پیش می‌آید، راه دستمندی و باند بازی و توطئه‌گری علیه حزب را در پیش گیرند. کزینش این راه از ماهیت آنان سرچشمه می‌گردد. جوهر فکر فراکسیونیستی، انشعاب طلبانه و تفرقه جوی افرادی چون علی کشتگر به نیکوترین شکل ممکن در انتقاد " اساسی ایشان به مقاله مرز بندی ( کار ۹۷) نهفته است. آنها به این مقاله انتقاد می‌کنند که:



امر و نهی می‌کند که بشریت را سرباز می‌کند. در سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت) از حدود یک سال پیش اختلاف نظرهای معینی در زمینه مسایل مهم جنبش کمونیستی و کارگری ایران شکل گرفته بود. تمام کوشش رهبری سازمان در این مدت آن بوده است که از طریق تقویت همبستگی، از طریق رعایت اکید انضباط سازمانی، از طریق گسترش هر چه بیشتر نظامات لنینی زندگی حزبی و از طریق یک فوعل گفتگوی رفیقانه و صورانه بر اساس آموزش‌های خدشه‌ناپذیر مارکسیسم - لنینیسم و بهره‌گیری از تجارب دیگر احزاب برادر در روند حل اختلاف، مسایل مورد اختلاف با این عناصر را حل کند. رهبری سازمان در یک سال گذشته از هیچ کوششی در این راه دریغ نکرده است. در برابر این کوشش‌ها آنها در عمل نشان دادند که اختلافات خود را با ما غیر قابل حل می‌دانند. آنها وقتی به این نتیجه رسیدند، مطابق یک فوعل کاملاً شناخته شده و بارها و بارها تجربه شده به دست‌بندی علیه سازمان روی آوردند. آنها انضباط سازمانی را به خشن‌ترین شکل ممکن نقض کردند. تمام تلاش خود را به کار گرفتند که سازمان را بشکنند و وقتی بدین کار توفیق نیافتند به خارج از سازمان گریختند. کمیته مرکزی سازمان همچنان بر این اعتقاد است که اگر این عناصر در فکر تحکیم وحدت سازمان بودند، در سازمان می‌ماندند و به تصمیمات سازمانی احترام می‌گذاشتند و انضباط سازمانی را رعایت می‌کردند. در این صورت ما یقین داشتیم و داریم که کلیه اختلافات ما هر اندازه هم که مهم بودند، قابل حل بود. ما هنوز هم بر این عقیده هستیم و بار دیگر تأکید می‌کنیم که اگر در میان کسانی که راه کشتگرها و هلیل رودی‌ها را پذیرفته‌اند، کسانی باشند که خواهان حل اختلاف با کمونیست‌ها باشند، این راهی که در پیش گرفته‌اند قطعاً آنها را به مقصود نمی‌رساند. تجربه و زمان در آینده‌ای نه‌چندان دور حقانیت این داوری ما را بیش از این نمایان خواهد ساخت. منتی تنها اشکال کار اینجاست که فرانسویست‌های حرفه‌ای امروز مطلقاً از این حرف‌ها سر در نمی‌آورند. آنها سازمان را و همه کمونیست‌ها را به نیش خود می‌پندارند و در این مواضع "بوی توپخانه" احساس می‌کنند. آنها نمی‌توانند فرانسویست‌ها را جز "لایفنگ کمونیسم" شناسند. زیرا هنوز کمونیسم را خوب شناخته‌اند. زیرا آنها فقط برخی جنبه‌های مارکسیسم را پذیرفته‌اند.

این گروه برهنای تفکری که دارد و برهنای عناصری که جذب کرده است، مطلقاً قادر نیست وحدت درونی خود را حفظ کند. زیرا آنها نه بر اساس منافع، خواست و مصالح بنیادین طبقه کارگر، بلکه بر محور مخالفت با سازمان و حزب توده ایران متشکل شده‌اند. آنها که امروز علیه سازمان و حزب توده ایران بسسه وحدت رسیده‌اند، مطلقاً قادر نیستند این وحدت را حفظ کنند. آنها از نو در درون خود - ضرورتاً - دست به دست‌بندی می‌زنند و حتی کار را به تجزیه و انشعاب می‌کشاند. تا به اصطلاح وحدت جدیدی بر پایه اساس جدید نی‌ریزی کنند. این سرنوشت محتمل آنها است. دیالکتیک وحدت آنها، دیالکتیک ماؤیستی است. آنها نیز ادعا می‌کنند که گویا سیر نهضت کمونیستی طبق فرمول زبر جریان دارد: "وحدت - مبارزه و حتی تجزیه و انشعاب وحدت جدید بر پایه و اساس جدید" (۱۷) آنها امروز کام اول را برداشته‌اند دور نخواهد بود روزی که آنها نیز همچون "اقلیت" دو شقه شوند تا با یکدیگر علناً به‌بارزه برخیزند. آن روز قطعاً کسانی در میان آنها نیز پیدا خواهند شد که از سر پای بسیار تأسف بار، به‌سان اقلیت بگویند "انشعاب زودرس بود" (۱۸)

انشعاب طللی و تفرقه انگیزی خود و ادامـــــــــــــــــــــــــه جدائی‌ها پشان دست و پا کنند. فقط کسانی می‌گویند این حرف‌ها را تئوریزه کنند که با پوئی از مارکسیسم نبرده‌اند و یا به‌سود خود و حامیان خود می‌دانند که جنبش کمونیستی آزادی فراکسیون‌ها، آزادی تفرقه‌انگیزی، آزادی فعالیت مخرب علیه حزب را امری طبیعی، مجاز و قانونی به‌حساب آورد. میخائیل سولوف در این زمینه می‌گوید:

"دستگاه رهبری حزب کمونیست چین در مبارزه خود بر ضد اصل تبعیت اقلیت از اکثریت به‌عنوان اولین اپورتونیست و تجزیه‌طلبی که تا به‌حال نهضت بین‌المللی کمونیسم با آن روبرو بوده است تزه مربوط به "قانونی بودن" وجود چند حزب کمونیست را در یک کشور واحد مطرح نمود. لزومی ندارد که این قرضیه را که از بیخ و بن قاسد است، به تفصیل تکذیب نمایم... (۱۶)

حزب کمونیست، حزب پرولتاریای پیشرو یگانه حزبی است که می‌تواند در درون خود دست‌بندی‌های تبعی و فرعی نداشته باشد. کمونیست‌ها یگانه نیروهای هستند که قادرند چه در عرصه ملی و چه در عرصه بین‌المللی در صفوف خود مرزبندی تبعی و فرعی (فراکسیسم) را نفی کنند. هیچ حزبی، هیچ نیروی سیاسی دیگری نیست که بتواند در درون خود - چه در عرصه ملی، چه در عرصه بین‌المللی - دست‌بندی‌های متعدد نداشته باشد. همه احزاب غیر کمونیستی ضرورتاً، اجباراً و قطعا در درون خود فراکسیون‌های جداگانه‌ای دارند که تازه آن فراکسیون‌ها نیز در درون خود فراکسیون سازی می‌کنند. وضعیت تاریخی طبقه کارگر در نظام تولید صنعتی، وحدت منافع عینی طبقه کارگر و تعلق آینده تاریخ به آرمان وی، ایدئولوژی طبقه کارگر را از وحدت درونی، از علمیت و خلاقیتی شگرف برخوردار ساخته است. فقط طبقه کارگر است که ایدئولوژی وی، مارکسیسم - لنینیسم از چنین ویژگی برخوردار است. سایر طبقات از این ویژگی محرومند. آنها در مبارزه طبقاتی از تجهیز به یک تئوری علمی که بتواند راهنمای عمل آنها قرار گیرد محرومند. تنها کمونیست‌ها هستند که قادرند خود را از قید دست‌بندی‌های حزبی خلاص کنند. چرا که هدف مشترکی دارند که در راه رسیدن به آن از یک تئوری واحد، منجم، علمی و فاعد تناقض درونی سود می‌جویند. کسانی که با مارکسیسم - لنینیسم متارکه می‌کنند، نمی‌دانند که چرا کمونیست‌ها قادرند در حزب خود دست‌بندی نداشته باشند؟ و چرا قادرند در عرصه بین‌المللی از یک خط مشی واحد پیروی کنند. چرا در درون حزب، در هر ارگانی که باشند، آنها تصمیمات اکثریت را با طیب خاطر می‌پذیرند و اجرا می‌کنند؟ حتی اگر خودشان مخالف آن تصمیم باشند. آنها درک نمی‌کنند که به کدام دلیل است که کمونیست‌ها می‌گویند اختلافات ما بلااستنا قابل حل است.

نظریات گروه فرانسوی کشتگر - هلیل رودی عمیقاً آغشته به انحراف سکتاریستی، انشعاب طلبانه و ناسیونالیستی است. عمل آنها چیزی بسیار زشت‌تر از نظریات آنهاست. فرانسویست‌ها وجود آنها را تسخیر کرده است زیرا به آینده جنبش ما ایمان ندارند. زیرا این آینده را برای خود نمی‌بینند. این تنها کشتگر و دوستش هلیل رودی نیست که این سخنان را بر زبان می‌آورد و راه تفرقه و انشعاب را هموار می‌کند. این ندای خرده‌بورژوازی هراسان از تاریخ است که خود روی پای خود نمی‌تواند بند شود. خرده‌بورژوازی که میل بسیار دارد ضمن اینکه آب باریک‌های را دارد و به‌هیچ وجه میل ندارد از آن چشم پوشی کند، به شط خروشان

"هرگونه مرز بندی در جنبش کمونیستی را علی‌رغم واقعیات کل تاریخ جنبش کمونیستی نفی می‌کرد و چنین کاری را غیر اصولی می‌شرد. ثانياً بین مبانی وحدت احزاب کمونیست در عرصه جهانی و مبانی وحدت حزبی کمونیست‌های یک کشور خاص تمایز قائل نمی‌شد و هیچ نوع مرز بندی "تبعی" و "فرعی" دیگر را در عرصه ملی قبول نمی‌کرد. (۱۵) تشبثات و توجیهات انشعاب طلبانه و فرقه‌گرایانه فراکسیونیستی در جوهر این عبارت به‌روشنی تمام به نمایش گذاشته شده است.

آری ما کمونیست‌ها "هرگونه مرز بندی در جنبش کمونیستی را علی‌رغم واقعیات کل تاریخ جنبش کمونیستی نفی" نمی‌کنیم. اما وجود آن را انکار نمی‌کنیم. فقط ماؤیست‌ها و نظائر ایشان از وجود اختلاف نظر در جنبش کمونیستی، اصولی بودن اختلاف نظر در جنبش کمونیستی را نتیجه می‌گیرند. زیرا آنها تمایل دارند که اختلاف نظرهای خود را با کمونیست‌ها حفظ کنند. آنها مرز بندی‌های "تبعی" و "فرعی" درون جنبش کمونیستی را نفی نمی‌کنند. آنها را تأیید می‌کنند. حد فهم و فکر ماؤیست‌ها و اوج آرزوی آن این است که در زمین بگر کمونیسم یک جفت گاو زمین برای خود دست و پا کنند و با "نسق داران مجاور" گاو بندی کنند. آنها وقتی با دیگران به اختلاف می‌رسند فوراً زمین خود را جدا می‌کنند. آنها به‌جای اینکه بگویند از طریق تقویت همبستگی و رعایت اکید انضباط کمونیستی راه رسیدن به وحدت نظر را هموار کنند، بلافاصله راه خود را جدا می‌کنند و به تمام جنبش امر و نهی می‌کنند که راه آنها را بپذیرند. آنها می‌گویند "مستقلاً" برای جنبش کمونیستی جهانی خط مشی تعیین کنند. قطع نظر از اینکه این خط مشی مورد تأیید اکثریت احزاب کمونیستی و کارگری هست یا نیست.

"اختلاف پژوهی" ماؤیست‌ها بی‌حکمت نیست. آنها آشکارا می‌گویند این تصور را در اذهان دامن زدن که گویا رهبران احزاب کمونیست به جناح‌های مختلف که با یکدیگر در ستیزند، تقسیم شده‌اند. هدف آنها از این تبلیغات آن است که ستیز خود با سایرین را در حزب "امری عادی" وانمود کنند. تمام کوشش آنها این است که وجود پاره‌های اختلافات و مشکلات میان کمونیست‌ها را وسیله توجیه تجربی آزادی فرانسویست‌ها در احزاب کمونیست قرار دهند. آنها در هر حزبی که بتوانند چنین کنند، چنین می‌کنند. و در جایی که دستشان نرسد در خیال خود رهبران آن را به جدال وامی‌دارند تا بلکه از این صحنه وسیله‌ای و بهانه‌ای برای توجیه جدال خود با آنها بسازند. و ما کمونیست‌ها از وجود این نوع "واقعیات کل تاریخ جنبش کمونیستی" نفی آن را نتیجه می‌گیریم کمونیست‌ها وقتی چنین پدیده‌هایی را مشاهده می‌کنند برای حفظ پاکیزگی و تحکیم وحدت صفوف خود از تمام امکانات خود برای نامین و تحکیم وحدت فکری و سازمانی خود بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و محو این "مرز بندی‌ها" سود می‌جویند.

کمونیست‌های واقعی، انترناسیونالیست‌های پرولتری هیچ نوع مرز بندی ایدئولوژیک "تبعی" و "فرعی" دیگری را با جنبش کمونیستی بین‌المللی در عرصه ملی هم قبول نمی‌کنند. کمونیست‌ها این نوع مرز بندی‌ها در عرصه ملی را نفی می‌کنند. آن را غیر اصولی و مشحون از سکتاریسم و ناسیونالیسم خرده‌بورژوازی می‌شناسند. هر چند که می‌پذیرند که این سکتاریسم و این شکل از ناسیونالیسم به‌مثابه یک انحراف و ترک غلط از دیالکتیک و وظایف ملی و بین‌المللی هنوز هم در برخی احزاب کمونیستی وجود دارد، در فرهنگ امروز جنبش کمونیستی این انحراف "ناسیونال کمونیسم" نامیده می‌شود. بین این نوع انحرافات و آموزش‌های مارکسیسم - لنینیسم مرز بندی معین وجود دارد. وجود این خط و مرزها وظیفه مبارزه فعال علیه آنها را بر عهده ما کمونیست‌ها نهاده است.

ما امروز به روشنی می‌بینیم و مشاهده می‌کنیم که در واقعیات کل تاریخ جنبش کمونیستی جهانی کم نبوده‌اند احزابی که زبر پوش "تئوری تطبیقی" و لزوم مرز بندی تبعی و فرعی در عرصه ملی" گوشیده‌اند مارکسیسم - لنینیسم را به اصطلاح "چینی" و یا "اروپائی" کنند. و بر اساس آن لزوم پیروی از تئوری عام و واحد راهنمای عمل پرولتاریای جهان را انکار کنند و در عمل از آن سر باز زنند. آنها با استناد به همین نوع واقعیات کل تاریخ جنبش کمونیستی جهانی می‌خواهند "قانونی بودن" مجاز بودن و اصولی بودن وجود چند حزب کمونیست در یک کشور خاص را تئوریزه کنند تا بلکه راهی بر توجیه

- ۱- تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی جلد ۱ ص ۶۰
- ۲- ... ص ۶۴
- ۳- لنین جلد ۴۱ ص ۶
- ۴- برای آشنایی بیشتر... ک. تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی فصل دوم از انتشارات حزب توده ایران
- ۵- خطایه احزاب کمونیست به مناسبت صدین سال تولد لنین
- ۶- ۷- ۸- امیرالیسم و انشعاب در سوسیالیسم ۱۹۱۶
- ۹- سولوف ۱۹۶۴
- ۱۰- اختلافات درون جنبش کارگری لنین ۱۹۱۰
- ۱۱- نفی وحدت زبر فریادهای وحدت طلبی لنین ۱۹۱۴
- ۱۲- اعلامیه جلسه مشاوره ۱۹۵۷
- ۱۳- اعلامیه جلسه مشاوره ۱۹۵۷
- ۱۴- سخنرانی در کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی برزف ۱۹۸۱
- ۱۵- نقل از مقاله مبانی وحدت جنبش کمونیستی ایران
- ۱۶- سخنرانی در پلنوم کمیته مرکزی فوریه ۱۹۶۴
- ۱۷- زن‌مین زبائو - ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۴ دوره ۱۹۶۴
- ۱۸- از مصوبات کنگره "اقلیت"

### شاه گاریکن

هفته پیش روزنامه ژاپنی "یومیوری شیم بون" به نقل از محافل دولتی ونظامی این کشور، گزارشی داد که آمریکا بی‌ها در مرزهای چین - اتحاد شوروی به حاسوسی رادیویی علیه اتحاد شوروی اشتغال دارند. به نوشته "یومیوری شیم بون"، این ایستگاه مراقبت الکترونیکی حائسین تجهیزات حاسوسی گردیده است که پیش از انقلاب ۲۲ بهمن در مرزهای شمالی ایران مستقر بود و پس از سرنگونی رژیم شاه ملعون به ناچار برجیبه شد. بخشی از این تجهیزات به ترکیه و پاکستان منتقل گردید، و چنانکه روزنامه ژاپنی اکنون فاش می‌سازد، برخی نیز به چین مائوئیستی.

رسانه‌های گروهی آمریکا پیش از این هم از دو ایستگاه حاسوسی دیگر آمریکا در خاک چین وعلیه اتحاد شوروی خبر داده بودند. ایجاد ایستگاه حاسوسی که "یومیوری شیم بون" از آن سخن می‌گوید با شتابزدگی کم‌نظیر، بیدرنگ پس از برجیبه شدن تجهیزات مراقبت الکترونیک آمریکا در ایران "شاهنشاهی" آغاز گردید. تصادفی نیست که ایستگاه نامبرده همزمان با دیدار اخیر الکساندر هیک وزیر خارجه آمریکا، از چین کنش یافت.

در دیدار میان هیک و مقامات چینی درباره همکاری گسترده میان دو کشور در زمینه‌های گوناگون از جمله نظامی، صحبت شد. در پایان این دیدار وزیر خارجه آمریکا اعلام داشت که "واشنگتن درخواست" پکن "را درباره واگذاری جنگ افزارهای امروزی" مورد مطالعه قرار خواهد داد. این "مطالعه" چندان به درازا نکشد و دولت آمریکا در پی علنی ساختن لیستی طولانی از خواستهای تسلیحاتی چین، وزارت بازرگانی آمریکا را فراخواند، تا با کنار گذاشتن "مقررات بوروکراتیک" هرچه زودتر به اعطای پروانه صدور برای اینگونه جنگ افزارها اقدام کند.

در این زمینه، گزارش شده است که اکنون چین و آمریکا درباره دیدار گشتی‌های ناوگان هفتم ایالات متحده آمریکا از بنادر چین و واگذاری "محموله‌های حیاتی" به گفتگو مشغولند.

همکاری نظامی چین با آمریکا، که بخش مهمی از هم پیمانی برتری جویان و عظمت طلبان "پکن" با امپریالیست‌های "واشنگتن" را تشکیل می‌دهد، بیش از سه سال پیش در پهنه‌های گسترده‌تر آغاز شد و هرروز ابعاد سراسر آموتری می‌یابد. پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در سال ۱۳۵۷ (پایان سال ۱۹۷۸) در چارچوب برنامه به اصطلاح "چهار امر زمینه سازی" مدرنیزه کردن دستگاه جنگی چین را (در کنار کشاورزی، صنعت علم و تکنولوژی) هدف اصلی خود اعلام داشت. "چهار امر زمینه سازی" های نامبرده، صرفنظر از آماج‌های مشخص و ویژه خود، دارای یک مخرج مشترک بنیادی است و آن اینکه به باری گسترده کشورهای امپریالیستی - از جمله ایالات متحده آمریکا، آلمان غربی، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، بلژیک، هلند و ژاپن - حمله عمل خواهد پوشد.

تنها در سال ۱۹۷۸، یعنی آغاز همکاری نظامی - اقتصادی چین و آمریکا، ۱۲۰ هبات نمایندگی چین برای مذاکره رهسپار ایالات متحده آمریکا شدند و به گفته مقامات آمریکایی، بیشتر آنها نیز علاقتند به دریافت سلاح‌های آمریکایی بودند. در حالیکه چینی‌ها در آغاز تنها به وارد کردن اجزاء و قطعات برای کارخانه‌های مهمات سازی

خود از آمریکا اکتفا می‌ورزیدند. اکنون بیش از پیش خواهان دستگاه‌های پیچیده تسلیحاتی هستند. از آمریکا که بگذریم، لیست درخواست‌های تسلیحاتی چین تنها از اروپای غربی و ژاپن ۵۰۰۰ نوع جنگ افزار ابر مسدور را در برمی‌گیرد.

دنگ شیائوپینگ نیز در سفر اخیر خود به ایالات متحده آمریکا درباره دریافت جنگ افزارهای "امروزی" اصرار می‌سازد تا میزان به خرج داد.

برنامه سفر دنگ شیائوپینگ ملاقات‌های "بسیار صمیمانه او با نمایندگان مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا و سوداگران مرگ" حاوی جلوه خاصی داشت. روشن است که مائوئیست‌های چین این کمک‌های نظامی امپریالیست‌های آمریکا را باید به گونه‌ای جبران کنند. یکی از خوش خدمتی‌های شکر گزارانه آنها به امپریالیسم ایالات متحده "شاه" گار واگذاری ایستگاه‌های جاسوسی آمریکا برای استفاده علیه اتحاد شوروی است.

### جان آنتونیو مایدانا رانجات دهید

سرنگون خواهد شد! باید جان آنتونیو مایدانا را نجات داد! باید میهن دوستان "ناپدید شده" و همه زندانیان سیاسی را آزاد ساخت. خلق ما تنها نیست و می‌تواند به همبستگی گسترده، بین‌المللی تکیه کند. مردم ما دوستان توانا و هم پیمانی وفادار دارند. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، جنبش آزادی بخش ملی و جنبش انقلابی در کشورهای سرمایه داری پشتیبانی و همبستگی همه اینان وثیقه پیروزی‌های آتی میهن دوستان پاراگوئه است.

ما خواهان آزادی بیدرنگ آنتونیو مایدانا و همه میهن دوستان در بند پاراگوئه هستیم. به نشانی زبیرنامه بنویسید و رهائی آنها را طلب کنید.

GENERAL ALFREDO STROESSNER  
PALACIO DE GOBIERNO  
ASUNCIÓN, PARAGUAY.

جندی پیش از پاراگوئه - کشوری که رژیم دیکتاتوری استروسنر ۲۷ سال است که در آن بیداد می‌کند - خبر رسید که جان آنتونیو مایدانا، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست پاراگوئه "سخت در خطر است". این میهن دوست در سلولی انفرادی در راموسکادا، یکی از دهشتناک‌ترین اردوگاه‌های اجباری پاراگوئه بسر می‌برد و در شکنجه می‌شود.

رژیم دیکتاتوری پاراگوئه با ربودن آنتونیو مایدانا در تابستان سال ۱۳۵۹ (اوت ۱۹۸۰) قصد داشت که "حزب کمونیست پاراگوئه" را از رهبری برحسته محروم کند. جنبش انقلابی و دموکراتیک را درهم شکنند و نظام غیر انسانی کنونی را حاودانه "سازد". اما این حساب دیکتاتوری استروسنر غلط از آب درآمد.

در بیانیه‌ای که جندی پیش "حزب کمونیست پاراگوئه" منتشر ساخت، می‌خوانیم:

"دیکتاتوری فاشیستی آینده‌های ندارد! این رژیم نیز چون دارو دسته‌های باتیستا و سوموزا



### نمایندگان «کنگره» آمریکا هم از اردوگاه‌های ضد انقلابیون افغانی دیدار کردند

به گزارش "فرانس پرس" هیئتی از کنگره ایالات متحده آمریکا، که وارد پاکستان شد، در پیشاور از به اصطلاح "اردوگاه‌های پناهندگان افغانی" دیدار خواهد کرد. این اردوگاه‌ها در واقع اردوگاه‌های آموزش تروریست‌های افغانی است، که برای عملیات تخریبی به افغانستان اعزام می‌گردند. در سه سال اخیر این مزدوران پیش از ۲۰۰ مدرسه، ۴۰ بیمارستان و ۳۰۰ مسجد را به آتش کشیده‌اند. قرون براین، صدها تن از مردم بیگناه قربانی جنایات این اشرا شده‌اند.

### کشورهای سوسیالیستی به

۹۰ کشور رشد یابنده کمک می‌کنند.

کشورهای عضو "شورای همپاری اقتصادی"، کمک‌های اقتصادی، علمی و فنی خود را در اختیار ۹۰ کشور رشد یابنده آسیا، آفریقا و امریکای لاتین می‌گذارند. "بانک بین‌المللی سرمایه‌گذاری شورای همپاری اقتصادی" تشکیل شده، دارای صندوق ویژه‌ای به سرمایه ۱ میلیارد روبل است، که منابع مالی این کمک‌ها را تأمین می‌کند. "شورای همپاری اقتصادی" تاکنون ۱۵ میلیارد روبل به صورت

وام‌های دراز مدت در اختیار کشورهای رشد یابنده گذاشته است. برخلاف "کمک" کشورهای امپریالیستی، ۷۰ درصد این وام‌ها چه توسعه بخش‌های کلیدی اقتصاد کشورهای نواستقلال اختصاص یافته و بدین ترتیب نقش مهمی را در کاهش وابستگی آنها ایفاء کرده است.

تاکنون در حدود ۴۴۰۰ کارخانه و تاسیسات اقتصادی دیگر یا همکاری "شورای همپاری اقتصادی" در کشورهای رشد یابنده ساخته شده و یا در حال ساختمان است.

تا بحال ۲۵۰۰۰۰ نفر از متخصصان کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین در موسسات آموزشی کشورهای سوسیالیستی و با استفاده از بورسهای صندوق بورس تحصیلی "شورای همپاری اقتصادی" آموزش دیده‌اند.

### شکوفائی هنر و زبان ملیت‌ها در اتحاد شوروی

در ۱۱ خرداد ۱۳۶۰ (اول ژوئن ۱۹۸۱) اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۲۶۷/۷ میلیون نفر جمعیت داشت. در اتحاد شوروی بیش از ۱۰۰ ملت و ملیت بسر می‌برند و به ۱۳۰ زبان سخن می‌گویند.

پنجاه ملیت اتحاد شوروی تنها پس از "انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر" در روسیه دارای رسم الخط خویش شدند.

اتحاد شوروی دارای ادبیات چند ملیتی است، که به ۷۶ زبان انتشار می‌یابد. در تئاترهای اتحاد شوروی به ۴۷ زبان بازی می‌شود. رادیو - تلویزیون اتحاد شوروی به ۶۷ زبان برنامه بخش می‌کند. در کشور شوراها به ۸۰ زبان گوناگون خلق‌های شوروی آهنگ ضبط می‌شود.

## غنا در آستانه تحولات نوین

قوام‌نکرومه در کتاب "روزهای سیاه غنا" علت اصلی عدم موفقیت خود را در سه پایان نبرد کار سترگ ساختن غنا، بادآوراد، در قطع نکردن ریشه‌های پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی امپریالیسم دست روز پنجمین دهم دیماه ۱۳۶۰ (۳۱ دسامبر ۱۹۸۱) در غنا کودتای رژیم "هیلا ایمان" سرکون شد رهبر کودتا "حری راثولینگز" که ستوان خلبان است در اولین پیام رادیویی خود ضمن اشاره به عدم کفایت و ناتوانی رژیم "هیلا ایمان" در رفع بحران اجتماعی و اقتصادی حاکم بر کشور اعلام کرد "شورای موقت دفاع ملی" زمام امور را در دست گرفت و در نظر دارد از طریق تأمین حوراک، پوشاک مسکن، دموکراسی به معنای واقعی را به مردم غنا بازگرداند.

یکبار دیگر "حری راثولینگز" در ۱۴ خرداد (۴ ژوئن ۱۹۷۹) دست به اقدام مشابهی زد و در شرایطی بود که در اثر عدم کفایت و بی‌لیاقتی و فساد رهبری کشور بحرانی وسیع غنا را فرا گرفته بود. در آن زمان "شورای انقلابی نیروهای مسلح" بد رهبری "حری راثولینگز" زمام امور مملکت را در دست گرفت و پس از آنکه گام‌های اولیه در رفع بحران اجتماعی - اقتصادی برداشته شد در دوم مهرماه ۱۳۵۸ (۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹) زمام امور اداره کشور را به "هیلا ایمان" کد توانست بود در انتخابات همگانی بر دیگر رقیبان خود پیروز شود، سپرد.

چهارمین کودتا - در ۱۴ خرداد ۱۳۵۸ - ۴۱ زوئن ۱۹۷۹ - شورای انقلابی نیروهای مسلح برکت از رده‌های بائین ارنسی به رهبری ستوان حسان حری راثولینگز کودتا کرد و زمام امور را بدست گرفت.

محسن اندام - شورای انقلابی نیروهای مسلح آن بود که کمیسونی را مامور - نظامیان در خراسان و دیگر عناصر فاسد ادارات و ۲۰ ندارک برگزاری انتخابات نمود.

آن کمسیون توانست "آجیا مبونگ" - آکونو - "آرفیا" و جندتن دیگر از رهبران دولتهای نظامی و مقامات اداری را بازداشت و پس از محاکمه به حرم فساد، قاچاق و سوءاستفاده از مقام، اعدام و یا به زندان محکوم نماید. از دیگر اقداماتی که در آن زمان "حری راثولینگز" انجام داد کوسس در جهت تثبیت قیمت مواد غذایی از طریق محازرات شدید محنتگران و گرانفروشان و اعمال قهر علیه آنان بود. همزمان با برداشتن این گامهای مثبت، "حری راثولینگز" دچار تردیدها و تزلزل‌ها و کاستی‌هایی هم شد و دلایل آنهم، هم تاثیر عوامل بیرونی بود - که در این رابطه، می‌توان از فشار نجره که بیش از ۸۰٪ نفت غنا را تأمین می‌کرد نام برد - و هم اختلافات درونی شورای انقلابی نیروهای مسلح و رقابتهای شخصی میان اعضای این شورا.

راثولینگز، همان‌طور که به هنگام کودتا اعلام کرده بود مقدمات برگزاری انتخاباتی عمومی را فراهم و سرانجام در ۲۸ خرداد (۱۸ ژوئن ۱۹۷۹) انتخابات پارلمانی برگزار شد.

سرانجام در ۲ مهرماه ۱۳۵۸ (۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹) زمام امور کشور به "لیمان" سپرده شد. "لیمان" با وجود آنکه در آغاز زمانداری خود تعهد کرده بود، دولت او با افزایش تولید صنعتی و کشاورزی، و با کاهش واردات و افزایش صادرات به بحران اقتصادی و اجتماعی پایان خواهد داد، اعلام کرد که می‌خواهد با گرفتن وام بیشتر از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و فراهم ساختن شرایط مساعدتر برای سرمایه‌گذاران خارجی به این هدف برسد، اما نتوانست کاری از پیش ببرد.

موج اعتراض و ناراضی روز بروز دامنه وسیعتری بخود گرفت، و "لیمان" نیز متقابلاً به تحدید بیشتر آزادی مطبوعات و دستگیری وزندانی کردن تعداد بیشتری پرداخت. از آنجا که از محبوبیت "حری راثولینگز" هم به وحشت افتاده بود، دستور اخراج وی را صادر نمود.

اما همان‌طور که قبلاً گفتیم، "حری راثولینگز" به وعده‌ای که در آغاز تحویل زمانداری کشور به "لیمان" داده بود، عمل کرد و روز پنجمین دهم دیماه ۱۳۶۰ کودتای پنجم را به نحوی موفق رهبری کرد.

"راثولینگز" در آن زمان اعلام کرده بود که: "چنانچه حکمرانان از مقام خود برای بیسپردن منافع خویش بهره جویند با مقاومت روبرو می‌شوند و مقام آنها از ایشان گرفته خواهد شد. آینده نشان خواهد داد که "حری راثولینگز" تا چه اندازه توانسته است از تجارت خود در دوره کوتاه زمانداریش در دو سال قبل بهره حسته باشد تا بتواند به هدف خود یعنی تأمین دموکراسی راستین برای توده‌ها از طریق تأمین حوراک، پوشاک، مسکن برای همگان برسد.

می‌کند، محدود نکردن بخش خصوصی و منحل نکردن آن، و در واقع قطع نکردن ریشه‌های پایگاه اجتماعی و اقتصادی صدامت‌ها از یکسو، و از سوی دیگر تحریکات و توطئه‌های مداوم امپریالیسم جهانی و آبدی داخلی آن توانست زمینه‌های لازم جهت سرنگونی حکومت ملی و مترقی قوام نکرومه را فراهم آورد.

اولین کودتا، در چهارم بهمن سال ۱۳۳۴ (۲۴ ژوئن ۱۹۶۶) توسط تنی چند از مقامات عالی‌رتبه نظامی و پلیسی، به رهبری سرلشگر آنکارا صورت گرفت و سران آن رژیم مردمی و مستقل قوام نکرومه سرنگون و زمام امور در دست کودتا جیان افتاد. کودتاچیان که خود را "شورای آزادی ملی" نام نهاده بودند، در حالی که چنین اقدام خیانتکارانه و جنایتکارانه‌ای دست زدند که قوام نکرومه به دعوت هوشی‌مین دره‌نایو بسرمی‌برد. کودتاچیان، بلافاصله به انجام اقداماتی در جهت تأمین منافع امپریالیسم جهانی مبادرت کردند. کارخانه‌ها و منابع و معادن ملی شده به سرمایه‌داران بازگردانده شد. تعاونی‌های کشاورزی از هم پاشید. شرایط از هر نظر برای امپریالیستها فراهم شد تا بهتر بتوانند توده‌های محروم و زحمتکش غنا را غارت و چپاول کنند. نمایندگان "جیس‌مانها" بانگ به آن کشور سفر نمودند. و همزمان دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم از بازگشت نظم و امنیت به غنا دم می‌زدند.

دومین کودتا - ادامه این وضع، نابسامانیهای داخلی را تشدید نمود، موج ناراضی دامن گرفت و در آوریل ۱۹۶۹، ژنرال آفریقا قدرت را از سرلشگر آنکارا گرفت. اگوست ۱۹۶۹ قانون اساسی نوینی تدوین شد که براساس آن غنا، جمهوری پارلمانی اعلام گردید. در همان ماه انتخابات برگزار و "حزب مترقی" که با رهبری فردی به نام "بوسا" که وابسته به امپریالیسم بود، قدرت را در دست گرفت. در دی‌ماه ۱۳۵۰ (۱۳ ژانویه ۱۹۷۲) "شورای رستگاری ملی" مرکب از عده‌ای از افسران به رهبری "آجیا مبونگ" دست به کودتا زدند و رژیم بوسا را سرنگون ساختند. سومین کودتا - رژیم جدید علیرغم برداشتن گامهای مثبت در عرصه داخلی و خارجی نتوانست اقدامات بنیادینی در جهت تأمین رفاه عمومی انجام دهد. اعتراضات توده‌های گسترش یافت و سرانجام در تیرماه ۱۳۵۷ (۵ ژوئیه ۱۹۷۸) "آجیا مبونگ" کناره‌گیری و جای خود را به ژنرال "فردا آکونو" داد. این کودتا بدون خونریزی صورت گرفت. از حندی بعد فعالیت احزاب سیاسی را آزاد ساخت و اعلام کرد که (ژوئن ۱۹۷۹) انتخابات عمومی برگزار خواهد شد.

از آنجایی که در غنا غیر از این دو مسوور، کودتاها دیگری انجام گرفتند، و آشنایی با آنها می‌تواند مازاد بر بررسی و توجه دقیق‌تر به جنبه‌های گوناگون کودتای اخیر کمک کند، به طور مختصر به رویدادهای غنا اشاره می‌کنیم.

در ۱۵ افسند ۱۳۳۵ (۶ مارس ۱۹۵۶) امپریالیسم فرعون انگلستان محسور شد استقلال "ساحل طلا" را اعلام کند. پس از کسب استقلال، "ساحل طلا" به غنا تغییر نام داد. نکرومه که از قدیمی‌ترین مبارزان راه استقلال غنا بود و در سال ۱۹۴۶ به رهبری "کنسونسون ساحل طلای متحد" انتخاب شده بود، در اس رهبری کشور قرار گرفت. در اول ژوئیه ۱۹۶۰ جمهوری در غنا اعلام شد و دکتر قوام نکرومه به عنوان رئیس جمهور برگزیده شد. دولت جمهوری غنا به منظور آنکه استقلال سیاسی خود را تثبیت و به استقلال اقتصادی دست یابد و در جهت تأمین منافع توده‌های محروم و زحمتکش گامهای عملی بردارد، چندین شرکت حفاری و همین‌طور معادن را ملی اعلام کرد. کارشناسان انگلیسی اخراج و به جای آنها افراد متخصص بومی و کارشناسان و تکنسین‌های کشورهای انقلابی و مترقی که حاضر شده بودند در آن شرایط به کمک کشور نو بنیاد تازه استقلال یافته بشتابند بکار گرفته شدند. در زمینه‌های اصلاح ارضی، تأمین بهداشت و فرهنگ و سوادآموزی اقدامات مناسبی انجام گردید.

اما گسترش اقدامات بنیادین در جهت تأمین منافع توده‌های محروم و زحمتکش غنا، نمی‌توانست خشم و غضب امپریالیسم و عوامل داخلی آن را برنیانگیزد. از اینرو، فعالیت‌های مخرب و ضدانسانی امپریالیسم که از مدت‌ها قبل شروع شده بود، شدت و حدت بیشتری یافت. تبلیغات وسیعی در رابطه با اینکه کشور از نظر اقتصادی نابسامان و هرج و مرج بر آن حاکم است، به وسیله دستگاه تبلیغات عربی و طویل امپریالیسم صورت می‌گرفت. عوامل مزدور "سیا" به ترور متوسل شدند و دکتر قوام نکرومه، دو بار در سال‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۶۴ مورد سوءتصادف شد. امپریالیسم بمنظور درهم شکستن مقاومت کشور، قیمت کاکائو را از ۲۹۰ سدی (CED) برای هرتن به ۱۸۰ سدی رساند. این عمل موجب شد ضربات مهلکی بر بیکر اقتصاد نوپای کشور وارد شود چرا که تنها منبع درآمد غنا کاکائو بود. هرچه زمان جلوتر می‌رفت توطئه‌ها و دسیسه‌های امپریالیسم نیز بیشتر می‌شد سرانجام علیرغم تمام اقدامات مفید و موثری که تا آن زمان انجام گرفته بود، ضعف و عدم برخورد قاطع قوام نکرومه و دولت جمهوری غنا با سرمایه‌داران و مالکین ارضی و آن‌طور که خود نکرومه در کتاب "روزهای سیاه غنا" با تأسف از آن یاد

# جمهوری خلق کامیوجیا

## نشاط زندگی را به مردم این کشور باز میگرداند

روز ۷ ژانویه ۱۹۷۹ مردم کامیوجیا تحت رهبری کمونیستهای آن کشور، دارودسته پولپوت - ینگساری را سرنگون کردند و رژیم خون آشامی را که نزدیک به چهار سال چون بختک بر کشور ساید آنگنده بود، بد زباله‌دان تاریخ پرتاب نمودند. رژیم سرنگون شده تراژدی دردناکی را در کامیوجیا به اجرا درآورده بود که دست بخت افکار صدامگرستی مائوسه دون و سیاست توسعه طلبانه رهبران پکن برای احیای "امپراطوری چین" بود. خلق رنج دیده کامیوجیا که در این فاجعه تاریخی سه میلیون قربانی داد، سرانجام برحایتکاران مائوئیست و حامیان امپریالیست آنها چیره شد و زندگی خود را در مسیر گذار تدریجی به سوسیالیسم آغاز کرد. ما به کمونیستهای کامیوجیا و همه مردم آن کشور بد مناسبت سالگرد این پیروزی صمیمانه تبریک می‌گوئیم و امیدواریم هر روز بیش از گذشته بر مشکلاتی که در پیش دارند فائق آیند و در راهی که برگزیده‌اند با قدمهایی استوار گام بردارند.

### عقد نگالهای مائوئیست در صفوف انقلابیون

حزب انقلابی خلق کامیوجیا که در ۱۹ فوریه ۱۹۵۱ با استفاده از سن و تحارب حزب کمونیست هند و چین پایه‌گذاری شده بود، پیشاهنگ نیروهای میهن پرست کامیوج در مبارزه با استعمار فرانسه و امپریالیسم جهانی بود. این حزب تا سال ۱۹۶۰ توسط سون نگوک مینه یکی از مبارزان پرسابقه جنبش آزادیبخش ملی رهبری می‌شد. در این سال کنگره دوم حزب با در نظر گرفتن شرایط نوینی که پس از خروج استعمارگران فرانسوی از هندوچین ایجاد شده بود، برنامه جدیدی را تصویب کرد و "توک ساموت" را که یک کمونیست و انترناسیونالیست واقعی بود به رهبری برگزید. اما حزب در اجرای برنامه جدید با موانع جدی روبرو گشت. موانع از زمانی آغاز شد که پولپوت و پاراننش از فرانسه به کامیوج بازگشتند. آنها رندانه و در زیر پوشش شعارهای ماورای انقلابی به توطئه‌گری پرداختند و رهبری سازمان حزب در پنوم پنه را در دست گرفتند. پولپوت به مقام مشاور رهبری حزب رسید و با سوء استفاده از موقعیت خود، مخفیانه تشکیل یک پابند ضد حزبی را آغاز کرد.

در ۲۷ مه ۱۹۶۲ پولپوت و دارودسته‌اش، توک ساموت و چندتن دیگر از رهبران حزب را به قتل رساندند. دوران تیره‌ای در تاریخ حزب آغاز شده بود. پولپوت که اکنون در رأس حزب قرار داشت، فعالیت بر طبق الگوی مائوئیستی را سازمان داد. رزمندگان کهنه کار حزب کمونیست هندوچین یعنی همه آنان که از پاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم و از انترناسیونالیسم پرولتری و همبستگی با اتحاد شوروی و بیتنام دفاع می‌کردند کشته شدند. برای مثال، سون نگوک مینه در سال ۱۹۷۲ مسموم شد. پس از سرنگونی رژیم مزدور لون تول (آوریل ۱۹۷۵)، پولپوت حکومت را در دست گرفت. در دوران حکمرانی او ۹۰٪ اعضای حزب که به مارکسیسم - لنینیسم وفادار بودند کشته شدند.

به این ترتیب مائوئیستها که زمام امور حکومت و حزب را در دست گرفته بودند، هزاران کمونیست را کشتند تا بتوانند به آسودگی از یکسو سیاستهای برتری طلبانه پکن را به اجرا در آورند و از سوی دیگر مردم کامیوج را در قالبهای دلخواه خود بریزند و اگر در این قالبها جای نگرفتند، آنها را قتل عام کنند.

### مائوئیسم ضد خلق کشور را به ویرانی کشاند.

پولپوت در مه ۱۹۷۵ گفته بود: "از هشت میلیون مردم کامیوجیا ماتنها به یک میلیون هم پیمانان جان نثار نیاز داریم." این تنها یک حمله نبود، بلکه برنامه عمل مائوئیستهای کامیوج بود. مارکسیسم - لنینیسم می‌آموزد که تنها با پیشرفت تولید، صنایع سنگین تکنیک پیشرفته، الکتروفیکاسیون، اتوماسیون و با افزایش رفاه و آسایش عمومی می‌توان به سوسیالیسم رسید، اما دارودسته پولپوت که می‌گفتند "گرانمایه‌ترین یاری صدر مائو به انقلاب کامیوجیا همانا اندیشه‌های اوست"، اندیشه‌های مائو در مورد "محاصره شهرها از طریق روستاها"، "انقلاب فرهنگی" و "جبهه بزرگ زیر شعار" اگر ما برنج داشته باشیم هر چه بخواهیم داریم را در کامیوجیا پیاده می‌کردند. آنها به جای درک قانونمندیهایی جامعه و حرکت در جهت تسریع تکامل آن، می‌کوشیدند اراده خود را بر جامعه تحمیل کنند و برای این کار با مردم به صورت موش آزمایشگاهی عمل می‌کردند. بیش از ۳ میلیون شهروند را به زور سرنگیزه وادار کردند که همه زندگی و داروندار خود را رها کنند و راهی روستا شوند. این شهروندان سابق مجبور بودند در مزارع از صبح زود تا نیمه شب به کارهای سخت با وسایل ابتدایی مشغول شوند، مثلاً بوغ را بر سانه بگذارند و زمین را شخم بزنند. مائوئیستها شهرها را نابود کردند، بانکها را منجر نمودند، بیمارستانها، راه آهن و بازار سرپوشیده را متروکه کردند و کارخانه‌ها را تخریب نمودند تا جایی که سطح صنعت به تولید بیل و کج بیل تنزل یافته بود. مائوئیستها فقر را می‌ستودند و ارمغان آنها برای مردم برابری در فقر بود.

مارکسیسم - لنینیسم می‌آموزد که با ریشه کن کردن بیسواد، اشاعه علم و دانش در جامعه، شکوفاشدن فرهنگ ملیت‌های گوناگون و رشد معنوی انسانها می‌توان به سوسیالیسم رسید. اما در دوران حکومت دارودسته مائوئیست پولپوت - ینگساری از همان روزهای نخست روشنفکران و دانشجویان گروه گروه اعدام شدند، تمامی دبیرستانها و دانشگاهها بسته شد. در کشور تنها یک روزنامه آنهم هرده روز یک بار منتشر می‌شد. "انقلاب فرهنگی" از نوع مائوئیستی آن باعث شد کتابها سوزانده شوند، آثار هنری نابود گردند، معاشرت بوداییان و مساجد مسلمانان تخریب شوند، و حکم

سرکوب و غارت و اخراج و قتل عام ملیت‌ها به اجرا درآمد. به عنوان نمونه ملیت "چام" تا آخرین نفر نابود شدند. در رژیم پولپوت زنان و مردان در تیمهای کشاورزی جداگانه کار می‌کردند و در نتیجه زن و شوهرها هر چند ماه یکبار همدیگر را می‌دیدند.

مائو در تأکید پولپوت و دارودسته‌اش به آنها گفته بود: شما موفقیت قابل ملاحظه‌ای به دست آورده‌اید. شما با یک ضربت طبقات را از میان برداشته‌اید. همین یک ضربت باعث شده بود بیش از یک سوم مردم کامیوجیا حیات خویش را از دست بدهند. اگر مائوئیستها فرصت داشتند، با یک ضربت دیگر تمامی مردم را از میان برمی‌داشتند.

### کمونیستها به پیروزی می‌رسند.

اما حوسبختانه چنین فرصتی به آنها داده نشد. سورشهایی که از آغاز روی کار آمدن رژیم پولپوت در نقاط مختلف در می‌گرفت، هر سال نامنه و وسیعتری می‌یافت. هر چند برتری طلبان چینی ۲۰ هزار مسافر به کامیوجیا اعزام کرده بودند و سالانه بیش از یک میلیارد یوان برای حفظ حکومت مزدوران خود خرج می‌کردند، اما نه این کمک‌ها و نه سلاحهای بیستار چینی هیچ‌کدام نتوانست مانع سقوط دارودسته پولپوت - ینگساری شود. در اوایل سال ۱۹۷۸ اولین "مناطق آزاد شده" بوجود آمد. چند ماه بعد ایستگاه رادیویی انقلابیون، مردم را به قیام سراسری فراخواند. قیام، اکثریت قریب به اتفاق استانهای کشور را فراگرفت. همزمان با پیشرفت پیروزمندانه نیروهای انقلابی میهن پرست در پنوم پنه، کنگره سوم حزب تشکیل شد و برنامه‌ای برای سرنگونی رژیم و تجدید حیات کشور ارائه کرد و فراری برای تجدید سازمان حزب صادر نمود.

واشنگتن که تا این لحظه در مقابل اقدامات جنایتکارانه دارودسته پولپوت سکوت مزورانه را پیشه کرده بود، از این پس برای دفاع از حقوق بشر! فعال شد. امپریالیسم آمریکا و متحدین چینی آنها "تجاوز و بیتنام و توسعه طلبی آن کشور" را علم کردند و حکومت مردم را که با سرنگونی رژیم پولپوت بر سر کار آمده بود، به رسمیت نشناختند. پکن به تهاجم گسترده‌ای به خاک و بیتنام دست زد. اما این تلاشها نافرجام ماند. چین مجبور شد با دادن بیش از ۶۰ هزار کشته عقب‌نشینی کند. اما با این وجود دسیسه‌های امپریالیسم و مائوئیسم علیه جمهوری خلق کامیوجیا همچنان ادامه دارد. چین همچنان دارودسته سرنگون شده پولپوت - ینگساری - خسومافان را مسلح می‌کند و کارشناسان چینی ضد انقلابیون را تعلیم می‌دهند. امپریالیسم آمریکا نیز می‌کوشد با تحریف وقایع، کشورهای آستان را علیه کامیوجیا تحریک کند. خرابکاری نظامی به خصوص در مرز تایلند ادامه دارد. جبهه جهانی ضد انقلاب همچنین می‌کوشد با استفاده از وسایل دیپلماتیک بر حکومت جدید فشار سیاسی وارد کند.

### زندگی در کامیوجیا دوباره حوانه می‌زند.

این کارکنیها هر چه پیشرفت جامعه را کنند می‌کند، اما آنها متوقف نمی‌سازد. تلاش در راه سازندگی بسیار دشوار است به ویژه از آن جهت که مائوئیستها کشور را به ویرانه‌ای تبدیل کرده بودند.

### اعلامیه وزرای ناتو

## دخالت بی شرمانه در امور داخلی لهستان

وزرای امور خارجه کشورهای عضو ناتو طی اجلاسی در بروکسل پیرامون مسایل داخلی لهستان به گفتگو پرداخته و در پایان اجلاس قطعنامه‌ای مبنی بر اعمال تضيیقات اقتصادی و سیاسی بیشتر نسبت به اتحاد شوروی و لهستان صادر کردند.

این قطعنامه که بیانگر دخالت بیشرمانه و ننگین امپریالیسم آمریکا و متحدانش در ناتو در امور داخلی کشور مستقل لهستان می‌باشد در سراسر جهان بازتاب گسترده‌ای داشت. پس از صدور اعلامیه ناتو، خبرگزاری شوروی تاس اظهاریه مهمی صادر نمود.

در اظهاریه خبرگزاری شوروی تاس در مورد اعلامیه وزرای خارجه کشورهای عضو ناتو گفته شده است که:

"بخوبی میدانیم مقامات رسمی آمریکا مبتکرین این صحنه سازی ننگین هستند و شیوه آنها هم در تحریف گستاخانه حقایق و هم در لحن وقیحانه و هم در بلند پروازیهای سیاسی بی‌حد و حصر محسوس است. جالب توجه این است که اینکار را کسانی انجام می‌دهند که ابتدایی‌ترین حقوق و آزادیهای بشری در کشورهای خود را زیر پا گذاشته و آشکارا و پنهانی سعی دارند هرگونه تلاش ملت‌ها را برای تعیین مستقل سرنوشت خود سرکوب کنند.

وضع شیلی، جمهوری دومینگی و المالدور فقط مشتق از خروار است. و آیا روشن نیست که کشور متجاوز اسرائیل که جلوس چشم تمام جهان سرزمین‌های اعراب را به خاک خود منظم می‌سازد و تلاش می‌کند مبارزه ملت فلسطین را در راه آزادی و موجودیت ملی غرق در خون کند، در پشت سرچه کسانی خود را مخفی کرده است. باز هم در پشت سر آمریکا و آن دوستانش که تلاش می‌کنند نقش دستیار قاضیان خودخوانده را ایفا کنند که به لهستانها دستور می‌دهند چگونه باید رفتار کنند."

خبرگزاری تاس سپس با اشاره به فعالیت ضدانقلابیون جهت نابودی سوسیالیسم و برقراری مقررات بورژوازی در لهستان می‌افزاید:

"در اینجا می‌توانیم از ضرب‌المثل بسیاری از ملت‌ها استفاده کنیم و به مسبین توطئه علیه لهستان توده‌ای بگوئیم اگر پشت گوشان را دیدید تحقق آرزوهایتان را خواهید دید.



اعمال در وضع وسیعترین قشرهای مردم لهستان اثر خواهد گذاشت، این اعمال به تشنج‌زدایی بین‌المللی کمک نمی‌کند تا چه رسد به مناسبات دوجانبه"

گزارشهای رسیده از ورشو حاکیست که اوضاع لهستان به جریان عادی می‌افتد، کار واحدهای تولیدی بهبود می‌یابد، وضع تامین اهالی از لحاظ خوار بار و سوخت بهتر می‌شود و مدارس باردیگر به روی محصلین باز شده‌اند.

یانوس اوبونویسکی معاون نخست‌وزیر و تارکوس فترویچ وزیر بازرگانی خارجی لهستان در کنفرانس مطبوعاتی که برای خبرنگاران خارجی تشکیل شده بود ارقامی چند درباره کاهش آهنگ رشد اقتصادی کشور و تقلیل درآمد ملی در سال گذشته ذکر کردند و در عین حال اشاره نمودند که از اواسط دسامبر شرایط لازم جهت متوقف ساختن پروژه‌های منفی در اقتصاد

ملی فراهم آمد. در کنفرانس مطبوعاتی ورشو همچنین حقایق و شواهدی ذکر شد که نشان می‌دهد بعضی از کشورهای غربی با محدود کردن همکاری اقتصادی و مالی با لهستان تلاش می‌کنند این کشور را زیر فشار قرار بدهند.

۱۱ ژانویه در مسکو آندره گرومیکو و یوزف چیرک وزیران امور خارجه شوروی و لهستان دیدار و گفتگو کردند و درباره مسایل مربوط به وضع مناسبات دو کشور و چشم‌انداز گسترش این مناسبات بر مبنای اتحاد استوار و دوستی خلل‌ناپذیر و همکاریهای همه جانبه به سود مردم دو کشور و برپایه تقویت صلح و سوسیالیسم تبادل نظر بعمل آوردند.

وزیران خارجه دو کشور تلاشهای رسمی مقامات آمریکا و بعضی از کشورهای عضو ناتو را برای دخالت در امور لهستان در حکم نقض ناهنجار منشور سازمان ملل متحد و اصول مصرحه در سند نهایی کنفرانس هلسنیکی دانستند. در روزهای گذشته در مسکو پروتکل مبادله کالا

میان اتحاد شوروی و لهستان برای سال ۱۹۸۲ به امضاء رسید. کالاهایی که به موجب این پروتکل از اتحاد شوروی به لهستان تحویل داده خواهد شد به اجیاء و باز سازی اقتصادی لهستان که به واسطه بحران تخریبی نیروهای ضد سوسیالیستی آسیب فراوان دیده کمک خواهد کرد.

اقداماتی که ارگان‌های عالی لهستان انجام می‌دهند تصمیم‌گیری ملی لهستان، کار لهستانها و فقط کار آنهاست. در عین حال باید روشن و واضح باشد که اتحاد شوروی نسبت به سرنوشت لهستان، کشور سوسیالیستی همسایه بی‌تفاوت نیست و از آن در برابر توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی قویا پشتیبانی می‌کند. مردم و دولت سوسیالیستی لهستان در این زمینه از همستگی و پشتیبانی همه نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه جهان برخوردارند.

چنانکه رهبران لهستان بارها خاطر نشان ساختند، لهستان حلقه محکم و گزندناپذیر پیمان ورشو و عضو اردوگاه سوسیالیستی بوده و خواهد بود. هنری کیپلینسکی رئیس شورای دولتی لهستان در دیدار با اعضاء یک گروه دیپلماتیک سخنانی ایراد کرد، وی در قسمتی از سخنان خود با اشاره به رویدادهای کشورش گفت:

"برقراری حکومت نظامی که در قانون اساسی پیش بینی شده یک اقدام موقتی است و دامنه اعمال و مدت اعتبار آن کار داخلی ماست."

وی سپس گفت:

"همزمان با کمک بسیار مهم و همه جانبه کشورهای سوسیالیست و موضع‌گیری بسیاری دیگر از کشورها که نشان می‌دهد آنها می‌خواهند ما را درک کنند متأسفانه ما شاهد اعمال معکوس هستیم و تلاشهایی برای افزایش تشنج اوضاع در لهستان به عمل می‌آید و برای این منظور از گزارشهای دروغ درباره حوادث کشور ما که اغلب باورنکردنی است استفاده می‌شود. همچنین تلاشهایی برای دخالت در امور داخلی ما به عمل می‌آید و سرانجام محازاتهای اقتصادی اعمال می‌گردد که مانع خروج لهستان از حالت بحران می‌شود و مهمتر از همه این

## نشاط زندگی را به مردم این کشور...

از صفحه ۲۰

کارگر ماهر کم است. ۸۰٪ زنان بیوه و ۵۰٪ کودکان یتیم هستند. همه چیز را باید از صفر و حتی زیر صفر آغاز کرد. پن‌سوان دبیرکل کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق و صدر شورای وزیران جمهوری خلق کامیوجیا با تکیه بر همین واقعیت در کنگره چهارم حزب اظهار داشت "هیچکس سوسیالیسم را در سینی به ما تقدیم نخواهد کرد.

با اینهمه گذار تدریجی به سوسیالیسم آغاز شده است. خلق کامیوجیا در این زمینه مانند همیشه از کمک برادرانه اتحاد شوروی، ویتنام و سایر کشورهای سوسیالیستی برخوردار است. مردم کامیوجیا با درک وظایف تاریخی خود به تلاشی خستگی‌ناپذیر دست زده‌اند. آنها فعلا نه در مورد طرح قانون اساسی جدید به بحث نشستند و در انتخابات محلی و انتخابات عمومی مجمع ملی که به شیوه‌ای دموکراتیک برگزار شد، شرکت کردند. در اول ماه مه ۹۷٪ از افرادی که می‌توانستند در انتخابات شرکت کنند، آراء خود را به صندوق ریختند.

۶ واحد بزرگ کار خود را از سر گرفته‌اند. در دکانها، مغازه‌های کوچک و بازارها، خرید و فروش با پول جدید کشور جریان دارد. راه آهن به کار افتاده و کشتی‌های باری در سواحل دریا و کرانه رودها پهلو می‌گیرند. هزاران مدرسه گشوده شده و ۵۰۰ هزار دانش‌آموز حای خود را در پشت میزهای کلاس باز یافته‌اند. شبکه درمانی کشور هر روز سطح گسترده‌تری را می‌پوشاند. هنر و فرهنگ ملی تجدید حیات می‌یابد. امنیت فردی شهروندان و نظم عمومی با اطمینان برقرار شده است. روز به روز ارتش انقلابی خلق کامیوجیا توان بیشتری کسب می‌کند و بر قدرت دفاعی خود می‌افزاید. مردم دیگر در معرض تهدیدگرسانی قرار ندارند. همچنانکه رفیق پن‌سوان می‌گوید:

"امسال ساقه‌های سبزی و روشن برونج در زمینی به وسعت ۱/۵ میلیون هکتار روئیده است شهرها که تا همین اواخر مرده بنظر می‌رسید، بار دیگر سرشار از شور زندگی شده است و خیابانها پوشیده از رهگذران شاداب است."

اکنون بیش از ۳۰۰ موسسه تولیدی و در آن میان

## آیت الله منتظری از مسئولین خواست در برابر جریانات و جویهای مسموم مقاومت کنند

### دوست نادان خطرناکتر از دشمن داناست

آیت الله منتظری در پیام مهمی که به مناسبت هفته وحدت فرستاد، با تنکرو و قدردانی از مردم و مسئولین به خاطر حمایت وسیع آنها از هفته وحدت مسایل پراهمیتی را در مورد وظایف مسئولین جمهوری اسلامی ایران مورد تاکید قرار داد.

ایشان با اشاره به مرحله سازندگی انقلاب از مسئولین دعوت کرد که با عمل مخلصانه صادقانه، مردم را نسبت به انقلاب دلگرم تر نمایند و در برخورد با مشکلات موجود ضوابط قانونی را راهنمای عمل قرار دهند. آیت الله منتظری در پیام خود به کسانی اشاره کرد که تحت تاثیر القاعات و جوسازیهای کاذب قرار گرفته و با اعمال خود باعث تشدید جو سوطن و بی اعتمادی عمومی و مزوی نمودن افراد مومن به انقلاب در محیط کار و فعالیت و جایگزین شدن افراد متعلق و فرصت طلب به جای آنها می گردند که نتیجه چنین اعمالی دلسرد شدن نیروهای جوان و متعهد از انقلاب و گرایش آنها به طرف جریان های انحرافی است. در این پیام، از مسئولین می خواهد یاد نظر گرفتن مصالح و آینده انقلاب قاطعانه در مقابل "جوهایی مسموم و تندروی های جاهلانه" مقاومت کنند. و خطاب به عاملین چنین اعمالی می گوید:

"افراد یک بعدی و تندرو خیال نکنند به اسلام خدمت می کنند. آنان ناخواسته و چه بسا با حسن نیت زمینه را برای انحراف و سقوط اصل انقلاب فراهم می نمایند و اعمال جاهلانه و خارج از قانون خود پرستیز جمهوری اسلامی را در دنیا مشوش می سازند و این امر گناهی بس بزرگ است"

آیت الله منتظری در پیام خود با اشاره به ضرورت تأمین امنیت جانی و مالی مردم از مقامات عالی قضائی و سپاه خواستند تا جهت اجرای قانون، افراد توجیه شده و مسئول را بکارگمارند و بطور مستمر بر جریان کار آنها نظارت داشته باشند. در قسمت دیگری از پیام آمده است:

"دادگاهها نباید به شکلی عمل کنند که سوژه تبلیغاتی به دست ضدانقلاب داده و در برخورد با متخلف امنیت عمومی را خدشه دار

سازند. شایان توجه است که عمل و رفتار ما بهترین الگو و عامل صدور انقلاب خواهد بود. ریان ناشی از عملکرد اینگونه افراد تک بعدی و تند خوی کمتر از ریان دشمنان اسلام نخواهد بود. اینان با پاکي فطرت و حسن نیت خود عملا به ادامه و گسترش انقلاب ضربه می زنند و در حقیقت دوست نادان خطرناکتر از دشمن دانا خواهد بود."

پیام آیت الله منتظری به مناسبت هفته وحدت در اساسی ترین وجوه حاوی چنان ساخت صحیح از ضرورت های این مرحله از انقلاب و راه های چیره شدن بر موانع و مشکلات موجود است که پایبندی بدان از جانب مسئولین جمهوری اسلامی انقلاب را از خطر توطئه ها و دسائس دشمنان حفظ و در راستای ضدامیرالیستی و مردمی به پیش خواهد برد.

اکنون دیگر تمام نیروهای انقلابی و مسئول جامعه در این مسئله متفق القولند که انقلاب ایران پس از پیروزی های که در نبرد با دشمنان داخلی و متحدان خارجی آنها به دست آورده و پس از تثبیت موفقیت نیروهای پیرو خط امام در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، از طرفی در مقابل وظیفه دشوار سازندگی و از جانب دیگر در برابر تشدید توطئه دشمنان شکست خورده از داخل و خارج قرار گرفته است.

در مورد ضرورت های این مرحله از انقلاب که انجام اصلاحات اجتماعی بنیادی در راس آن قرار دارد و مشکلات و موانع موجود، ما مکررا صحبت کرده ایم، مطلبی که در سخنان امام همواره بر آن تاکید شده است ولی آنچه در پیام آیت الله منتظری به گونه ای بسیار برجسته بازتاب یافته اشاره به آن مشکلی است که از طریق "تندروی های جاهلانه دوستان نادان" گریبانگیر انقلاب است. "تندروی های جاهلانه" ای که در نتیجه آن تاکنون ضربات حدی به

انقلاب وارد شده و تازمانی که ریشه کن نشود، دشمنان انقلاب همچنان بدان چشم امید خواهند داشت. در مورد وجود این پدیده منفی در انقلاب ایران ما تحت عنوان خطر تنگ نگر و خودمحوری، بارها اظهار نظر کرده و با نمونه های مشخص نقش تخریبی این گرایش را که همواره باعث تقویت جبهه دشمنان انقلاب می شود، نشان داده ایم.

در بیانیه مشترک سازمان و حزب توده ایران تحت عنوان "چگونه بر دشواری های تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شویم" یا اشاره به دشواری های ناشی از تنگ نگرهای و خودمحوری ها آمده است:

"این دسته از دشواری های بیوژه در دوران ما یعنی در دوران قزوباشی سلطه جابرانه امپریالیسم، نقش تعیین کننده در سرنوشت انقلاب دارند، زیرا تجربه انقلاب های چند دهه ساله پس از جنگ دوم جهانی نشان داده است که در پیامد تغییر کیفی در تناسب نیروهای سیاسی و نظامی و اقتصادی در جهان به سود انقلاب های رهائی بخش ملی و دولت های رها شده از زنجیر اسارت استعمار، کهنه و استعمار نو رهبری انقلاب های ضد امپریالیستی و مردمی در صورتی که بتوانند با درایت و تیزبینی همه نیروهای بالقوه هوادار انقلاب را تجهیز کنند، می توانند بر همه دسائس دشمنان انقلاب چیره شوند و علیرغم برخی اشتباهات ناشی از کم تجربگی و بی تجربگی، انقلاب را تثبیت و تحکیم بخشند و آن را به سوی پیشرفت گسترش دهند و برعکس، غلبه تنگ نگر و خودمحوری ها و ارزیابی های نادرست در مقامات مسئول حاکمیت می تواند برای نفوذ عناصر دشمن از یک سو و برای رشد دشواری های ناشی از بی تجربگی و اشتباه از سوی دیگر و نیز به کمک آنها برای دسائس های خطرناک و توطئه های رنگارنگ ضد

انقلاب بیوژه توطئه جدا سازی و به جان هم اندازی نیروهای انقلابی محیط مساعدی پدید آورد."

اکنون صحت این ارزیابی از عملکرد عناصر تنگ نگر و خودمحورین و به تعبیر آیت الله منتظری افراد "یک بعدی و تند رو" یا پشتوانه تجارب انبوه سه سال گذشته به کرات اثبات شده است. وجود این گرایش در میان پاره های مسئولین و شخصیت های جمهوری اسلامی ایران برای توطئه های امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن راه همواری گشوده است.

عناصر و نیروهای "یک بعدی و تند رو" که در شناخت دوستان و دشمنان از ملاک های قسری و خودمحور بیانه پیروی می کنند، به عوامل دشمن این امکان را داده و می دهند تا با پنهان شدن پشت شعارهای انحرافی که اتفاقا آنان ترین راه هم هست، در ارگان ها و نهادها نفوذ کرده و در فرصت مناسب ضربات بسیار سختی بر پیکر انقلاب فرود آورند. بدون تردید کلاه های و کتسمری ها با چنین پوششی خود را برای انجام چنان جنایات بزرگی علیه انقلاب آماده کرده بودند.

گرایش قسری و یک بعدی در هر موضعی که قرار گیرد، هیچ قانونی را جز تمایل تنگ نگرانه خود به رسمیت نمی شناسد بدین جهت علیرغم تاکید امام خمینی و سایر مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی به رعایت قانون، از هر فرصتی برای زیر پا گذاشتن رهنمودهای امام و قانون شکنی استفاده کرده و می کند، که نتیجه آن دامن زدن به هرج و مرج ایجاد بی اعتمادی و سوءظن و همانگونه که آیت الله منتظری به درستی گفته اند: "با اعمال جاهلانه و خارج از قانون پرستیز جمهوری اسلامی ایران را در دنیا مشوش می سازند" و "سوژه تبلیغاتی به دست ضدانقلاب می دهند. یا توجه به ابعاد بسیار

مخرب این گرایش، ارزیابی بیانیه مشترک که اعتقاد دارم این دسته دشواری ها در دوران ما... نقش تعیین کننده در سرنوشت انقلاب دارند" کاملا قابل تاکید است و از جانب آیت الله منتظری نیز با این بیان که "دوستان نادان خطرناکتر از دشمن دانا خواهد بود" به نحو برجسته مورد تأکید قرار می گیرد.

ضرورت های ناشی از مبارزه در راه تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب ایران، در عرصه داخل و خارج هر زمان مسلمانان انقلابی و صدیق پیرو خط امام را به درک اصولی و صحیح از واقعیات نزدیک تر می کند. آنها بیش از پیش درمی یابند که دفاع از دستاوردهای انقلاب و مبارزه در راه گسترش آن نه تنها با وجود گرایش های یک بعدی و تنگ نگرانه همخوانی ندارد، بلکه دشمن آن است.

مسلمانان انقلابی در حاکمیت جمهوری اسلامی می کوشند با واقع بینی و احساس مسئولیت موانع و مشکلات موجود بر سر راه این مرحله از انقلاب را باز شناخته و آنها را از میان بردارند. همین چند روز پیش بود که رئیس جمهور در دیدار با مسئولین دفتر مرکزی و سرپرستان مناطق مختلف کمیته امداد امام در تأکید مضمون پیام آیت الله منتظری مبنی بر "عمل مخلصانه و صادقانه" برای مردم و خودداری از وعده و وعیدهای شعاری و بی پشتوانه گفت:

"اگر بخواهیم در برابر توطئه های داخلی و خارجی قدرت مقاومت خود را بالا ببریم، ناگزیر باید ضمن نگهداشتن اکثریت مردم در صحنه، آنها را همچنان معتقد، مومن و وفادار به انقلاب کنیم. ووفاداری به انقلاب در صورتی است که مردم از انقلاب یک چیزی ببینند."

چنین تلاش هایی که با منافع مردم انطباق داشته و در راستای تعمیق سمندگیری ضدامیرالیستی و مردمی انقلاب ماست از پشتیبانی قاطع تمام هواداران راستین سوسیالیسم علمی برخوردار است ما این کوشش های مردمی را ارجح می بینیم و خواهستار پایبندی هرچه بیشتر مسئولین و ارگان های اجرایی نسبت به آنها می باشیم.

# جمهوری اسلامی ایران خواهان مناسبات صلح آمیز با همسایگان خویش است

« مایه خواهیم این مردم، همه مسلمین

و غیر مسلمین، همه در صلح و صفا باشند»

## امام خمینی

امریالیسم آمریکا هر اقدامی را که از جانب خود و متحدینش علیه استقلال و آزادی ملت‌ها صورت می‌گیرد اقدامی علیه "تروریسم" و "دفاع از آزادی" و ناموس می‌سازد. با جنس توحیمی امریالیسم جهانی علیه حق حاکمیت و موجودیت خلق‌ها مرتکب جنایات بی‌شمار شده و می‌شود.

امریالیسم جهانی به سرگردگی آمریکا با گسترش سابقه تسلط‌های و استقرار موشک‌های حامل بمب اتمی در اروپا، با برافروختن آتش جنگ میان ملت‌ها و تحمیل رژیم‌های دیکتاتوری و ضد مردمی بر مردم کشورهای مختلف و حمایت همه‌جانبه از نژادپرستان آفریقای جنوبی و صهیونیست‌های اسرائیل، عامل اصلی جنگ و تشدید و خامت وضع بین‌المللی است. در حالی که درست در مقابل آن منافع تمام کشورها و جنبش‌هایی که در راه استقلال، آزادی و تأمین عدالت اجتماعی برای مردم خود مبارزه می‌کنند، از اساس با مداخله‌جویی، تشنج و دامن زدن به تشنج اوضاع بین‌المللی بیگانه است. مبارزه به خاطر تخفیف تشنج، همزیستی مسالمت‌آمیز و دست‌یابی به صلح عادلانه با منافع اساسی ملت‌ها انطباق کامل دارد.

امام خمینی در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران و شورای عالی سپاه مراد امسال خواست جمهوری اسلامی ایران را به زندگی صلح‌آمیز با تمام کشورها بیان کردند. امام در سخنان خود گفتند:

" ما میل داریم همه صلح و صفا باشد، همه عالم در صلح و صفا باشد. ما اگر قدرت داشتیم، اصلاً باروت را از بین می‌بردیم، قوای منفجره را از بین می‌بردیم که خالی بشود از این جنایت‌ها، ما نمی‌خواهیم با کسی دعوا بکنیم، نه با عراق دعوا داریم یا فرض کنید جاهایی دیگر دعوا می‌ماند داریم." حجت‌الاسلام

رئیس جمهور در آخرین روز هفته وحدت در دیدار با سفرا و کارداران کشورهای اسلامی با اشاره به تبلیغات بقیه در صفحه ۲۵

شده و با دستور می‌گرفته‌اند! پس از این است که شاهد اوج‌گیری بی‌سابقه تبلیغات شوونیستی و نژادپرستانه از جانب عربستان، عراق و دیگر حکام مرتجع عرب علیه ایران انقلابی هستیم که گویا ایران برای سافط کردن رژیم‌های حاکم بر این کشورها دسته‌جاتی را آموزش می‌دهد و قصد تجاوز و دخالت در امور داخلی آنها را دارد.

رژیم آمریکایی عربستان سعودی که بیش از دیگران در دامن زدن بدین تبلیغات زهرآگین دست دارد در مقابل خطر موهومی که گویا از جانب ایران کشورهای عرب خلیج فارس را تهدید می‌کند، آنها را به اتحاد نظامی با خود فراخوانده و با تمامی آنها پیمان‌های نظامی امضا کرده است. علاوه بر این آنها وظیفه خود دانسته‌اند کمک‌های همه‌جانبه مالی و تسلیحاتی در اختیار رژیم صدام قرار دهند.

اکنون بسیاری از مردم ما این سؤال را از خود می‌کنند که با توجه به ادامه تجاوز و اشغال بخش‌هایی از خاک میهن توسط ارتش صدام و طرح‌های تجاوزکارانه آشکاری که امریالیسم آمریکا در منطقه بخصوص علیه ایران دنبال می‌کند، هدف از این تبلیغات سراپا دروغ و افترا امیز علیه ایران چیست؟ و چرا امریالیسم آمریکا می‌کوشد جمهوری اسلامی ایران را متجاوز به حقوق همسایگان خود وانمود سازد؟

امروز دیگر نیروهای انقلابی و ترقیخواه در سراسر جهان می‌دانند که یکی از حربه‌های امریالیسم آمریکا علیه کشورهای از بند رسته و جنبش‌های رهائی بخش، زدن انگ تروریسم و متهم ساختن آنها به تجاوز و مداخله در امور دیگران است. براین اساس

جندی پیش خیرگزاری‌های امریالیستی با همکاری عربستان سعودی، عراق و دیگر مرتجعین این خیر مجعول را انتشار دادند که بمب‌افکن‌های ایرانی پنهان از دید آواکس‌های آمریکایی مستقر در سعودی! تاسیسات نفتی کویت را بمباران کرده‌اند. انتشار این خبر با تبلیغ وسیع درباره خطر تجاوز و تهاجم ایران به همسایگانش همراه بود.

در جریان پیروزی رزمندگان ما در جبهه‌های جنوب ناگهان توسط رژیم صدام تبلیغات پیرامنه‌ای آغاز شد مبنی براینکه ایرانی‌ها تعداد زیادی از اسرای عراقی را قتل عام کرده‌اند. رژیم صدام در این تبلیغ مودیان و جهت‌دار حتی پای سازمان‌های بین‌المللی را نیز به میان کشیده و با مظلوم‌نمایی سعی کرد شوونیسم ارتجاعی عرب را در دیگر کشورهای عربی علیه ایران دامن زده و از انقلاب ایران چهره‌ای ضد عرب ترسیم نماید. این تبلیغات در حالی اوج گرفت که ارتش صدام، آن مناطق مسکونی را در داخل ایران که در برد موشک‌ها و بمب‌افکن‌ها قرار دارد، بی‌وقفه بمباران می‌کرد و ایران از آغاز جنگ نسبت بدین اعمال جنایتکارانه بارها به مراجع بین‌المللی شکایت کرده است.

در ادامه این موج تبلیغاتی که هدف اصلی آن فریب افکار عمومی نسبت به ماهیت ضد امریالیستی و مردمی انقلاب ایران است، همان منابع معلوم الحال ادعا می‌کنند که گویا ایران از اسرائیل تجهیزات نظامی دریافت داشته و در جریان بازداشت گروهی از مخالفان رژیم بحرین، گفته می‌شود که افراد دستگیر شده جز شبکه‌ای بوده‌اند که مستقیماً از ایران برای حرابکاری و سرنگونی رژیم آن کشور اعزام

ایران بسته می‌شود و رژیم آمریکایی سعودی، جهت تسلیح هرچه بیشتر پاکستان علیه همسایگانش حک سفید در اختیار رژیم زنرال ضا الحق می‌گذارد. در ارتباط با مجموعه این اقدامات، امریالیسم آمریکا طرح "تربیب و ترب" را جهت اشغال مناطق جنوبی ایران آماده کرده است و اخبار موقتی حکایت از این دارد که رژیم ترکیه در کنار مرزهای خود با ایران پایگاه‌های متعددی در اختیار صدام انقلابیون ایرانی وابسته به دارودسته زنرال‌های فراری شاه معدوم قرار داده و خود نیز فعالانه در مسلح نمودن و آموزش این دستجات شرکت دارد.

مطبوعات در آخرین اخبار خود پیرامون فعل و انفعالات سیاسی و نظامی تازه در کشورهای عرب خلیج فارس، اعلام کردند که آمریکا در جریان فروش ۸۰۰ میلیون دلار تسلیحات پیشرفته به این کشورها، هفت پایگاه موشکی در شیخ‌نشین‌ها دایر می‌کند و حسین شاه‌اردن نیز به‌دوره‌گردی در این کشورها خواهد پرداخت.

با چنین رویدادهایی برای هر کسی که اندک شناختی از ماهیت ضد بشری و تجاوزکار امریالیسم آمریکا دارد تردیدی باقی نخواهد ماند که خطر تجاوز نظامی آمریکا به‌صورت مستقیم و یا از طریق رژیم‌های مرتجع وابسته به آن، به ایران و سایر کشورهای مترقی منطقه بسیار جدی است. چنین ارزیابی واقع‌بینانه‌ای با الحاق راهزنانه بلندی‌های جولان به خاک اسرائیل، بیش از پیش تأیید می‌شود.

### تبلیغات امریالیسم خبری علیه ایران بسیار هشداردهنده است.

در شرایطی که امریالیسم آمریکا تمامی رژیم‌های مرتجع منطقه را علیه انقلاب ایران بسیج کرده و می‌کوشد میهن ما را در حلقه‌ای از پیمان‌های نظامی محصور سازد، افزایش بی‌بند و بار تبلیغات زهرآگین و افترا امیز امریالیسم خبری که بخشی از آن از حلقوم حکام مرتجع منطقه بیرون می‌آید بسیار هشدار دهنده و در خور توجه است.

امریالیسم آمریکا با مدستی صهیونیسم اسرائیل دیگر رژیم‌های ضد مردمی و متجع منطقه علیه کشورهای ترقی و جنبش‌های رهائی بخش در خاور نزدیک و میانه و طقه پیرامنه تازه‌ای را از زمان می‌دهد که بر اساس مام شواهد موجود لبه تیز ن متوجه انقلاب ایران است.

این توطئه که از ماه‌ها بل با تشکیل سپاه واکنشی ربیع آغاز شد، با انجام انورهای ستاره درخشان در صر و سودان و سومالی و رانه‌های خلیج فارس وارد رحله تازه‌ای شد. رویدادهای س از این مانورها به‌روشنی شان می‌دهد که هدف اصلی جاوز نظامی به کشورهای ست که از استقلال و آزادی بود در مقابل مظالم جاوزکارانه و سلطه‌جویانه امریالیسم جهانی دفاع می‌کنند.

به دنبال این مانورها امریالیسم آمریکا از طریق رژیم آمریکایی حاکم بر عربستان سعودی طرح ناآنانه فهد را علم کرد، رژیم صهیونیستی قرارداد همکاری استراتژیک امضاء نمود و طرح جایگزینی نیروهای آمریکایی و متحدین روپایش‌اش به جای سربازان حافظ صلح سازمان ملل در سحرای سینا را شروع به اجرا نمود که معنایش جز تجاوز مستقیم آمریکا به سرزمین‌های بربری نیست.

در ادامه این روند شاهد رویدادهایی هستیم که هر یک حلقه معینی از زنجیر توطئه امریالیسم در منطقه تشکیل می‌دهد:

کمک‌های تسلیحاتی آمریکا به رژیم‌های ضد مردمی حاکم بر عربستان، پاکستان و ترکیه شتاب فزاینده‌ای می‌یابد و از نظر کمیت و کیفیت نیز بیش از پیش قابل توجه است. عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس بخش قابل ملاحظه‌ای از دلارهای نفتی خود را به حمایت از جنگ تجاوزکارانه صدام علیه انقلاب ایران اختصاص می‌دهند. چنین کمک‌هایی تاکنون به ۳۰ میلیارد دلار بالغ گردیده است. پیمان‌های نظامی متعدد میان عربستان سعودی و همسایگان جنوبی

### «کنگره»...

از صفحه ۵

کمونیستی، هیئتی مسئول هدایت مبارزه ایدئولوژیک علی! گردید. "کنگره" اقلیت همچنین اظهار نظر کرد که "جسم انداز اعتلاء" مبارزات آشکار نوده‌ای" و احتمال! وقوع یک فقام محدود، وظیفه تدارک آن را به امری فوری و ضروری تبدیل ساخته است.

مصوبات "کنگره" اقلیت در اساسی‌ترین مسائل مربوط به پیرویه انقلاب جهانی و انجام وظایف کمونیست‌ها در انقلاب ایران بیانگر سرنوشت نگون‌بار تمام کسانی است که بر مواضع "چپ" روانه و انحرافی خود اصرار می‌ورزند. آنها جز تلاشی و سقوط آشکار به دامن ضد انقلاب فرجام دیگری ندارند. ما با توجه به وضعیت بسیار رقت‌بار اقلیت که

از اعتقاد به به اصطلاح روبریونیسیم خروشجوی و دفاع از مصوبات کنگره ۲۵ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی بوده است. همچنین "کنگره" ادغام افراد اخراجی از سازمان موسوم به "جناح چپ" را تصویب کرد.

"کنگره" از باند رجوی-خیابانی خواست که از همکاری با بنی‌صدر دست برداشته و به اتفاق اقلیت و سایرین جبهه متحد انقلابی چپ تشکیل دهند. همچنین برای پایان دادن به پراکندگی در جنبش

پذیرفته‌اند جزء متحدین اقلیت می‌باشند. گروهک ضدانقلابی بیکار در زمره این گروه است. و سوم سازمان‌های وابسته به دمکرات‌های انقلابی که باند رجوی - خیابانی از آن جمله است!

دسته چهارم احزاب و سازمان‌های محلی نظیر باند فاسملو و حزب دمکرات کردستان است که از نظر اقلیت در صف انقلاب قرار دارد. از تصمیمات دیگر "کنگره" اقلیت اخراج ۵ نفر از مسئولین به خاطر عدول از مواضع ایدئولوژیک اقلیت از جمله دست ستی

ما بار دیگر آنچه را که پیش از این گفته‌ایم، برای تمام کسانی که هنوز صادقانه، تکرار می‌کنیم. ما آنها را مجدداً به سوی ۱- پذیرش اصول شناخته شده مارکسیسم - لنینیسم و پاک کردن خود از سوم گذشته، ۲- بازگشت به دامن جنبش جهانی و دفاع از اردوگاه سوسیالیسم و درک واقعیت‌های جهان ۳- کنار نهادن پیشداوری‌ها و محاسبات کاملاً ذهنی و غلط پیرامون انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی ایران فرا می‌خوانیم. ما شما را دعوت می‌کنیم که سر از پنجره روبرومنهائی که بدانها پناه برده‌اید، به‌درآوردید و تنها نیم‌نگاهی به خیابان‌ها بیندازید.

مصوبات "کنگره" آئینه تمام‌نمای آن است. آن بخشش از اعضا، هواداران اقلیت و گروه‌های مشابه آن را که صادقانه می‌خواهند انقلابی باشند، دعوت می‌کنیم. پیرامون تجربه اقلیت و گروه‌های مشابه پیش از پیش بیندیشند و آنچه آنها را دچار جنبش فلاکتی ساخته است، ناشی از این یا آن اشتباه در تاکتیک نیست. مشکل بزرگ آنها، انکار صریح اردوی جهانی انقلاب است که نفی آن در عمل، معنایش تلاش مذبوحانه و ورشکسته در مقابل روند انقلاب جهانی است. آنها در زمانی که توهمت خود را در پای حقیقت قریبانی ناساخته‌اند، نه تنها نمی‌توانند خدمتگذار انقلاب باشند، که دشمن آن خواهند بود.

از صفحه ۷

### اداره مجتمع عظیم...

واحد نورد کاویان از واحدهایی است که مستقیماً محصول فولاد مجتمع را می‌تواند به محصولات صنعتی دیگر تبدیل کند. در قراردادهای پیاد شده زمینه‌های انتقال تکنولوژی که از اهم مشکلات اقتصاد ماست بایستی مورد توجه جدی قرار گیرد. به عنوان نمونه ذوب آهن اصفهان که پس از تولید قادر به تامین حدود ۸۵ درصد از قطعات و وسایل و مواد لازم در خود کارخانه می‌باشد، نمونه بارزی بر عملی شدن انتقال سالم و اصولی تکنولوژی است. ایجاد آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای برای تامین انتقال تکنولوژی از موارد

انقلاب باید مشخص و روشن گردد. در این میان قراردادهای واحد ذوب شماره ۲ که بالغ بر ۴۷ درصد کل پروژه مجتمع می‌باشد و تکنولوژی آن به نحویت که در انحصار کشورهای امپریالیستی نیست، باید از کشورهای دوست کمک گرفته شود. روشن کردن این قراردادات تأثیرات اساسی در جوابگویی به نیروی مازاد در مجتمع دارد. همچنین برنامه‌ریزی و تعیین سیاست لازم جهت تکمیل پروژه نورد کاویان که در حدود ۵۰۰۰ کارگر را در بر می‌گیرد می‌تواند به صورت یک قطب بزرگ جذب نیروی کار در منطقه خوزستان درآید.

بهر اهمیت دیگر است. به علاوه همچنانکه در تمامی قراردادهای سابق مجتمع برای تامین لوازم بدکی و قطعات مورد نیاز پروژه محدودیت‌های جدی وجود دارد که ما را مجبور به خرید این وسایل از شرکت‌های خاص امپریالیستی می‌سازد. دیگر نایبستی به چنین تحمیل‌هایی گردن نهاد.

۲- بهبود کیفیت مدیریت- پس از انقلاب متأسفانه همگانه مدیریت انقلابی که تخصص لازم را هم داشته باشد در رأس مجتمع فولاد قرار نگرفته است. گاه لیب‌الهای خائن و گاه مدیرانی مکتبی که از کمترین تجربه مدیریت برخوردار نبوده‌اند مسئولیت اداره آنرا داشته‌اند. آنچه که در شرایط کنونی می‌تواند در بهبود کیفیت اداره این

دولتی (که کارگران بی‌مانی را زیر پوشش خود قرار دهد) از جمله مطالبات مکرر و به حق کارگران بوده است. این شرکت دولتی می‌تواند تمامی کارگران پروژه‌های صنایع فولاد را در بر گرفته و پس از اتمام پروژه مجتمع و به کارگیری بخشی از آنها که مورد نیاز است، در ايجاد و گسترش پروژه‌های دیگر از این نیرو استفاده نماید. به این ترتیب تضمین امنیت تغلی کارگران مجتمع فولاد که از حقوق تصریح شده آنان در قانون اساسی است، برآورده می‌گردد. به علاوه همانطور که قبلاً گفته شد با اجرای قراردادهای واحدهایی نظیر ذوب شماره ۲ و همچنین واحد حنی مجتمع فولاد اهواز (نورد کاویان) مساله اشتغال کارگران نیز در شرایط حاضر به طور قابل ملاحظه‌ای حل خواهد گردید.

از صفحه ۲

### با اتحاد...

می‌دهد، بی‌اعتبار و نادرست است. انقلاب ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران اکنون به جایی رسیده است که برای دوام و بقا و ادامه و گسترش خود به تامین اتحاد کلیه نیروهای انقلابی نیاز حیاتی دارد. مسئله تنها بر سر اجرای قانون و تامین حقوق تصییق شده نیروهای انقلابی دگراندیش وفادار

است که تمامی تفاله‌های آمریکا، مائوئیست‌های آمریکایی تازه‌مسلمان و دیگر اعضای جبهه براندازی، در جهت مخدوش کردن مرز میان دوست و دشمن انقلاب عمل می‌کنند. درست به همین دلیل است که میدان دادن به معیارهای من‌درآوردی، معیارهایی که به جای تامین اتحاد نیروهای انقلابی، آنها را در مقابل یکدیگر قرار

به انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران نیست. مسئله مهم‌تر، مقابله با خطر عظیمی است که از هم‌سو توسط ایادی امپریالیسم آمریکا، انقلاب ایران را تهدید می‌کند. مسئله بر سر این است که جامعه دگرگون شده ایران را نمی‌توان با اتکا به نیروی محدود گروهی خاص بازسازی و نوسازی کرد. مسئله بر سر این است که با ضدانقلاب سازمان یافته ساواکی‌ها، فئودال‌ها و سرمایه‌داران بزرگ و ایادی آنها، که همه‌جا برای

ضربه‌زدن به انقلاب و مسئولان آن در کمیون نشسته‌اند، به‌تنهایی نمی‌توان مقابله کرد و بهترین نتیجه را به دست آورد.

مسئله بر سر این است که در مقابل جبهه جهانی امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، نمی‌توان بطور انفرادی جنگید. باید این سد را که مصالح آن را دشمنان انقلاب فراهم آورده‌اند و چیزی جز پیشداوری، بدبینی، سو تفاهم و تنگ‌نظری نیست، فرو ریخت.

باید دست در دست کلیه نیروهای صدیق وفادار به انقلاب، که در بوته آزمایش سه‌ساله سربلند بیرون آمده‌اند، صرف‌نظر از عقاید مسلکی و مذهبی آنان با دشواری‌ها مقابله کرد و انقلاب را به پیش، به سوی پیروزی قطعی و نهائی برد. آری، اتحاد کلیه نیروهای مدافع انقلاب کلید حفظ انقلاب از گزند توطئه‌ها و تامین پیروزی قطعی و نهائی است. این درس همه انقلاب‌هاست. این درس انقلاب ما نیز هست.



### جمهوری اسلامی ایران...

از صفحه ۲۳

حافل، وابسته به امپریالیسم بر منطقه و سراسر جهان بی‌نی بر متجاوز جلوه دادن ایران گفت:

" ما هرگز نیندیشیدهایم نه اندیشه انقلابی ما و روش عملی جمهوری اسلامی باید به قهر و زور بر دیگران تحمیل شود. ما هرگز فکر تعرض و تجاوز به هیچ کشوری را در ذهن نگذرانده‌ایم و در مرزهای غربی خود تا دشمن گستاخی را در خاک خود ندیدیم، ضربات خود را متوجه وی نگردیم ما هرگز لازم ندانستیم که تبلیغات

شیطنت‌آمیز دشمنان خود را که ما را به دخالت در امور دیگران متهم می‌کردند با چیزی بیش از رفتار آرام و متین خود پاسخ گوئیم. و البته هرگز از دشمن تفرقه‌انگیز و توطئه‌گر چیزی غیر از این تبلیغات را هم انتظار نبرده‌ایم."

وی در پایان سخنان خود با تاکید بر وحدت در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم و وجود تفرقه و جدایی به مثابه عامل قدرت دشمن گفت:

"... به این دلیل دست خود را برای دوستی

به‌سوی همه برادران مسلمان و همه آنانکه به استقلال و آزادی کشورهای اسلامی معتقدند، دراز می‌کنیم"

چنین است موضع دوستانه و صلح‌آمیز انقلاب ایران در قبال همسایگان خود و تمام رژیم‌هایی که به حق حاکمیت و استقلال ملت‌ها احترام می‌گذارند.

این موضع از پشتیبانی همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه در سراسر جهان برخوردار است. مبارزه به‌مخاطر حفظ صلح جهانی، کاهش تشنج اوضاع بین‌المللی و جلوگیری از جنگ هسته‌ای اساسی‌ترین وظیفه‌ای است که اردوی انقلاب جهانی در مقابل خود دارد. ملت‌ها در شرایط زندگی مسالمت‌آمیز است که می‌توانند به‌درستی مسایل

داخلی ناشی از وجود رژیم‌های مرتجع و ضد مردمی را حل و فصل نموده و از دساوردهای گرانقدر مبارزات خود در جهت تعالی مادی و معنوی هرچه بیشتر بهره‌گیرند.

جنگ تجاوز و توسعه‌طلبی همزاد امپریالیسم است. اکنون امپریالیسم جهانی به‌جنان بحران‌های اقتصادی، سیاسی و انحطاط فرهنگی و اخلاقی دچار است که برای حفظ موجودیت روبه زوال خود، چاره‌ای جز روشن نگاهداشتن آتش جنگ میان ملت‌ها و تشدید تشنج اوضاع بین‌المللی برای خود نمی‌شناسد. و این همان آتشی است که سرانجام هستی‌وی را به خاکستر تبدیل خواهد ساخت مردم ما که سائیان متادای

استقلال و آزادی آنها مورد تجاوز و تعدی امپریالیسم آمریکا قرار داشت و انقلاب بزرگ بهمن ۵۷ را بخاطر تحقق استقلال و آزادی واقعی سرزمین خود تحقق بخشیدند پس از پیروزی طی نزدیک به سه سال مکرراً امپریالیسم جهانی علیه انقلاب آنها دست به تجاوز زد و ناآرامی و ناآرامی و آوازی صلح میان ملت‌ها و همزیستی مسالمت‌آمیز میان کشورهای دارای نظام‌های احتمالی گوناگون قاطعانه دفاع می‌کنند. آنها می‌خواهند دست خون‌آلود امپریالیسم جهانی و مزدورانش از مبهن انقلابی ما کوتاه شود تا در محیط دوسی و مسالمت‌آمیزهای مردمی و انسانی انقلاب را تحقق بخشد.

### مواضع لیبرال‌ها...

فکرهایشان را کردند. در ملاقات ۲۶ مهر ۵۸ گفتند که "برای حل مسئله کردها دولت ایران راه قدیمی میانجی‌گری کشور سوئی را پیش بگیرد و چون ترک‌ها در مورد هرگونه ناآرامی در کردستان نگرانند" (۱۹) در نتیجه "احتمالاً خوشحال خواهند شد که درباره این مسئله ایرانی‌ها با ایشان داخل مذاکره شوند" (۲۰)

وقتی ما از آمریکایی‌ها خواستیم که "محرك و بانی‌ای برای کشورهای عراق و ترکیه تهیه و یا ارائه" (۲۱) نمایند

فقه از صفحه ۴

که این کشورها در حل مسئله کردستان به ایران کمک نمایند" (۲۱). آقای جورج کیو" (۲۲). بیخشد "آندلسیک" (۲۳) به‌انتظام، بیخشد "س‌د آهسته" (۲۴) گفت که "من فکر می‌کنم که دولت ایالات متحده همکاری ایران و ترکیه را برای حل مسئله کردها تشویق می‌نماید" (۲۵) و بعد هم دوستان آمریکایی ما دستور (بیخشد خیر) دادند که یکی از بهترین فرصت‌ها برای تقویت روابط دیپلماتیک و حسن همجواری مراسم روز ملی ترکیه در باغ سفارت آن کشور" (۲۶) است

با در نظر گرفتن تمام موارد بالا دکتر بزدی و مهندس بارگان " ملرم به اجابت دعوت و شرکت در آن برنامه و امضا دفتر یادبود گردیده‌اند."

و حالا با انتشار اسناد لانه جاسوسی چنین وانمود می‌کنند که گویا ما ( یعنی لیبرال‌ها) به‌آمریکایی‌ها علاقه داریم، در حالی که همه اسناد نشان دهنده عکس موضوع است!

\* \* \*  
تمام مواردی که در گیومه آمده است، از اعترافات لیبرال‌ها به نقل از اسناد لانه جاسوسی آمده است.

نماره‌های زیر نشان دهنده صفحاتی است که از جلد دهم اسناد لانه جاسوسی نقل قول مستقیم شده است:

۱۱۱۰۶۷ - ۳ و ۳۰ ص ۵۷  
۱۱۱۰۶۷ - ۴ و ۳۰ ص ۵۶  
۹۸ - ۷ و ۳۰ ص ۷۷  
۹۴ - ۱۰ ص ۹۴  
۱۲۰۱۲۰۱۱ - ۱۳ و ۳۰ ص ۹۳  
۱۲۰۱۲۰۱۴ - ۱۴ ص ۹۴  
۱۲۶ - ۱۶ ص ۱۲۶  
۱۲۵ و ۱۵ ص ۱۲۵  
۱۲۰۱۲۰۱۸ - ۲۰ و ۳۰ ص ۱۴۲  
۱۲۰۱۲۰۲۱ - ۲۲ و ۳۰ ص ۱۴۲  
۲۳ - نام مرمرامور "سا"  
۲۴ - نام زمر انتظام  
۲۵ - ۱۲۸ ص ۲۵  
۲۶ - اطلاعات ۱۳ - دی ۶ ص ۲۶

## چرا؟

در شرایطی که بنا به تأیید مسئولین جمهوری اسلامی بیش از ۱۶ میلیون بی‌سواد در سراسر کشور وجود دارد و امر مبرم آموزش به این توده عظیم به هزاران معلم جدید نیازمند است.

در شرایطی که در حدود یک میلیون و چهارصد هزار کودک لازم‌التعلیم از رفتن به مدرسه محروم هستند، و بخصوص در حالی که آقای پرورش خود به صراحت اذعان دارد که:

" با کمبود معلم زیادی روبرو هستیم"

(اطلاعات اول دیماه ۶۰)

درست در همین شرایط، تنها از آغاز سال تحصیلی جاری تاکنون صدها معلم خصوصاً معلمان زن بعنوان مازاد بر احتیاج از تدریس منع شده و در اختیار کارگزینی ادارات قرار گرفته‌اند!

چه جریانی و با استفاده از کدام معیارها مانع از آن می‌شود که نیروی صدها معلم "مازاد" و یا هزاران متعهد به انقلاب باحق پاکسازی شده در خدمت آموزش توده‌های محروم قرار گیرد؟

چرا باید تکیه بر ملاک "مکتبی و غیرمکتبی" همراه با کارکنی دست‌های مشکوک نگذارند از گسترده‌ترین نیروهای پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی استفاده شود؟

## پیرامون سمینار وحدت شوراهای اسلامی کارخانجات تهران

روز دوشنبه ۲۱ دیماه به مناسبت هفته وحدت، سمینار شوراهای اسلامی کارخانجات تهران برگزار شد. در این گردهمایی چند تن از اعضای شوراهای اسلامی و نمایندگان مجلس طی سخنانی ضمن تاکید بر صورت وحدت، به مسائل مبرم مطالبه کارخانجات به‌ویژه به لزوم تشکیل شوراهای آساره کردند. یکی از کارگران گفت:

" ما تا وحدت نداشته و از درد یکدیگر خبر نداشته باشیم، نمی‌توانیم از کارهای خود نتیجه بگیریم. در این میان برادران و خواهران کارگر نیز باید با همفکری و ارائه طرح‌های مناسب، شوراهای اسلامی را در انجام کارهایشان یاری دهند.

کارگر دیگری که از اعضای شورای کارخانه هابیلوکس بود، ضمن تشریح عملکرد شورای این واحد در امر تداوم تولید و امزایش سطح آن، خواستار تدوین قانون کار و تقویت شوراهای گردید و لازمه افزایش یارم بیشتر سطح تولید و ارتقا کیفیت کار و تأمین خودکفایی و استقلال اقتصادی را در تحقق این خواست اصولی دانست.

در پایان، مضامین شوراهای اسلامی کارخانجات تهران خوانده شد که ضمن تاکید بر مسئله اصلی جامعه ما ( جنگ) و حمایت قاطعانه شوراهای کارگری از قوای مسلح و گروه‌های مردمی و نیز حمایت از دولت و مجلس شورای اسلامی و نهادهای

انقلابی بر اتحاد و وحدت شوراهای تاکید نموده و اعلام کردند که با هرگونه اخلاص در کارخانجات قاطعانه مقابله خواهند کرد.

شوراهای اسلامی کارخانجات تهران در این قطعنامه از مسئولین دولت و مجلس شورای اسلامی خواستند که با مصورب و هماری نمایندگانشان شوراهای اسلامی، قانون کار جدید را بسوس و اجرا نموده و هرچه سریع‌تر مواج راه سکنتل شوراهای را از بین بای کارگران بردارند. ربرای سوفت در امر تشکیل شوراهای صلاح اقتصاد و حاشیه سود و باعث رکود کار در واحدها و رشد فرصت طلبان می‌گردد."

## نیمه: دنیا خانه من است

کترش می‌دهد و در هر فرصت مناسب بای درد دل‌های مردم می‌نشیند و خصوصاً زندگی زحمتکشان خلق را در خطر دارد. او در نامه‌ای به همسرش عالی‌می‌نویسد:

عالیه! بدبخت‌ها نظر بیندار. و خود سر تا آخرین لحظه حیاتش به گفته خود وفادار می‌ماند و اگر جز این بود، تصویر زندگی مرده‌ای که چه‌هاش را در تنهای خانه‌اش به‌حالا می‌گذارد، و خود پاسدار برنج‌زاران ده می‌شود نمی‌تواند در تاروپود احساسات برانگیخته ما جنگ نیندازد و نانبری عمیق برحای نگذارد.

شعر "مانلی" نیز، همچون نمونه‌های از دهها و صدها نمونه دیگر، باراز چنین تاثیری برخوردار است. آشنایی و الفت شما با زندگی میادان شمال، شناخت از زندگی بی‌تلاطم زحمتکشان دریا و شناخت گسترده‌ای که از انگیزه‌های عاطفی و زیبایی‌شناسانه آنها دارد، زندگی دردمند "مانلی" این مرد ماهیگر مسکین شمالی را، با خلاقیتی کم‌ظنیر تصویر می‌کند و در واقع رنج زندگی و دوست‌داشتن را در کنار هم می‌نهد و بار دیگر آمیختگی خود را با زندگی زحمتکشان خلق نشان می‌دهد.

ارزش و اعتبار شما هنگامی بیشتر می‌شود که او را نه یک شاعر ملی، بلکه یک شاعر انترناسیونالیست بدانیم و گستره دردمندی‌های او را نه در محدوده مسائل مبنی بلکه فراتر از آن و در پیوند با دردمندی‌های زحمتکشان جهان بشناسیم و دنیا را خانه او بدانیم. در سالگرد درگذشت او، که سه سالگی است، در آستانه سومین سالروز انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی ایران که بساط ضد مردمی‌ترین رژیم امپریالیستی می‌نطقه را درنوردید با اشاره‌ای کوتاه به "مرغ

از سنت‌های ارزمند شعر قدیم فارسی سوه‌ای بود در شعر امروز ایران، بنیان می‌نهد. شما با اعلام نبرد تیرفخ‌خواهان و انقلابی علیه مقلدان بی‌مایه حافظ‌ها و مولاناها و... ثابت می‌کنید که ناسته‌ترین میراث‌دار شعر و ادب گرانمایه شعرای ارزمند ما یعنی حافظ‌ها همانا خودناوست ارزش انقلابی شما علاوه بر تحولی که در اسلوب شعر به‌وجود آورد، در مضامین اجتماعی شعرهای او است. او هنرمندی است که از اندیشه‌های مترقی زمان خویش، خاصه پس از پیروزی انقلاب کبیر اکثر ۱۹۱۷ که در میان کارگران و زحمتکشان کشور را یافته است تاثیر می‌پذیرد.

آوای او چوناقوس در هرکجا که مرده‌به‌داعیست یادلفرسده‌مانده چراغیست تاثیر می‌کند. او روز و روزگار بهی را تفسیر می‌کند.

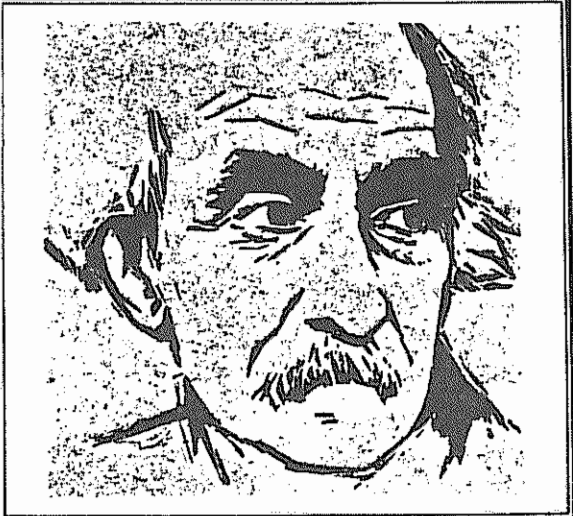
خصوصیت بارز شعر نیمه امید به آینده و پیروزی‌های مردم در عرصه مبارزات حق‌طلبانه و عدالت‌جویانه - شان است. هر چند شب و تیرگی‌های آن سهم چشم‌گیری در شعرهای او دارد و این چیزی جز تصویر واقعی شرایط خفقان آن زمان میهنان نیست، ولی سمت و سوی اساسی شعرهای او در جهت صبح و روشنائی‌های دم‌افزون آن است. به همین جهت چشم‌های روشن شما چون چشمان واقع بین مردم میهنش، به تاریکی شب عادت نمی‌کند. "تن او با تن مردم همه را با تن هم ساختنند".

نیمه می‌داند که شعر زمانی می‌تواند موثر واقع شود که با زندگی مردم زحمتکش پیوند یگانه‌ای داشته باشد، که دردهای مردم را بازگو کند و چاره آنان را بشناسد. بدین منظور، و برای اینکه بتواند این تاثیر و اثرات را به شکل زنده‌تری در خلاقیت‌های هنری خود راه دهد همفکری، همدلی و صحبت‌های خود را با زحمتکشان شهر و روستا

هنگامی که چشم از جهان بر بست، هنر ایرانی بزرگترین آفریننده خند صد سال اخیرش را از دست داده بود. آفریننده‌ای که به‌درستی مفهوم واقعی زندگی را در زیبایی تلاش به‌سوی هدف یافته بود و با خلاقیت شگرف‌اش در ارائه دساوردهای تازه‌تری در عرصه هنر توانسته بود هستی را که رویه سوی هدفی عالی‌تر دارد، پیش چشم همه عاشقان راه پیروزی و سعادت مردمان رنگی دیگر دهد.

علی اسفندیاری، معروف به نیمایوشیح در سال ۱۲۷۴ در بوش یکی از دورافتاده‌ترین دهات مازندران به دنیا آمد. دوران طفولیت خود را بین زحمتکشان ده گذراند. بعدها به تهران می‌آید و دوره تحصیلات عالی خود را شروع می‌کند. آشنایی به زبان فرانسه او را با ادبیات نوین جهان آشنا می‌سازد. آشنایی او با درک ضرورت‌های مرم زمان این ستاره درخشان آسمان ادب معاصر میهنان را به ایجاد تحول اساسی و نوآوری در قالب و سبک‌های متداول و مرسوم شعر فارسی سوق می‌دهد و راه تازه‌ای را در پیش چشم او می‌گذارد.

افسانه " او به سال ۱۳۰۱ در " قرن بیستم " روزنامه پیشرو آن زمان، به چاپ می‌رسد. "افسانه" هرچند هنوز از قید و بندهای شعر قدیم خلاصی نیافته است، اما غزل عاشقانه پرشوری از نوع جدید است. چاپ این شعر در جامعه ادبی آن زمان با ابتکارهای تازه‌ای که داشت، بر روی شعر فارسی گستره وسیعی می‌گشاید: عاشقا خیز، کامدبهاران چشمه‌کوچکا زکوه‌جوشید، گل‌بصحرادرآمدچوآتش رود تیره‌چو طوفان خروشید دشت‌اکنون شده هفت‌رنگه بعد از این است که نیمه در راه نوینی که خود نخستین رهرو و رهگشای آن است گام‌های محکم‌تر برمی‌دارد و با دور ریختن قالب دست‌وپا گیر فرسوده گذشته، با استفاده درست



و هرگاه گستره وحدت خلق بیشتر می‌گردد، صدای او رساتر، یگانگی مردم را فریاد می‌زند: رستگاری روی خواهد کرد و شب تیره‌بدل، با صبح روشن گشت خواهد مرغ می‌گوید.

خلق می‌گویند: "اما آن جهان‌خواهر (آدمی را دشمن دیرین)، جهان را خورد یکسر مرغ می‌گوید: - در دل او آرزوی او محالش باد

- خلق می‌گویند "اما کینه‌های جنگ ایشان در پی مقصود همچنان هر لحظه می‌کوبد به طبلش" مرغ می‌گوید: زوالش باد.

**خروس می‌خواند**

قوقولی‌قو! خروس می‌خواند  
از درون نهفت خلوت ده،  
از نشیب رهی که چون رگ خشک  
در تن مردگان دواند خون؛  
می‌تند برجدار سرد سحر  
می‌تراود به هر سوی هامون.  
با نوایش از او ره آمد پر  
مژده می‌آورد به گوش آزاد.  
می‌نماید رهش به آبادان  
کاروان را در این خراب آباد.

رفیق ترکمن، رجب محمد توماج در جبهه سوسنگرد به شهادت رسید

## تاپای جان از میهن انقلابی دفاع کنیم



رفیق شهید رجب محمد توماج

ابتدائی و متوسطه خود را در زادگاهش و شهرستان ماری به اتمام رساند و در سال ۱۳۵۳ به سرکاری اعزام شد و در سال ۱۳۵۶ بعد از به پایان رساندن دوره دو ساله سرکاری وارد دانشسرای تربیت معلم ماری شد.

رفیق رجب محمد توماج در مورد نحوه شروع مبارزه سیاسی و پیوستن به سازمان ما در یکی از نامه‌هایش نوشته بود:

رنج و دردی که مردم زحمتکش محیط زندگیم از دست سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ می‌کشیدند مرا به مبارزه با غارتگران توده‌ها یعنی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ سوق داد. من سرسپردگی رژیم منفور پهلوی به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را عامل اصلی نابسامانی در کشورم می‌دیدم و از سالهای قبل، نفرت از شاه و آمریکا همه وجودم را فراگرفته بود. شروع انقلاب در سال ۵۶ شکوفه‌های امید رهائی از جنگال امپریالیسم را در من بارور کرد و من را به میدان گسترده‌ترین مبارزه ضد استبدادی - ضد امپریالیستی کشاند و در دوره جنبش انقلابی - ۵۷-۵۶ آبدیده کرد. در سال ۵۷ به سازمان پیوستم. من تا آخرین لحظه زندگیم به سازمانم وفادار خواهم ماند زیرا راه سازمان راه بهروزی و سعادت مردم زحمتکش میهنم است.

محمد توماج در نامه دیگری چنین نوشته بود: "آرزوی جز این ندارم که در راه پیشبرد آرمان‌های انقلابی سازمانم که همانا بهروزی کارگران و زحمتکشان میهنم است، سهمی ناچیز داشته‌باشم"

رفیق شهید رجب محمد توماج یکی از ورزشکاران شایسته و بنام کشورمان بود که در رشته‌های پرتاب دیسک و نیزه درخشش خاصی

رفیق فدائی "اکثریت" رجب محمد توماج فرزند ناآکار خلق ترکمن مرزم رفقای شهید توماج. مخنوم. جرجانی واحدی در جبهه سوسنگرد به شهادت رسید.

بندر ترکمن در جبهه رزهای فتح قهرمانانه ستان از طرف رزمندگان لاورر جبهه‌های جنگ بهمنی و در زیر شلاق باران باد شدید شاهد یکی از شکوه‌ترین راهپیمایی‌ها به اله اخیر خود بود. حمتکشان ترکمن در حالیکه یگر خونین فرزند قهرمان بود رفیق شهید رجب محمد توماج را بر شانه‌های خود حمل می‌کردند، فریاد بشمگین مرگ بر آمریکا، یگ بر صدام سر داده و مادگی رزمجویانه خود را بدون سبب مردم انقلابی بهمنان برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی بران اعلام داشتند.

رفیق شهید رجب محمد توماج با به شهادت رسیدن ر جبهه مقاومت میهنی در زابهر تجاوزگران به این زوری خود رسید که ی‌گفت: "من به عنوان یک نسان ما بین مرگ و زندگی نمانا زندگی را برمی‌گزینم لی هر موقع احساس کنم که رگم به نفع انقلاب و در نهت اتحاد خلقهای یهنم است، بدون درنگ رنگ مرگ را آگاهانه سر ی‌کشم."

رفیق رجب محمد توماج وز ششم آذرماه امسال ننی روز قبل از تهاجم سترده رزمندگان میهنان و نیروهای متجاوز صدامی - بریکائی در بستان هنگامی در سمت فرماندهی جی از رزمندگان، از ناسائی مواضع دشمن نجاوز برمی‌گشت، در اثر سابت ترکش خیاره نجاوزین به شهادت رسید محمد توماج در سال ۱۳۳ در بندر ترکمن به نیا آمد. تحصیلات

## به جبهه رفتیم تا از انقلاب دفاع کنیم

کرد: امپریالیسم توطئه می‌چیند. حمله می‌کند تا شرافت. حیثیت مردم ما را تباہ نماید و آینده آنها را تیره کند لذا من جبهه رفهام تا از انقلابمان که خوشحنتی و آسایش و سرفرازی همه مردم انقلابی میهنم در گرو پیروزی کامل آن است دفاع نمایم.

رفیق علیرضا جروفی که پس از ماهها زرم دلیرانه در برابر متجاوزین در جبهه سوسنگرد به شهادت رسید در سال ۱۳۴۰ در خانواده متوسط کشاورزی در میانه آذربایجان متولد شد. محیط زندگی و فقر و فلاکتی که دام نوده‌های زحمتکش میهنان را گرفته بود و مبارزات مردم نمی‌توانست در او موثر نیفتد به همین دلیل در طول تحصیل در دبیرستان اندیشه مبارزه علیه تهاه امپریالیسم و امپریالیسم در او شکل گرفت و با حبش اولین جرقه‌های خیرش توده‌های در سال ۵۶ به صف مقدم مبارزین پیوست و شانروزش را وقف مبارزه راه تحقق آرمانهای انقلابی توده‌ها ساخت. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمنی به سازمان پیوست و با شروع تجاوز امپریالیسم صدام به میهن انقلابیمان تحت رهنمود سازمان بطور داوطلب عازم جبهه‌های نبرد شد و پس از ماهها مبارزه قهرمانانه در اوج وفاداری به آرمان سترگ کارگران و زحمتکشان به خیل عظیم شهیدای خلق پیوست.

پادرفیق شهید علی رضا جروفی را گرامی می‌داریم و به خانواده و همزمانش درود می‌فرستیم.

هر موقع به توطئه‌های که در پشت حمله امپریالیسم صدام نهفته است فکر می‌کنم دلم می‌خواهد که فوراً در جبهه حاضر شوم و جان برکف به مقابله متجاوزین بستانم.

"رفیق شهید علی رضا جروفی" رفیق علی رضا جروفی که بعد از ماهها حضور در جبهه طی یک مرخصی یانزده روزه به دیدار خانواده‌اش در میانه آمده بود به دنبال دریافت تلگراف ارتش بدون یک لحظه درنگ مجدداً خود را به جبهه رساند و تا آخرین لحظه زندگی ارزشمندش مردانه در راه دفاع از انقلاب جنگید و سرانجام در حالیکه انگشت بر ماشه شیرساز سنگینش می‌فشرد و هر لحظه تعدادی از متجاوزین را به خاک می‌افکند به صرغ گلوله متجاوزین شهید شد.

رفیق علیرضا جروفی در طول چهار روزی که در شهر رادگاهش بود با جبهه‌های مصمم و روحیه‌ای استوار در پس اعطای خانواده و دوستان و رفقا و مردم شهرش ظاهر می‌شد و آنها را به مقابله با توطئه‌هایی که از طرف امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا نندازک دیده می‌شود دعوت می‌نمود.

رفیق روزی در مقابل این سوال یکی از نزدیکانش: که آیا در طول اقامت در جبهه برای خانواده‌ها تا راحت نیسی اظهار داشت: چرا ولی من فکر می‌کنم کسی که خانواده‌اش یا مردم زادوست داشته باشد باید از شرافت، خوشحنتی و زندگی آنها دفاع کند و امروز این دفاع ممکن نیست مگر در تقابل و ستیز با توطئه‌های امپریالیستی و سپس اضافه

می‌کنند، دستشان پیش نیروهای اصیل پیرو خط ضد امپریالیستی - مردمی امام خمینی رو شود. ما نمم گرامی داشت خاطره فداکاری‌ها و دلاوری‌های رفیق شهید

داست و سالها رکورد دار آموزشگاه‌های کشور بود. اخلاق انقلابی او موجب شده بود تا در بین ورزشکاران و علاقمندان به ورزش و همچنین همه مردمی که به نوعی او را می‌شناختند، از محبوبیت زیادی برخوردار باشد.

رفیق رجب محمد توماج در سال ۱۳۵۹ به مشکلی کلا غیرقانونی و صرفاً به اتهام فدائی خلق "اکثریت" بودن از دانشسرای پاکسازی شد! وی در این مورد به هنگام اعزام به جبهه گفته بود:

به جبهه رفتیم و احتمالاً شهادت من اگرچه در مرحله اول بر حسب وظیفه میهن پرستی و برای دفاع از انقلاب و به پیروی از رهنمود سازمان صورت می‌گیرد ولی این حسن را هم در بردارد که به عناصر و جریاناتی که به عمد یا اشتباه دست به پاکسازی و اخراج هواداران نیروهای انقلابی خصوصاً پیروان راستین سوسیالیسم علمی می‌زنند، نشان می‌دهد که ما تا پای جان برای دفاع از انقلاب که همانا دفاع از جمهوری اسلامی ایران است، آماده فداکاری هستیم. بگذار آنهاش که اشتباه می‌کنند بتوانند بر این اشتباه خطرناک خود چیره شده و خطاهای خود را تصحیح کنند و آن دسته هم که عمداً برای ضربه زدن به انقلاب این کار را

# پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★



در راه خلق فداکار و در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم

## کرامی باد خاطره رفقای شهید دی ماه

- ☆ فاطمه حسن پوراصلی
- ☆ شاهرخ هدایتی
- ☆ مسرور فرهنگ
- ☆ سیروس سپهری
- ☆ محمد علی خسرواردبیلی
- ☆ حسن محمودیان (حسین)
- ☆ خدا بخش شالی
- ☆ مرتضی حاج شفیعیا
- ☆ محمدرضا هدایتی
- ☆ سعید پایان
- ☆ فتح‌الله کریمی
- ☆ مسعود عرفانی
- ☆ شهادت در جنوب لبنان (شهادت)

## جان آنتونیو مایدانا را نجات دهید

"دیکتاتوری فاشیستی آینده‌ای ندارد! این رژیم نیز چون دارو دسته‌های باتیستا و سوموزا سرنگون خواهد شد. باید جان آنتونیو مایدانا را نجات داد، باید میهن دوستان "ناپدید شده" و همه زندانیان سیاسی را آزاد ساخت. خلق ما تنها نیست و می‌تواند به همبستگی گسترده بین‌المللی تکیه کند."  
(از بیانیه حزب کمونیست پاراگوئه)



آنتونیو مایدانا  
دبیرکل کمیته مرکزی "حزب کمونیست پاراگوئه"  
در صفحه ۱۸

## فدائیان خلق رفقای شهید سنگرهای بیکار با تجا و زگران

- |                 |                              |                |
|-----------------|------------------------------|----------------|
| ایرج حسین‌نیا   | پرویز شریعتی                 | اکبر بدلی      |
| لطیف علویزاده   | غیاث‌الله رئیسی              | اکبر نخوز      |
| پرویز کریمیان   | محمدرضا آذربای               | امیر آقایی     |
| اسحاق بابازاده  | سیدلا ستانزاده               | علی صافی       |
| مرتضی دارابی    | حبیب‌الله فرحخش              | جواد گنجی      |
| زهره موسویان    | ابراهیم شکرچی                | الوز بوسلی     |
| سعید نجف‌میر    | عبدالرحمن شاه‌میر            | مریم رئیسی     |
| شهریار باقرزاده | محمد اشرف‌آبادی              | رحیم قلمچی     |
| کیوش پاک‌بخت    | فریدون مرتضی‌زاده            | سعید کوشش      |
| حمید ولادوست    | محمدتاسم فتح‌پهلی            | بهرام پیرامینی |
| غلامرضا صفرزاده | محمد مهدی نیکاندام           | محمود آبخو     |
| محمدرضا جعفری   | محمد اسدالله‌نورپور          | خسرو کریمی     |
| منصور دهقانی    | محمدحسن صدرا بادی            | حسن شریعتی     |
| بدالله اسماعیلی | رحمت‌الله (امیر) اسکندربابور | علیرضا کاظمی   |
| حسن دهبدار      | نوری نیکان                   | عبدالله مرادی  |
| محمدرضا وصال    | سعید (عباس) آقاپور           | محمد بازدار    |
| پرویز خلوازی    | علیرضا خلویی                 | تقی اسکویی     |
| محمدعلی بحرینی  | افراسیاب (زوبین) سلیمانی     | حسن صالحی      |
| ابراهیم جعفری   | سیدرضا طالب‌موسوی            | عباس دهبدار    |
| محمود طباطبائی  | محمدرضا اکبری اسدی           | اکرم غفاری     |
| منصور جعفری     | بهرام هبیت‌الله سامانی       | بهروز شیوا     |
| غلام عباس بغرد  | امیرسید واعظی آشتیانی        | مرتضی شفقتی    |
| علی حاتم‌زاده   | کاظم عبدی                    | الاس باخانی    |
| رجب‌محمد تویاج  | مهرداد (عدالت) دلخونی        | عباس تاملاتی   |
| علیرضا جویلی    | بدالله (بهنام) احمدی         | جعفر حسین‌پور  |

## آیت‌الله منتظری از مسئولین خواست

در برابر جریانات و جوهای مسموم مقاومت کنید

## دوست نادان خطرناکتر از دشمن داناست

دادگاهها نباید به شکلی عمل کنند که سوز تبلیغاتی به دست ضدانقلاب داده و در بر خورد با متخلف امنیت عمومی را خدشه دار سازند.

در صفحه ۲۲

## اعلامیه کمیته ایالتی کردستان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در صفحه ۱۱

## به مناسبت ۲ بهمن (۲۱ ریبه ندان)

## رفقای ما از زندان بانه آزاد شدند

دوازده تن از رفقای ما که در زندان بانه بسر می‌بردند این هفته آزاد شدند و به محیط پرتلاش و سازنده بیرون کام گذاشتند. آزادی این رفقا، که بر اثر پاره‌ای سوءتفاهمات بازداشت شده بودند، اقدامی است مسئولانه و واقع بینانه که می‌تواند مبشر تلاش‌هایی باشد در جهت پای بندی به قانون، برقراری آرامش متکی به قانون و تامین شرایط مساعد برای وحدت عمل همه نیروهای انقلابی در منطقه حساسی چون کردستان.

رفقای که از زندان بانه آزاد شدند عبارتند از:

- ۱- جمال احمدزاده
- ۲- حسن ملازم خوشایدر
- ۳- عبدالخالق دولتی
- ۴- عطاء‌الله سرشیدی
- ۵- علی کلهری بانه
- ۶- صدیق فقیهی
- ۷- مجیدامین شریفزاده
- ۸- مجید رحیمی جمال
- ۹- نوری امین نژاد
- ۱۰- عزت‌الله سرشیدی
- ۱۱- عمر دولتی
- ۱۲- فرید دولتی

حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی:

## شوروی‌ها مانند غربی‌ها برای ما مزاحمت ایجاد نمی‌کنند

حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی: "شوروی‌ها مانند غربی‌ها برای ما مزاحمت ایجاد نمی‌کنند. حجت الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده امام در شورای عالی دفاع و سخنگوی این شورا، پس از پایان جلسه شورای عالی دفاع در روز شنبه ۲۶ دی ماه، در مورد "موج تبلیغات جدید روزنامه‌های امریکایی" مبنی بر اینکه شوروی سیل‌وار به ایران اسلحه سرازیر می‌کند، گفت:

"غربی‌ها بطور کلی لولویی که برای مردمان درست کرده‌اند "شوروی" است و هر جا بخواهند برنامه‌هایی که دارند افکار عمومی مردمان را آماده کنند، متوسل به این مطلب می‌شوند. نه اخیراً و نه قبلاً، هیچوقت سیل اسلحه از شوروی به ایران نیامده. سخنگوی شورای عالی دفاع، در ادامه سخنان خود، بطور واقع بینانه تأکید کرد: "البته شوروی‌ها مانند غربی‌ها برای ما مزاحمت ایجاد نمی‌کنند و معاملات مادر سطحی است که قبلاً داشته‌ایم. موادی که می‌گرفته‌ایم یا می‌فروخته‌ایم شاید کمی بیشتر شده باشد، نه خیلی زیاد از جاده‌های شوروی استفاده می‌کنیم برای آوردن بعضی کالاها یا مان از غرب طبق قراردادی که در مجلس تصویب شده و همه می‌دانند."

# پیش‌پسوی تشکیل حزب طبقه کارگر